

وقت معلوم



اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيِّكَ الْفَرَجَ

محمد حسن کنجھی فرود

وقتِ معلوم

پیرامون

نحوهٔ فعالیت‌های شیطان علیه امام زمان علیه السلام
و
بررسی علل آن

نوشته:

محمدحسن گنجی فرد

کنجی فرد، محمدحسن، ۱۳۴۰ -
 وقت معلوم: پیرامون نحوه فعالیت‌های شیطان
 علیه امام زمان علیه‌السلام و بررسی علل آن / نوشته
 محمدحسن کنجی فرد - قم: بطحاء، ۱۳۷۸، ص ۲۱۹.

ISBN 964-6331-14-9: ۶۷۰۰ ریال

فهرستنویسی براساس اطلاعات فیپا .

عنوان دیگر: وقت معلوم .

کتابنامه به‌صورت زیرنویس .

۱. محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق، -

-- احادیش. الف.عنوان.

۲۹۷/۹۵۹

BP۵۱/۵۹۷

۷۸-۷۱۵۹م

کتابخانه ملی ایران

نام کتاب وقت معلوم
 مؤلف محمد حسن کنجی فرد
 ناشر بطحاء
 حروفچینی و صفحه آرایی کتابخانه الکترونیک
 نوبت چاپ دوم
 شمارگان ۳۰۰۰
 تاریخ انتشار زمستان ۱۳۷۸
 تعداد صفحات ۲۲۴
 چاپ نگین

مراکز پخش

قم: صندوق پستی ۴۱۹۴ - ۳۷۱۸۵ - همراه ۰۹۱۱۲۱۹۰۹۱۵

تلفن ۰۷۷ ۰۶۶۰۳۶۶ ۰۲۱۴۱۴۰۶۰۰

مشهد: مؤسسه حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام

قاسم آباد یوسفی ۱۳ پلاک ۵۰ ص.ب ۰۵۹۴۱-۹۱۳۷۵

شابک ۹ - ۱۴ - ۶۳۳۱ - ۹۶۴

قیمت: ۸۰۰۰ ریال

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ

سَيِّدِنَا الْأَمِيرِ الْمُؤْمِنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْمُسْتَضَرِّ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

اهداء

در ابتدا می خواستم این کتاب را به محضر مقدس

حضرت بقیه الله الاعظم

عجل الله تعالى فرجه الشريف تقديم نمايم ولي ديدم نه اين
و نه هيچ چيزي در عالم، ارزش ران ملخ را هم در مقابلشان
ندارد لذا آن را به روان پاک نایب ایشان، بنیانگذار
جمهوری اسلامی ایران **حضرت امام خمینی** (مد ظله العالی)
اهداء می نمايم، امیدوارم در صده میلادش انتظار رؤیت
خورشید عوالم هستی به پایان رسیده شاهد ظهور
موفورالسرور حضرتش باشیم.

مؤلف

تقدیر و تشکر

بدینوسیله از زحمات استاد عزیزم

حضرت آیه الله سید حسن ابطحی ادام الله توفیقاته

که با سعه صدر و مهربانی فوق العاده در تربیت اینجانب که کمترین

از شاگردانشان هستم کوشیدند، سپاسگزاری می کنم.

به خاطر کوششی که ایشان برای نوع تعلیم داشته و سعی کرده اند

مطالب و حقایق را فقط با استنباط از روایات خاندان عصمت و

طهارت علیهم السلام به ما منتقل نمایند پاداش ایشان را از حضرت

بقیة الله ارواحنا فداه خواستارم.

پیشگفتار

نمی‌دانم چرا هنگام خرید جنسی اگر فروشنده به جای سنگ یک کیلویی که هزار گرم است و باید یک کیلو از جنس خریده شده را بکشد، مثلاً حبه قندی را بگذارد و جنس را با آن به جای ۱۰۰۰ گرم بخواهد وزن کند، شدیداً اعتراض می‌کنیم و خواستار مراعات میزانی که از نظر عرف و شرع و قانون باید رعایت شود، می‌شویم ولی اگر عقیده و عملی را ببینیم که کسی برخلاف صریح قرآن و روایات اظهار می‌کند، یعنی مطابق با میزانی که خداوند قرارداده اظهار نکرده و خلافتش را بیان می‌کند هیچ برایمان مهم نیست یعنی برای این نامیزانی ناراحت نشده و دغدغه‌ای نداریم و یا اگر ناراحتیم قدم اساسی و بنیادی که باید برای اصلاحش برداریم، بر نمی‌داریم.

این نوع از انحرافات که از افکار و عقایدمان است و در واقع نشانه ضعف و مرض روحمان می باشد، اثرات زیانباری در زندگی فردی و اجتماعی خودمان می گذارد و هر چه انحراف و کج روی در زمینه پراهمیت تری از اعتقادات باشد اثر سوئش بیشتر است. یعنی گاهی این انحراف در موردی است که اثرش فقط متوجه خود انسان می شود ولی گاهی باعث تخدیر اجتماعی هم می شود و آن را از رشد و فعالیت در جهت صحیح و اساسی باز می دارد و این فوق العاده خطرناک است. همانطور که اگر کسی مثلاً دستش کمی زخمی شود معلوم است به اندازه کسی که تمام بدنش سوخته، خطرناک نیست و همین فرد نسبت به کسی که قلب یا مغزش مورد آسیب کلی قرار گرفته و متلاشی شده وضعیت خطرناکتری ندارد.

با این مقدمه و مثال می گوئیم اگر انحراف درباره نبض و شاهرگ حیاتی زندگی انسانیت باشد و آنچه آب حیات هستی به شمار می رود یعنی اعتقاد به امام مورد انحراف و بی مهری قرار گیرد، اساس زندگی اجتماعی انسانها از مسیر صحیحی که باید حرکت می کرده، منحرف شده و از هم دیگر گسسته خواهد شد. لذا در این کتاب سعی شده عوامل منحرف کننده انسان از داشتن اعتقاد درست و انجام وظیفه صحیح در مقابل امام زمان علیه السلام معرفی شود و علت فعالیت این عوامل نیز بررسی گردد و برای این کار کتاب به سه بخش تقسیم شده است:

در بخش اول اهمیت اعتقاد صحیح به امامت و خطر انحراف از آن، از آیات و روایات بیان شده تا بدانیم بازگشت به جاهلیت و رو آوردن سختی‌ها و در نهایت غیبت کبری نتیجه قدرشناسی مردم دنیا از امامت ائمه اطهار علیهم‌السلام بوده است. چون هر چه معصومین علیهم‌السلام در زمان زندگی خود، از طرفی تهدید به رو آوردن سختی‌ها و از طرفی وعده رسیدن فرج و گشایش را در سالهای ۷۰ و ۱۴۰ دادند تا مردم موقعیتهای از دست رفته را جبران نموده و با رو آوردن واقعی به امام علیه‌السلام از جهانی شدن جهالت جلوگیری کنند، به علت غفلت مردم، نشد.

در این بخش اعتقاد صحیحی که یک مسلمان باید نسبت به امام زمان علیه‌السلام و بقیة معصومین داشته باشد، از آیات و روایات بیان شده است.

در این قسمت کتاب، ابتدا از میان ده‌ها عنوان برجسته‌ای که خداوند در قرآن برای معصومین علیهم‌السلام قرار داده، به یمن تعداد آنها یعنی ۱۴ مورد از این عناوین را انتخاب کردیم تا بدانیم ارزشمندی انسانهایی بعنوان انبیاء اولوالعزم و با قرار گرفتن عده‌ای در جهنم، بخاطر اطاعت یا عصیان در مقابل این معصومین علیهم‌السلام است. در قسمتهای دیگر این بخش بیان شده که چگونه انبیاء گذشته قصد داشته‌اند جهانیان را به مقام امام زمان علیه‌السلام متوجه نمایند و دیگر اینکه وزرو و بال روز قیامت بخاطر اطاعت نکردن و شناختن

امام زمان علیه السلام است.

در این بخش ویژگی فوق‌العاده‌ای که خداوند فقط برای حضرت حجة بن الحسن ارواح‌افداه قائل شده ذکر گردیده و در پایان این بخش صدها روایت معصومین علیهم السلام که درباره حضرت ولی عصر (ارواح‌افداه) فرموده‌اند به ۱۴ موضوع تقسیم شده و تعداد کمی از هر کدام ذکر و توضیح مختصری داده شده است.

در بخش دوم عوامل منحرف‌کننده انسان از داشتن اعتقاد صحیح نسبت به امام زمان علیه السلام و علت این فعالیت بیان گردیده است.

در این بخش شیطان به عنوان پیش‌کسوت دشمنان نمایندگان الهی در هر دوره و زمانی، بخصوص اکنون نسبت به امام عصر ارواح‌افداه از آیات و روایات معرفی شده و ترفندهایی که او برای ایجاد انحراف عقیده مردم نسبت به امام هر زمان داشته، گفته شده و ضمن توضیح وقت معلوم، چگونگی فعالیت‌های او برای به عقب انداختن آن وقت بیان شده است.

در پایان این بخش ریشه‌دار نبودن اثر این فعالیت‌ها در دنیا و نشانه‌های توجه دنیا به امام زمان علیه السلام توضیح داده شده است.

در بخش سوم مهمترین وظایفی که اکنون به عهده ما است و آن توجه به هشدارهای الهی، دعا و تضرع و کسب

معرفت بوسیله ارتباط با امام از راه تزکیه نفس است، از آیات و روایات بیان شده است و برای اینکه بتوانیم در مقابل حیل‌های ضعیف شیطان مقاوم شویم، زمینه فعالیت که او در انسان انتخاب می‌کند گفته شده و راه درمان اساسی آن که تهذیب نفس است و خداوند و معصومین بارها در قرآن و روایات و جوب آن را تأکید کرده‌اند بیان گردیده است.

در این بخش وسیله بازکردن درب بسته غیبت امام زمان علیه السلام که در دست ما است و آن دعا و تضرع و خودسازی است، تذکر داده شده است.

در پایان این بخش راه ارتباط روحی و کسب معرفت که به وسیله زدودن موانع بین خود و امام امکان‌پذیر است و می‌شود از این طریق با وجود بی‌توجهی مردم دنیا نسبت به امام زمان علیه السلام و ادامه غیبت، خود را از گرفتاری‌های آن رهانید و از مزایای ظهور برخوردار شد، بیان شده است. در پایان کتاب به مصداق ختامه مسک ۱۴ حدیث از حضرت ولی عصر ارواحنا فداه انتخاب و آورده شده است. امید است این کتاب به عنوان کمترین خدمت مورد توجه قطب عالم امکان حضرت بقیه الله الاعظم قرار گیرد و از نقائص آن به درگاه ایشان پوزش می‌طلبیم.

مشهد مقدس - محقق حسن گنجی فرد - ۱۷ / ربیع الاول / ۱۴۲۰

بخش اول

منزلت ائمه اطهار علیهم السلام

- | | |
|-----------|--|
| فصل اول | اهمیت اعتقاد صحیح به امامت و خطر انحراف از آن |
| فصل دوم | بازگشت به جاهلیت بعد از پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> |
| فصل سوم | اعتقاد صحیح درباره امام زمان <small>علیه السلام</small> چگونه باید باشد؟ |
| فصل چهارم | روایات ۱۴ گانه معصومین <small>علیهم السلام</small> درباره امام زمان <small>علیه السلام</small> |

فصل اول

اهمیت اعتقاد صحیح به امامت و خطر انحراف از آن

اعتقاد صحیح به امامت و رهبری جامعه مسلمین، برای رسیدن به زندگی سالم آن قدر اهمیت دارد که اگر انسان از آن منحرف شود، به هر اندازه که از این منبع علم دور شود به همان اندازه جاهل می شود و در هر کاری که با فکر ناقص خود یا القاء شیاطین جنی و انسی عمل کند، چون آن کار از مسیر و منبع واقعی که امام است ریشه نگرفته و از محدوده فکر ناتوان بشری تجاوز نمی کند، باعث انحراف انسان از صراط مستقیم دین می شود. خدای تعالی در قرآن به ما دستور حرکت در صراط مستقیم دین و ایجاد روحیه پیروی از کسی که تبلور صراط مستقیم دین است و کسی جز امام نیست را می دهد^۱ و دستور داده روزی حداقل ۱۰ بار در نمازهایمان از او طلب هدایت در صراط مستقیم نموده و در سوره حمد بگوییم **اهدنا الصراط المستقیم** و برای جلوگیری از انحراف از این مسیر و عواملی که ممکن است باعث این انحراف شوند، به ما هشدار داده است و از قول شیطان که نخواست مطیع

۱- تفسیر برهان جلد ۱ صفحه ۴۷ حدیث ۴

خداوند باشد، بعد از اینکه با خداوند مجادله نمود چنین نقل می‌کند که به خداوند گفت برای اینکه مردم در صراط مستقیم دینت قرار نگیرند حتماً بر سر راهشان خواهم نشست^۲. یعنی نخواهم گذاشت مردم تابع آن امامی که تو برایشان برگزیده‌ای و با پیروی از او به علم و معرفت کامل می‌رسند و از جهالت رهایی می‌یابند، بشوند و سعی خواهم کرد برای اینکه جهالت و نادانی را گسترش دهم، آنها را در امر امامت و رهبری دارای تشّت فکری و انحراف نمایم. لذا به دلایلی که گفته خواهد شد می‌بینیم تا حدی موفق شده و اکنون نقطه مشترک همه فرقه‌های مسلمان این است که در امر امامت با هم اختلاف دارند.

اگر همه مسلمین همانطور که به پیامبر واحدی بعنوان آخرین پیامبر معتقدند، به ائمه واحدی هم که خداوند تعیین فرموده معتقد بودند، این همه فرقه‌های متعددی که معلوم است با وجود تناقضات و اختلافاتی که با هم دارند نمی‌توانند همه بر حق هم باشند، بوجود نمی‌آید^۳. خدای تعالی برای این که از همین اختلافات پیشگیری نماید، همانطور که اختیار تعیین پیامبر را به عهده گرفته و به کسی حق انتخاب و بعثت انبیاء و رسل را نداده است، اختیار تعیین امام هم که همپای نبوت و دنباله آن است را خود به عهده گرفته و به خاطر اهمیت موضوع، این مسئله را در قرآن جاویدش اعلام نموده است تا به کسانی که اهل تدبّر در قرآن هستند حقیقت را بفهماند و تا می‌شود از انحراف در این امر مهم جلوگیری نماید^۴. خدای تعالی بزرگترین معجزه آخرین پیامبرش را کتاب آسمانی قرار داد تا در آن جریانات پیامبران گذشته و نقصی که مردم در اطاعت و پیروی از آنها داشته‌اند را

۲- سوره مبارکه اعراف آیه ۱۶

۳- تفسیر برهان جلد ۴ صفحه ۴۲۰ ذیل آیات ۱ تا ۳ سوره نبأ

۴- تفسیر برهان جلد ۳ صفحه ۲۳۴ ذیل آیه ۶۸ سوره قصص «و ربّک یخلق ما یشاء و یختار ما کان لهم الخیره سبحان الله و تعالی عما یشرکون»

به ما گوشزد کند تا این توصیه بسیار مهم بماند و امت آخرین پیامبر بدانند اگر بخواهد روی سعادت را ببیند، باید از اعمال امت‌های گذشته عبرت بگیرد و کاری نکند که کوچک‌ترین انحرافی از دستورات نماینده الهی زمان خود داشته باشد. لذا باید گفت نقل این قصص و جریانات برای این است که انسان از حرکت در صراط مستقیم دین منحرف نشود چرا که اگر از این مسیر الهی به اندازه مختصری دور شود، هر چه به پیش رود فاصله‌اش از راه بیشتر و درجه انحرافش عمیق‌تر می‌شود. به همین خاطر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقطه اتحاد و اتفاق مسلمین را بعد از خود پیروی از امامت و به دور شمع وجود او گشتن اعلام فرمودند و انحراف از اعتقاد صحیح به امامت را چون باعث عدم معرفت نیز می‌شود بدترین نوع انحرافی که باعث گروه‌گروه شدن مسلمین و بازگشت به جهالت و نادانی و قرار گرفتن در تاریکی معاصی و گمراهی است نام بردند.^۵

پس آن چه مردم هر دوره باید بسیار به آن توجه کنند این است که از مسیر اعتقاد صحیح و پیروی دقیق از نماینده الهی زمان خود ذره‌ای منحرف نشوند و تلاش کنند در همه جهات دنیوی و اخروی، خود را با امام آن زمان منطبق نمایند. تا به انحرافات و سختی‌های گذشته دچار نشوند و بتوانند در این مدت عمر بهترین نوع عملی که خداوند از آنها توقع دارد، را انجام دهند*

۵- بحارالانوار جلد ۵۱ صفحه ۱۶۰

* آیه ۲ سوره ملک «الذی خلق الموت و الحیوة لیبلوکم ایکم احسن عملا»

هشدار و حسرت

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می دانستند که بعد از ایشان مردم ممکن است درب خانه اهل بیت عصمت و طهارت را ببندند و باب جهل و ستم را به روی خود بگشایند و به این وسیله انحرافی عمیق را در مسیر اسلام حقیقی ایجاد نمایند که اگر هر چه سریع تر جلوش گرفته نشود لحظه لحظه فاصله اش از صراط مستقیم دین بیشتر و سرعتش بطرف ضلالت افزون می گردد. لذا در زمان حیاتشان بارها و بارها بصورت های مختلف مردم را متوجه امر امامت مسلمین و قرار گرفتن حضرت علی علیه السلام بعنوان جانشین بعد از خود نمودند و به گفته دوست و دشمن بارها ایشان را مورد تأکید برای بدست گیری امر امامت بعد از خود اعلام فرمودند. تا جلو انحراف را تا جایی که می شود بگیرند و نگذارند مردم در مسیر زندگی و حیات آینده ائمه اطهار علیهم السلام بعد از ایشان راه انحراف از صراط مستقیم را پیمایند و به این وسیله دچار شقاوت و سختی شوند. آن حضرت چند روز قبل از وفاتشان به حضرت علی علیه السلام دستور دادند که در میان مردم اعلام نماید:

لعنت خداوند بر کسی که مزد اجیر را ندهد.

لعنت خداوند بر کسی که ولایت غیر موالیانش را بپذیرد.

لعنت خداوند بر کسی که پدر و مادرش را دشنام دهد.

پس از اعلام این مطالب توسط آن حضرت در میان مردم، عمر با جماعتی نزد پیامبر آمده و از معنا و تفسیر آن پرسید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند در قرآن می فرماید به مردم بگو اجری جز محبت به ذوی القربی خود از شما نمی خواهم

پس خداوند لعنت کند کسی را که به ما در این باره ظلم نماید. و «دربارۀ مطلب دوم» خداوند می‌فرماید: پیامبر به مومنین از خودشان در فرمان دادن و تشخیص نیازهایشان سزاوارتر است پس هر کس من مولای او هستم علی مولای اوست و لعنت خداوند بر کسی که ولایت غیر علی را بپذیرد و «دربارۀ مطلب سوم» خدا و شما را شاهد می‌گیرم که من و علی دو پدر مومنین «امت اسلام» هستیم پس هر کس هر یک از ما را دشنام دهد خداوند او را لعنت کند.^۶

معصومین علیهم‌السلام در مقابل چنین هشدارهایی، بعد از فوت پیامبر و آن وضعی که پیش آمد، حسرت زمانی را می‌خوردند که ای کاش مردم برگرد شمع وجود مقدّس ائمه می‌گشتند و به این وسیله به درجه‌ای از معرفت و کمال می‌رسیدند که حتی دو نفر پیدا نمی‌شدند که درباره توحید با یکدیگر اختلافی می‌داشتند.^۷

ائمه اطهار علیهم‌السلام مردم را به خاطر جریانات بعد از فوت پیامبر که باعث شد حقّ خلافت بر مسلمین از آنها گرفته شود و انحرافی عمیق در زندگی بشریت رقم خورد را گاه سرزنش می‌کردند تا شاید به این وسیله به فکر جبران گذشته و جلوگیری از انحراف بیشتر شوند و از خواب غفلتی که آنها را گرفته بود برخیزند و گاه وعده فرج و گشایش مهمّی که باعث برگشتن مسیر انحرافی به راه اصلی که خدا و پیامبر دوست داشتند، می‌دادند تا به این وسیله مردم را نسبت به وظیفه‌ای که در قبال امام دارند، آگاه نمایند و آنها را نسبت به وعده‌ای که داده‌اند تشنه نمایند تا اگر آنها به

۶- بحارالانوار جلد ۲۲ صفحه ۴۸۹ حدیث ۳۵ به نقل از سیدبن طاووس از محمدبن جریر طبری

۷- مناقب علامه شمس‌الدین ابن‌الجزری صفحه ۳۲

یادشان بماند و این وعده برایشان اهمیت داشته باشد، خود را منتظر رسیدن زمان وعده قرار دهند و کاری را که بعد از فوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باید انجام می دادند یعنی حرکت همگانی در پشتیبانی از خلافت بلافصل امام علیه السلام، انجام دهند و به این وسیله به انحرافی که در صدر اسلام در این باره ایجاد شده و دامنه آن به افکار و اعتقادات و آداب و رسوم اجتماعی مردم کشیده شده بود، پایان دهند.

فصل دوم

بازگشت به جاهلیت بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از فوت پیامبر و آغاز این انحراف بزرگی که در امر امامت مسلمین پیش آمد، هر چه تلاش کردند که جلو این کج روی را بگیرند و مردم را نسبت به وظیفه‌ای که در قبال امام دارند آگاه نمایند موفق نشدند.

آن حضرت در خطابه‌ای به مردم به خاطر این که ایشان را از منصبی که خلافت بلافصل پیامبر بود کنار گذاشته بودند و بعد از گذشت ۲۵ سال و مرگ خلیفه سوم به آن حضرت رو آورده و با ایشان بیعت می‌کردند، فرمودند: همان بدبختی و بلاهائی که مردم در زمان جاهلیت بخاطر نداشتن امام و رهبر الهی داشتند و باعث شد خداوند پیامبر را مبعوث نماید، اکنون که امر امامت را در جایگاه خود قرار ندادید دوباره به شما رو کرده است. یعنی در این مدت ۲۵ ساله مقدار انحراف از صراط مستقیم به اندازه همان انحراف قبل از بعثت پیامبر شده است و شما در معرض

طوفانی عظیم و موقعیتی سخت قرار گرفته‌اید که احتمال غرق و نابودیتان زیاد است^۸.

تهدید به رو آوردن سختی‌ها و دادن امید به فرج در سال ۷۰ و ۱۴۰ برای جلوگیری از تأثیر این جهالت و توجه به امام زمان

آن حضرت اثرات زیان‌بار این انحراف را که دامن‌گیر خود مردم خواهد شد را بارها به آنها گوشزد فرمودند تا شاید متوجه شوند* و تا ایشان به عنوان اولین امام زنده هستند، آنچه از دست رفته بود جبران شود ولی نه تنها مردم از این غفلت دست برنداشتند بلکه ایشان را مورد تهاجم و ضربه تیغ کینه نفسانیت و شیطنت خود قرار دادند. این اولین امامی بود که به جای مورد تبعیت قرار گرفتن این چنین مورد بی‌مهری قرار می‌گرفت. آن امام همام در روزهای پایانی عمرشان که در بستر آرمیده بودند روزی به یکی از اصحابشان ضمن دادن هشدار دوباره به روکردن سختی‌ها به مردم، زمانی را برای پایان یافتن این بلاها ذکر فرمودند و آن سال ۷۰ هجری بود تا شاید به وسیله اطاعت کامل مردم از امام بعد از ایشان، زمینه برای رفع همه انحرافات در آن سال فراهم شود و آنچه باید بعد از فوت پیامبر در زندگی مردم ایجاد می‌شد، با تأخیر ۶۰ ساله انجام گردد^۹. ولی افسوس و صد افسوس که مثل اینکه مردم به دنبال سختی‌ها و بلاها می‌گشتند تا آنها را بر خود بپذیرند یعنی با وجود این هشدار به جای اینکه در آن سالها بیشتر متوجه امام زمان خود شده و او را

۸- نهج البلاغه خطبه ۱۶ صفحه ۶۶

* بعنوان نمونه آن حضرت در این خطبه‌ها خبر از ابتلا و سختی‌های آینده داده‌اند خطبه

۹- بحار الانوار جلد ۴۲ صفحه ۲۲۳ حدیث ۳۲

۹۷ و ۱۰۰ و ۱۰۱

در طوفان حوادثی که خود ایجاد کرده بودند، تنها نگذارند و منتظر فرج و گشایش در کار خود باشند، به ظالمین اهل بیت علیهم السلام کمک کرده و باعث به شهادت رسیدن حضرت سیدالشهداء علیه السلام نیز شدند. لذا در زمان امام باقر علیه السلام ابو حمزه ثمالی به خدمت آن حضرت آمد و عرض کرد: حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام گفته بودند که در سال ۷۰ برایتان گشایشی خواهد بود. چرا این کار نشد؟ امام باقر علیه السلام فرمودند: «اگر مردم متوجه امام زمان خود می شدند» قرار بود در آن سال کار به مسیر اصلی «یعنی امامت امام» برگردد ولی با تنها ماندن حضرت سیدالشهداء و شهادتشان در کربلا این امر تا سال ۱۴۰ به تأخیر افتاد و تا آن سال مردم آن قدر بی توجهی در حفظ اسرار و تعهدی که نسبت به امام زمان خود داشتند انجام دادند که این موعد هم به تأخیر افتاد و نزد ما وقت مشخص دیگری برای این امر مهم نیست^{۱۰}.

غیبت تدریجی بعثت رسوخ مثلث شوم شیاطین در دنیا بعد از سال ۱۴۰

این انحراف از صراط مستقیم که از زمان امیرالمؤمنین علیه السلام شروع شده بود تا سال ۱۴۰ هجری امکان بازگشتش وجود داشت ولی بخاطر ادامه بی توجهی مردم انجام نشد و چون از آن به بعد طریقه از بین رفتن این انحراف باید بصورت دیگری انجام گیرد، وقت مشخصی برایش اعلام نشد. آری باید گفت تا آن سال و از آن به بعد آنچنان دامنه کجروی وسیع شد و ریشه های فساد فکری و عقیدتی و اجتماعی توسط سردمداران خلفای اموی و عباسی و همدستان شیطان سیرت آنها در مغز

۱۰- بحار الانوار جلد ۴ صفحه ۱۱۴ حدیث ۳۹

اجتماع اسلام محکم گردید که حدی نداشت. خلفای عباسی به وسیله تعلیماتی که از شیاطین جنّی و انسی گرفته بودند کتب فلسفی یونان را ترجمه و در مقابل مطالب اعتقادی ارائه شده از طرف معصومین علیهم السلام قرار دادند.

آنها با پرورش مذاهب انحرافی و ساختگی در مقابل دستورات احکامی که از طرف ائمه ابراز شده بود و بزرگ جلوه دادن اقطاب و مسلکهای سر تا پا نفسانیت صوفیه به عنوان مظاهر سیر و سلوک معنوی و اخلاقی، ابعاد سه گانه علم حقیقی یعنی اعتقادات و احکام و اخلاقیات را آن طور که خواستند و صد درصد مخالف صراط مستقیم بود به مردم ارائه دادند و این عطش فطری مردم را خواستند با این اباطیل ارضاء نمایند. در حالی که معصومین علیهم السلام از طرف خدای تعالی برای رشد بشریت و رساندنشان از طریق همین سه علم به کمال لایق انسانیت مأمور شده بودند.

لذا از این زمان به بعد با تحت الشعاع قرار گرفتن ائمه و گرم شدن بازار این شیاطین جنّی و انسی، آنها زندگی شبیه به غیبت را شروع نمودند و این وضع بعد از وفات امام حسن عسکری علیه السلام به اوج خود رسید و غیبت واقعی عملاً شروع شد. آری با بوجود آمدن این موقعیت ایجاد فرج و گشایش و طریقه از بین رفتن این انحراف عظیم که دامن گیر عالم شده است فقط از یک راه میسر است و آن همان صورتی است که در کلام پیامبر و همه معصومین علیهم السلام در صورتی که مردم وضع را به این جا بکشانند، پیش بینی شده بود و آن ظهور آخرین حجّت خدا و ایجاد قسط و عدل جهانی است. همه معصومین به صورتهای مختلفی که بیان خواهد شد این ویژگی عظیم را از آن ایشان دانسته اند. امیدواریم با اعتقاد صحیح درباره حضرت

ولی عصر ارواحنا فداه و فهمیدن درجه عمیق انحرافی که از آن زمان تاکنون در این مسیر ایجاد شده خود را با این میزان تطبیق نموده و با ایجاد آمادگی در خود و سایرین زمینه ظهور موفورالسرورش را آماده نمائیم.

انشاءالله

فصل سوم

اعتقاد صحیح درباره امام زمان علیه السلام چگونه باید باشد؟

اعتقاد به وجود مقدّس حضرت بقیّة الله الاعظم (ارواحنا فداه) نسبت به آنچه در آیات و روایات آمده و در این بخش مقداری از آنها ذکر می شود، در دیدگاه جهانیان دچار انحراف شدیدی شده است بطوری که در جامعه دنیائی فعلی با این که عطش اولیه نیاز به مصلح در رفتار ملتها مشهود است، ولی تنها مسلمین هستند که منجی و مصلح جهانی را که موعود همه ادیان الهی است را می شناسند و مقدار معرفت عموم مسلمین هم درباره آن حضرت با آنچه باید معتقد باشند سطحی و کم است و این کم معرفتی باعث ادامه این انحراف و وخامت بیشتر اوضاع اجتماعی دنیا شده است. ما سعی کرده ایم عقیده‌ای که به امامت، خصوصاً نسبت به امام زمان علیه السلام باید داشته باشیم را از روایات به طور خلاصه در این جا ذکر کنیم تا انشاء الله سعی کنیم خود را با این میزان تطبیق نمائیم.

عناوین چهارده گانه معصومین علیهم السلام در قرآن *

آن چه خدای تعالی در ابتدا اراده فرمود آن را خلق نمائید، همان است که به خاطر ابعاد گسترده و عظمت فوق العاده اش در قرآن به نامهای مختلف از آن تعبیر نموده است.

گاه به خاطر این که باعث حرکت و بیداری از ظلمت جهل به سوی نور علم و هدایت می شود آن را نور نامید.***

گاه بخاطر این که با فرمانبرداری از دستورات و تحت ولایتش قرار گرفتن، انسان کاملاً در بند و عقالی خدای تعالی می شود او را عقل نام گذاری فرمود.***

گاه آن را امانت نامید چون هر چه را که می خواست به همه عوالم و موجودات عنایت بفرماید، در وجود او به امانت نهاد. ۱۱

گاه به جهانیان دستور رفتن نزد آنها و پرسیدن آنچه نمی دانند داده و آنها را

* عناوین و القابی که خدای تعالی در قرآن برای معصومین علیهم السلام بیان فرموده بسیار بیشتر از ۱۴ موردی است که ما بخاطر تبرک تعداد آنها انتخاب و در اینجا آورده ایم - در این کتاب این ۱۴ عنوان را مختصراً توضیح داده ایم در حالی که برای هر کدام از عناوین بدون اغراق می شود حداقل یک کتاب نوشت:

۱- نور ۲- عقل ۳- امانت ۴- علم و اهل الذکر ۵- کتاب مبین ۶- قلم ۷- کلمة الله ۸- آب حیات ۹- خورشید ۱۰- اسماء الحسنی ۱۱- لوح محفوظ ۱۲- وسیله آزمایش ۱۳- شجره طیبه ۱۴ اولوالامر

** نگاه کنید به کلمه نور در هر جای قرآن با تفسیر معصومین علیهم السلام در کتب تفسیری از جمله آیه ۵ سوره مائده، آیه ۱۵۷ سوره اعراف و آیه نور و آیه ۶۹ سوره زمر و آیه ۸ سوره صف و آیه ۱۷۴ سوره نساء

*** به عنوان نمونه نگاه کنید به کتاب عقل و جهل از اصول کافی خصوصاً در تفسیر آیه ۲۰ سوره زمر و آیه ۱۶۰ سوره بقره در اصول کافی جلد ۱ صفحه ۱۴ حدیث ۱۲
۱۱- آیه ۷۲ سوره مبارکه احزاب با تفسیر روایی

کسانی معرفی می‌کند که ذرّه‌ای جهل نسبت به ماسوی الله در وجودشان نیست^{۱۲}. یعنی وجودشان مساوی با علم و دانش است* و به این خاطر باید قدر و منزلتشان را بدانیم چون برای همه جهانیان برکات و خیرات و علم و دانائی به ارمغان آورده‌اند. یعنی چون آنها منبع همه دانش‌ها و خیرات هستند و آن را به جهانیان عرضه کرده و تعلیم داده‌اند، آن چه از خیرات و علوم نزد همه دانشمندان است، در واقع از ناحیه آنهاست و هرکس به آن عمل کند در واقع به علم و دانش و دستور آنها عمل کرده است**.

گاه به خاطر این که همه حقایق و رموزی که برای ماسوی الله لازم بوده، در وجود آنها گذاشته شده است، آنها را کتابِ مبین^{۱۳} که در وجود مبارکشان بیان همه چیز هست و برای اهل ایمان و تقوا وسیله هدایت و کمالند^{۱۴} نام برده است. گاه از این جهت که حقایق عالم در وجود آنهاست و بالاخره باید آنها سرنوشت جهانیان را رقم زنند و عاقبت کار با راهنمایی و مدیریت آنها تعیین می‌شود آنها را قلم نامیده است^{۱۵}.

گاه به این جهت که در خلقت موجودات اولین مخلوق پروردگار بوده و نزدیکترین موجود از نظر صفات به اویند و همانطور که کلام بهترین وسیله برای

۱۲- آیه ۴۳ سوره مبارکه نحل با تفسیر روایی

* قسمتی از زیارت آل یاسین که خطاب به حضرت ولی عصر ارواحنا فداه است این است.....
و العلم المصوب - مفاتیح الجنان

** روایات بسیاری در این زمینه است از جمله بحارالانوار جلد ۲ صفحه ۱۷۹ باب ۲۴

۱۳- آیه ۵۹ سوره مبارکه انعام با تفسیر روایی

۱۴- آیه ۲ سوره مبارکه بقره با تفسیر روایی

۱۵- آیه ۱ سوره قلم با تفسیر روایی

فهماندن خواسته به طرف مقابل است و از اشاره و نوشتن و... کامل تر و سریع تر است و معصومین هم کامل ترین وسیله برای فهماندن و نشان دادن صفات خداوند بر مخلوقاتش هستند آنها را کلمه نامید تا همگان را برای فهم حقایق بسوی آنها تشویق نماید.*

گاه به این خاطر که جهانیان آنها را بشناسند و از روی معرفت و محبت مطیع فرمانشان باشند و ایمان بیاورند که آنها قدرت اجرایی کامل را دارا هستند و به این خاطر به همه عالمیان می توانند امر و نهی نمایند، آنها را در ردیف خدا و پیامبر صاحبان امر الهی نامیده است^{۱۶}. و گاه چون ریشه وجودیشان متصل به حقایق عالم است و همه آن حقایق در وجودشان ثابت شده و در این جهت بسیار محکم و پاک هستند و مثل امور باطل بی پایه و سست نیستند آنها را درخت طیبه نامیده است.^{۱۷} گاه به این خاطر که بفهماند تشنگی معنوی جهانیان نسبت به حقایق فقط به وسیله این اساتید سیراب می شود و رشد همه مخلوقات تنها بوسیله اینهاست آنها را آب حیات که زندگی همه چیز وابسته به آن است نامید.**

گاه به خاطر روشنی بخش اش به قلبی که بوسیله صفات رذیله تاریک شده و تنها با کمک این نور می شود از ظلمت نفسانیت و شیطنت نجات یافت و تزکیه شد

* نگاه کنید به لفظ کلمه در قرآن با تفسیر معصومین از جمله آیه ۱۲۴ سوره بقره با تفسیر روائی برهان جلد ۱ صفحه ۱۴۷ و آیه ۷ سوره انفال با تفسیر العیاشی جلد ۲ صفحه ۵۰- در روایات معصومین علیهم السلام نیز زیاد است از جمله در دعای بعد از زیارت آل یاسین خطاب به حضرت کلمتک التامة گفته شده است. ۱۶- آیه شریفه ۵۹ سوره نساء با تفسیر روائی ۱۷- آیه شریفه ۲۴ سوره مبارکه ابراهیم با تفسیر روائی
** آیه ۳۰ سوره انبیاء و جعلنا من الماء کل شیء حی و آیه ۳۰ سوره ملک با تفسیر معصومین علیهم السلام

آن را خورشید نامیده است.*

گاه به خاطر این که راه نجات و رستگاری را در این دنیا به ما بیاموزد آنها را بهترین نام‌های خودش که به وسیله آنها باید رموز موفقیت را آموخت تا در بارگاه الهی موفق شد نامیده است.^{۱۸}

گاه چون آنها تالی و همپای قرآن بوده و همه حقایقش در لوح وجودشان ثبت و ضبط است آنها را لوح محفوظ نامید تا در فهم رموز قرآن به تحیر و سرگردانی نیفتیم و جز به درگاه آنها سر تعظیم فرود نیاوریم.^{۱۹}

خلاصه خداوند لقبها و عناوین با عظمتی را برای این موجودات برجسته که جز خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام نیستند و قبل از خلقت همه موجودات آفریده شده بودند^{۲۰} برگزید تا با این خصوصیات مشخص و نشانی‌های واضح معرفت‌مان را نسبت به آنها بالا ببرد و ما را از غفلت از وجود مقدس آنها برهاند. خدای تعالی معصومین علیهم‌السلام را وسیله آزمایش و رشد برای جهانیان قرار داد.^{۲۱} یعنی آنها را به عنوان میزانی برای تشخیص خوبی و بدی همه مخلوقات تعیین نمود یعنی هرکس بخواهد به مقام قرب الهی برسد، فقط از طریق معصومین می‌تواند به آن نائل شود و اگر بخواهیم در این دنیا به این موقعیت برسیم جز اطاعت و پیروی از دستورات آنها راهی نداریم و این در واقع عمل به همان عهد و پیمانی است که در عالم ذر، قبل از

* آیه ۱ سوره والشمس با تفسیر معصومین علیهم‌السلام

۱۸- آیه شریفه ۱۸۰ سوره مبارکه اعراف با تفسیر روائی

۱۹- آیه ۲۱ و ۲۲ سوره مبارکه بروج با تفسیر روائی

۲۰- کمال‌الدین و تمام النعمه - شیخ صدوق جلد ۲ صفحه ۳۳۵ حدیث ۷

۲۱- آیه ۹۲ سوره نحل با تفسیر روائی

ورود به این دنیا با خدا بسته‌ایم. نشانه واضح این عهد این است که در این دنیا هم در جرگه معتقدین به ولایت معصومین علیهم‌السلام قرار گرفته‌ایم یعنی معترف به این هستیم که تحت ولایت و معتقد به امامتشان هستیم. خدای تعالی در قرآن بارها عمل به این عهد و عدم پیمان‌شکنی را به ما تذکر داده و از ما خواسته چون به وسیله آن‌ها مورد آزمایش و ابتلاء قرار می‌گیریم اعمالمان را با آنها منطبق نمائیم و به ما هشدار داده تا از کسانی نباشیم که در این امتحان بلغزیم و از راهی که خدا فرموده منحرف شویم و خود را به سختی عذاب دچار نمائیم*. عمل به این عهد و پیمان باعث نجات و پیمان‌شکنی آن موجب سقوط خودمان است**. روزی که خدای تعالی اراده فرمود مخلوقی را بیافریند در ابتدا روح آنها را آفرید و آنها بعد از خلقت ارواح بقیه مخلوقات از طرف او مأموریت یافتند تا مانند معلمین آن عالم، حقایق و رموزی که برای رشد هر یک از آنها لازم است را به آنها عرضه نمایند و به این ترتیب آنها واسطه فیض و رشد و کمال همه مخلوقات شدند. در آن جا ارواحی که از روی اختیار تعلیمات این اساتید را خوب فرا گرفته بودند به اندازه مقداری که از آن درسها تعلیم یافته بودند به همان اندازه ارزش یافتند و بعد از پیمانی که در عالم ذر با خدا بستند و به این دنیا وارد شدند نسبت به ارزششان به مقام ملائکه

* درباره مواد تعهداتی که با خدا بسته‌ایم و وظیفه‌ای که برای عمل به آنها داریم آیات متعدد و روایات زیادی وجود دارد بعنوان نمونه ذیل آیات ۹۱ تا ۹۴ سوره مبارکه نحل در تفسیر برهان جلد ۲ صفحه ۳۸۲ و ۳۸۳ چند روایت به مضمون مطالب بالا وجود دارد - طالبین به مطالعه بیشتر درباره مواد تعهدات عالم ذر به کتاب در محضر استاد جلد ۲ صفحه ۵۸ به بعد مراجعه نمایند.

** و الباب المبتلی به الناس من اتيكم نجی و من لم یاتکم هلک... زیارت جامعه کبیره - مفاتیح الجنان

مقرب* و انبیاء ارتقا یافتند^{۲۲}. خدای تعالی عده‌ای از آنها را که ظرفیت ایمانی شان زیاد بود و توانستند بطور کامل همه مواد علمی ارائه شده در عالم قبل را در عالم ذر متعهد شوند، در مقام انبیاء اولوالعزم قرارداد^{**} - در حالی که بعضی از آنها مثل حضرت آدم که در اعتقاد کامل نسبت به حضرت مهدی صلوات الله علیه نقصی داشت به این مقام نرسید^{۲۳} و در مقابل، حضرت ابراهیم علیه السلام که در این باره خیلی مستحکم بود، علاوه بر اولوالعزمی به خاطر بندگی فوق العاده اش در این باره به مقام امامت زمان خود^{۲۴} که بعد از نبوت و رسالت و خلقت بود برگزیده شد^{۲۵}.

این همان معنای باب المبتلی به الناس است که هرکس بخواهد ارزشمند شود تنها به وسیله معصومین علیهم السلام امکان پذیر است. خدای تعالی آنها را واسطه‌ای قرار داد تا استعداد مخلوقاتش را با تعالیشان شکوفا کنند. و هر یک را به مقامی که او از خلقتشان در نظر گرفته، برسانند^{۲۶}. لذا خدای تعالی از زمان خلقت بدنی حضرت آدم به بعد برای رشد انسانها شاگردان مبرز و شایسته آنها یعنی پیامبران بزرگ که در عالم ارواح خوب به حرفشان گوش داده بودند را برای تعلیم مردم هر زمان فرستاد که زمینه ورود معصومین علیهم السلام را آماده نمایند تا وقتی نوبت ورود آنها رسید آنها بتوانند کاری که هیچکدام از این شاگردان

* عالم ذر مربوط به ملائکه نیست و آنها قبل از خلقت بدنی حضرت آدم به این مقام رسیده بودند.

۲۲- بحار الانوار جلد ۲۶ صفحه ۲۸۱ حدیث ۲۷

** در جلد ۲۶ بحار الانوار از صفحه ۲۶۷ تا صفحه ۳۱۹ مرحوم مجلس ۸۸ روایت از فضائلی که معصومین علیهم السلام نسبت به انبیاء دارند را تحت عنوان باب تفضیلهم علی الانبیاء جمع آوری نموده است از جمله روایت ۲۲ صفحه ۲۷۹ که معنی بالا از این روایت ذکر شده است.

۲۳- بحار الانوار جلد ۲۶ صفحه ۲۷۹ حدیث ۲۲

۲۴- تفسیر برهان جلد ۱ صفحه ۱۴۹ حدیث ۳

۲۴- آیه ۱۲۴ سوره بقره با تفسیر روائی

۲۶- بحار الانوار جلد ۲۷ صفحه ۴۶ حدیث ۷

قرار نبود انجام دهند و آن برقراری حکومت واحد جهانی است را برپا نمایند.

وعدة انبياء گذشته برای متوجه کردن جهانیان به مقام امام زمان عليه السلام بوده است

از آرزوهای دیرینه انبیاء این بوده که مردم همه تحت فرمان پروردگار شوند همه زحمات آنها برای این جهت بوده که مردم راه خدا را بروند و تابع نفس خود و شیطان نباشند تا روی سعادت را ببینند و چون با تعلیم الهی می دانستند که این کار بطور کامل در حکومت حضرت بقیه الله ارواحنا فداء عملی می شود، مطالبی درباره آن حضرت به مردم زمان خود می گفته اند که مقداری از آنها، هم اکنون نیز باقی مانده است. البته اصل کتب مقدس که مجموعه کتب عهد عتیق شامل ۳۳ کتاب و کتب عهد جدید شامل ۲۸ کتاب از جمله تورات و انجیل است بطور یقینی تحریف شده ولی اصل بعضی مطالب و اسامی به جا مانده است کاری که درباره اسامی در این کتب صورت گرفته است این که اسامی معصومین عليهم السلام که از ناحیه این پیامبران گفته شده در هنگام نوشتن دوباره کتب مقدس، خواسته یا ناخواسته یا بصورت نقل به معنا و یا در تلفظ بصورت غیر آن چه بوده، به زبان دیگر ترجمه شده است درباره نقل به معنا مثل اینکه اگر کسی اسمش محمد باشد و بخواهند این اسم را به هر زبانی ترجمه کنند، باز هم در تلفظ به الفبای آن زبان همان محمد می شود. ولی اگر معنای محمد را به معنای مشابه آن در زبان دیگر ترجمه نمایند، معلوم است که تحریف می شود. مثلاً دقت کنند که در زبان انگلیسی چه لغتی به معنای ستوده شده که معنای محمد است، می باشد و همان ستوده شده را در ترجمه انگلیسی بجای

محمد عربی بگذارند، دیگر نمی شود گفت فرد مورد نظر در زبان عربی بعد از ترجمه، همان فرد قبل از ترجمه است. افرادی که کتب عهد قدیم و جدید را نوشته اند درباره بعضی از اسامی معصومین علیهم السلام که از زبان انبیا در کتب مقدّس بجا مانده بود این چنین کردند و با این کار بعضی مطالب و اسامی درباره معصومین غیر از امام زمان علیه السلام تحریف شد ولی درباره اسم امام زمان علیه السلام چون هم انبیا و هم معصومین علیهم السلام اسم خاص ایشان را نگفته و بیشتر القابشان را فرموده اند، طبق تحقیقی که در کتب مقدّس شده حداقل این ۱۲ لقب و نام در مورد آن حضرت تاکنون در این کتب به جا مانده و با معنای القابی که معصومین علیهم السلام درباره ایشان فرموده اند تفاوت چندانی ندارد.

- ۱- قائم
- ۲- روح القدس
- ۳- حکمران جهان
- ۴- رئیس جهان
- ۵- تسلی دهنده
- ۶- رهاکننده
- ۷- روح راستی
- ۸- پسر انسان
- ۹- شیلو به معنی کسی که دارای حق است و صلح و سلامتی می آورد
- ۱۰- ملک زاده
- ۱۱- سوشیانس به معنای نجات دهنده دنیا
- ۱۲- خرد شهرایزد

ما در این جا سه نمونه از موارد بسیاری که انبیا گذشته درباره حضرت ولی عصر ارواحنا فداه گفته اند و شبیه روایات معصومین علیهم السلام درباره ایشان است و اکنون در کتب مقدّس وجود دارد را می آوریم*.

- ۱- او مردم را به اجرای عدالت ملزم می کند و ظلم و ستمی که دنیا را گرفته از روی زمین محو خواهد کرد و او

* برای اطلاع بیشتر به کتاب مصلح آخرالزمان مراجعه نمایید.

مورد تأیید خداست و هرکاری را با اراده الهی انجام داده بنده واقعی خدا و هدایت‌کننده به جمیع راستی‌هاست*.

۲- در کتاب زند و هومن یسن*** سخن جاماسب را از قول استادش زردشت چنین نقل می‌کند که:

پیش از ظهور سوشیانس پیمان‌شکنی و دروغ و بی‌دینی در جهان رواج می‌یابد و مردم از خدا دوری جسته، ظلم و فساد و فرومایگی آشکار می‌گردد و همین‌ها نیز اوضاع جهان را دگرگون ساخته زمینه را برای ظهور نجات‌دهنده مساعد می‌گرداند و قایمی که مصادف با ظهور می‌شود عبارت است از علامات شگفت‌انگیزی که در آسمان پدید می‌آید و دال بر آمدن «خرد شهر ایزد» می‌باشد و فرشتگان از شرق و غرب به فرمان او فرستاده می‌شوند و به همه دنیا پیام می‌فرستند اما اشخاص شرور او را انکار می‌کنند و کاذب می‌شمارند و نگهبانان پیروزگر آسمانها و زمینها در برابر او سر فرود آورند.

نیز در همین کتاب*** وقتی گشتاسب پادشاه وقت می‌پرسد: وقتی سوشیانش ظهور کرد چگونه فرمانروائی

* این مطلب از کتب اشعیای بنی باب ۱۲ و انجیل یوحنا باب ۱۶ و زبور داود مزمور ۹۶ استفاده می‌شود

** صفحه ۲۵

*** بخش جاماسب نامه صفحه ۱۲۱ و ۱۲۲

می‌کند و جهان را چطور اداره خواهد کرد؟ جاماسب در پاسخ وی می‌گوید سوشیانس دین را به جهان رواج کند و آز و نیاز را هم تباه کند و اهریمن را از دامان آفریدگار باز دارد و مردمان گیتی هم منش و هم گفتار و هم کردار باشند.

۳- هم‌چنان که برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می‌شود ظهور «پسر انسان» نیز چنان خواهد شد... آن گاه علامت «پسر انسان» در آسمان پدید گردد و در آن وقت جمیع طوایف زمین سینه‌زنی می‌کنند و «پسر انسان» را ببینند که برابری آسمان با قوت و جلال می‌آید اما از آن روز و ساعت هیچ کس اطلاع ندارد حتی ملائکه آسمان... لهذا شما نیز حاضر باشید زیرا در ساعتی که گمان نبرید «پسر انسان» می‌آید.*.

این سه مورد از چندین موردی که در کتب مقدّس اکنون موجود است انتخاب و خلاصه شده است**.

* انجیل متی باب ۲۴ شماره ۲۷ و ۳۰ و ۳۶ و ۴۴
 ** این سه مورد از کتاب مصلح آخرالزمان صفحه ۷۹ و ۱۱۶ نقل شده است.

وزر و وبال روز قیامت بخاطر اطاعت نکردن از امام زمان علیه السلام است

خدای تعالی در آیات متعددی در قرآن وضعیّت مردم و اقوام مختلفی که در مقابل تبلیغ پیامبران از آنها تبعیت نکردند را برایمان بازگو می‌کند تا به اهمیّت توجّه به نماینده الهی پی ببریم و به ما بفهماند چنانچه انسان از توجّه حقیقی به خداوند که به وسیله نمایندگانش به او گوشزد می‌شود، سرباززند، دچار سردرگمی و بدبختی و انجام گناہانی می‌شود که به سنگینی اعمال بدش در روز قیامت منجر خواهد شد^{۲۷}. لذا باید گفت اصلاً وزر و وبال روز قیامت و بدبختی انسان‌ها به خاطر یک چیز است و آن مخالفت با اوامر و نواہی نماینده الهی هر زمان. به خصوص از زمان پیامبر گرامی اسلام که به خواست الهی قرار بود برنامه اصلی زندگی بشریت پی‌ریزی و آماده شود، اگر مردم بر ولایت و محبت امیرالمؤمنین و دیگر ائمه علیہم السلام اجتماع می‌کردند و راهی غیر از ولایت را نمی‌رفتند، یعنی آنها را که امام هر زمان بودند در همه جهات زندگی بر خود امام قرار می‌دادند و از دستوراتشان پیروی می‌کردند، معلوم است که راه درست زندگی را می‌توانستند از این منبع علوم الهی و سرچشمه زلال دریافت دارند و در نتیجه کمتر دچار خطا و اشتباه شوند و به گناه نیفتند و روز قیامت هم سبک بال و راحت وارد محشر و بعد بهشت گردند^{۲۸}. پس آن چه مردم هر زمان باید بسیار توجّه کنند این است که از مسیر نماینده الهی زمان خود ذره‌ای منحرف نشوند و تلاش کنند در همه جهات دنیوی و اخروی خود را با امام هر زمان منطبق نمایند چون روز قیامت انسان براساس ولایتی که از

۲۷- آیات ۹۹ و ۱۰۰ سوره مبارکه طه ۲۸- بحار الانوار جلد ۳۹ صفحه ۲۴۸ حدیث ۱۰

هرکس و هرچیز در دنیا داشته مورد سؤال قرار خواهد گرفت. اگر ولایت امام‌زمانش را داشته اهل نجات است و اگر در دنیا تابع نفسانیت و شهوات خود بوده و آنها امامش بوده‌اند با همان‌ها محشور شده و نجات نخواهد یافت.^{۲۹}

اختصاص ویژگی فوق‌العاده خداوند در قرآن برای امام‌زمان علیه‌السلام

ایجاد حکومت جهانی و برقراری عدالت از آرزوهای دیرینه انبیا و همه مصلحین بشریت بوده است. آنها به طرفداران خود وعده رسیدن این موقعیت مهم را می‌داده‌اند و امید به فرا رسیدن چنین روزی از جمله تعلیمات مشترک خیلی از انبیا در مقابل دنیائی که با آنها مقابله می‌کرده‌اند، بوده است. بخصوص از زمان پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله به بعد که زمان رسیدن این وعده بسیار نزدیک شده بود، همه معصومین بسیار درباره اهمیت این امر مهم الهی مطالبی فرموده‌اند و خود را منتظر آمدن چنین موقعیتی معرفی نموده‌اند علاوه بر همه این‌ها اهمیت فوق‌العاده این موضوع وقتی بهتر مشخص می‌شود که بدانیم خدای تعالی در آیات بسیار زیادی این ویژگی را برای وجود مقدس حضرت مهدی صلوات‌الله‌علیه ذکر می‌فرماید و ایشان را فردی که قرار است این کار بسیار مهم را انجام دهند، معرفی می‌کند و حتی در چند جای قرآن خود را منتظر رسیدن چنین روزی معرفی می‌فرماید از جمله ۱- آیه ۱۵۸ سوره انعام ۲- آیه ۷۱ سوره اعراف ۳ و ۴- آیات ۲۰ و ۱۰۲ سوره یونس ۵- آیه ۱۲۲ سوره هود ۶- آیه ۳۰ سوره سجده ۷- آیه ۲۰ سوره

۲۹- تفسیر قمی صفحه ۳۸۵ در تفسیر آیه ۷۱ سوره اسراء

یوسف ۸- آیه ۵۹ سوره دخان که در تفسیر معصومین: همه این موارد به «انتظار» ظهور امام زمان علیه السلام تفسیر شده است.

این نوع از تأکید و اختصاص این ویژگی نسبت به هیچ یک از معصومین دیگر در قرآن ذکر نشده است.

آری محوکننده ریشه‌های ظلم و جور در سرتاسر عالم، وجود مقدس حضرت بقیه الله است و این همان ویژگی مخصوصی است که اختصاص به وجود مقدس ایشان دارد. مرحوم سیدهاشم بحرانی بیش از یکصد مورد از آیاتی که اکثر آنها به همین خصوصیت حضرت تفسیر شده را در کتابی جمع‌آوری نموده است* از جمله آیات ۵ سوره قصص و ۵۵ سوره نور و ۲۸ سوره فتح و ۸ سوره صف. ما در این جا برای تبرک کتابمان یک نمونه از این آیات را از این کتاب می‌آوریم: در تفسیر آیه ۱۱۰ سوره مبارکه یوسف مطالبی آمده که معنایش این است («معاندین و شیاطین جنی و انسی آن چنان پیامبران را اذیت کردند و آنها را تکذیب کردند و نگذاشتند مأموریت الهی شان بطور کامل اجرا شود که» آنها مأیوس شده چنین پنداشتند که «حکم قطعی خداوند در برقراری عدالت جهانی تغییر یافته و انجام نخواهد شد و» رسالتشان بیهوده بوده است «در حالیکه باید بدانند که» براستی یاری و نصرتمان خواهد رسید. بعد از فوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فردی نزد امیرالمومنین علیه السلام آمد و از طولانی شدن حکومت‌های جور و ستم «از ابتدای خلقت تا آن زمان نالید و» اظهار ناراحتی کرد حضرت به او دلداری داده و فرمودند: چنین نخواهد ماند دیر نیست که هر چه باطل است در سرتاسر زمین

* کتاب المحجّه فیما نزل فی القائم الحجّه

از بسین برود و «بوسیله تعلیمات الهی آخرین سفیر الهی» جهل ریشه کن شود و «بوسیله عزیزشدن اهل ایمان و ذلیل شدن دشمنان خدا در حکومت حضرت ولی عصر ارواحنا فدا» افراد باتقوا از این ناامنی به آرامش و امنیت برسند و نصرت و یاری الهی همانطور که وعده فرموده است، برسد و بعد آیه «۱۱۰ سوره یوسف» را تلاوت فرمودند: حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا ۗ (۳۰)

فصل چهارم

روایات ۱۴ گانه معصومین علیهم السلام درباره امام زمان علیه السلام

معصومین علیهم السلام در روایات بسیاری درباره حضرت ولی عصر ارواحنا فداء و امر ظهور و ایجاد حکومت واحد جهانی و ویژگی های آن که تنها به دست ایشان انجام خواهد گرفت، مطالبی فرموده اند. این روایات را در یک تقسیم بندی ما به ۱۴ دسته تقسیم نمودیم.

۱- روایاتی که آیه یا آیاتی از قرآن را به وجود مقدس آن حضرت تفسیر نموده اند.

۲- روایاتی که خلقت روحی ایشان و بقیه معصومین علیهم السلام را قبل از خلقت همه مخلوقات بیان می دارند.

۳- روایاتی که ایشان را از فرزندان پیامبر گرامی اسلام معرفی می فرماید.

۴- روایاتی که هر کدام از ائمه ایشان را به فاصله تعداد امامی که با خود داشته اند معرفی کرده اند.

- ۵- روایاتی که ولادتشان را مخفی و وجودشان را از نظرها غائب یعنی ناشناس معرفی می نماید.
 - ۶- روایاتی که بردن نامشان را در زمان غیبت حرام می داند.
 - ۷- روایاتی که می فرماید همه سنن انبیاء درباره ایشان انجام خواهد شد و هر کدام از آن سنتها را فرموده اند.
 - ۸- روایاتی که می فرماید به وسیله ایشان بلا از اهل زمین رفع و دفع و برکات نازل می شود.
 - ۹- روایاتی که خبر از ابتلاء و آزمایش مردم به وسیله ایشان از طریق غیبت طولانی و ظهور حتمی و ناگهانی می دهد.
 - ۱۰- روایاتی که القاب آن حضرت را معنی می کند.
 - ۱۱- روایاتی که ایشان را قائم به حق، ظاهرکننده دین بر جهان و کسی که دارای ویژگی خاصی که موعود خدا و انبیاء است، می داند.
 - ۱۲- روایاتی که ایشان را گسترش دهنده عدل و کامل کننده علوم و زنده کننده زمین پس از مردنش معرفی می نماید.
 - ۱۳- روایاتی که ایشان را منصور بالرب و کسی که همه گنجهای مادی و معنوی بوسیله ایشان ظاهر می شود، معرفی می کند.
 - ۱۴- روایاتی که می فرماید بیعت هیچ کس به عهده ایشان نیست.
- هر چند برای هر یک از این موارد چهارده گانه می شود توضیحات مفصّلی داد ولی به اندازه ای که با موضوع و ظرفیت کتاب در ارتباط است هر یک از این موارد را به طور اختصار توضیح می دهیم.

۱- روایاتی که آیه یا آیاتی را به وجود مقدس آن حضرت تفسیر نموده است

خدای تعالی از نزول قرآن هدفی جز هدایت انسانها نداشته است و از طرف او معصومین علیهم السلام برای این کار انتخاب شده‌اند. در قرآن نمونه خوبی‌ها و راه رفتن بسوی خوشبختی بیان شده است. فرد اکملی که این خیرات و نمونه‌ها بر آنها صادق است، معصومین علیهم السلام هستند و در مقابل نمونه گمراهان و انواع ضلالت نیز مثال زده شده است و بطور یقینی مصداق اولیّه‌اش کسانی هستند که با معصومین علیهم السلام که قصد هدایت به سوی خدا را داشته، مخالفت می‌کرده‌اند لذا در یک کلمه می‌توان گفت خدای تعالی قرآن را در وصف معصومین نازل فرموده است تا به وسیله معرفی هدایت و ضلالت، مردم هر دوی این را در امام و دشمن امام ببینند و برای رسیدن به کمال به طرف امام رفته و از دشمنان او دوری گزینند حضرت امام باقر علیه السلام می‌فرمایند (قرآن بر چهار قسمت است یک چهارم آن در وصف ما است و یک چهارم آن درباره دشمنان ما «که چگونه با آن چه ما از طرف خداوند می‌گوئیم مخالفت داشته و دارند» و یک چهارم آن در معرفی واجبات و احکام الهی «که مأموریت بیان و تفسیر واقعی‌اش با ما است» و یک چهارم آن درباره سنن «و نمونه روش گذشتگان است تا امت پیامبر از آن چه امتهای گذشته با رهبران الهی خود می‌کرده‌اند درس بگیرند و جز راه هدایت ما را نروند» و هرچه عظمت و کرامت در قرآن است درباره ما است ^(۳۱))

در حدیث دیگری همین امام به محمد بن مسلم می‌فرمایند (ای محمد هرگاه

دیدی در قرآن کسی از این امت به خوبی نام برده شده آن فرد ما هستیم و هرگاه در قرآن ذکر گروهی را به بدی مشاهده کردی بدان درباره دشمنان ما است^{۳۲}) پس عموم آیات قرآن قابل صدق به معصومین می باشد ولی تعدادی از آیات است که به طور مستقیم ویژگی حضرت ولی عصر ارواحنا فداء را درباره ایجاد حکومت جهانی و آن چه درباره هیچ کدام از معصومین گفته نشده می فرماید یعنی توضیح و بیان کار با عظمتی است که فقط به دست ایشان انجام خواهد شد و این معرفی خصوصی برای این است که ما امت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیشتر از همه به این وجود مقدس توجه نمائیم. همان طور که قبلاً گفته شد مرحوم سیدهاشم بحرانی بیش از یکصد آیه از قرآن را که درباره وجود مبارک حضرت بقیه الله ارواحنا فداء و ظهور ایشان است را در کتاب المحجّه فیما نزل فی القائم الحجّه جمع آوری نموده است و ما در این جا یک نمونه از این آیات را با تفسیرش از این کتاب می آوریم:

(از مفضل بن عمر نقل شده که گفت از مولایم حضرت امام صادق علیه السلام پرسیدم آیا برای آرزوی مورد انتظار «مؤمنین» یعنی حضرت مهدی صلوات الله علیه وقت مشخصی برای ظهورشان است که به مردم بگوئید؟ حضرت فرمودند: از خدا به دور است که وقت مشخصی «برای آمدنشان» تعیین نماید. مفضل گفت عرض کردم: مولای من چرا این طور است؟ حضرت فرمودند: چون او «حضرت ولی عصر ارواحنا فداء» همان ساعتی است که خداوند در «چند جای» قرآن «از آن جمله» فرموده* «معنای آیه این است» «ای پیامبر» از تو درباره آن ساعت «ظهور» می پرسند

۳۲- تفسیر العیاشی جلد ۱ صفحه ۱۳

* ویسألونک عن السّاعه ایان مرساها قل أنّما علمها عند ربی لایجلّیها لوقتها الا هو ثقلت فی

که چه موقع وقتش است بگو به درستی علم این مسئله نزد خدا است و جز به وسیله خودش در هنگامی که صلاح بداند آشکارش نخواهد کرد «چرا که» امر مهمی قرار است در آسمانها و زمین انجام شود «و چون ممکن است در این امر مهم الهی که حتماً باید انجام شود افرادی از شیاطین جنّی و انسی بخواهند مانع ایجاد کنند لذا» لحظه ظهور ناگهانی می رسد «اعلام قبلی نمی شود» از تو می پرسند و چنین می پندارند که تو از آن آگاهی بگو به درستی علم و آگاهی بر این مسئله نزد خدا است در حالی که بیشتر مردم نمی دانند. و در جای دیگر نیز می فرماید نزد اوست علم آن ساعت «ظهور» و هیچ کس جز خود او خبر ندارد و در جای دیگر می فرماید*: آیا چشم به راه چیز دیگری غیر از زمان فرا رسیدن ظهور هستند در حالی که ناگاه بر آنها می آید و «اگر بگویند علائم و شرایطی لازم دارد و چون آن علائم و شرایط انجام نشده حالا حالاها آن زمان نمی رسد باید بدانند که» همه شرطها و علائم آمدنش انجام شده «چه موقع می خواهند به فکر این موضوع باشند»
وقتی ظهور شود چه سودی برایشان دارد؟

و در جای دیگر است** بدرستی که ساعت «و زمان ظهور» نزدیک شد و «این امر مهم به وسیله وصّی پیامبر انجام خواهد شد همانطور که» شق القمر «توسط

السموات و الارض لاتاتیکم الا بغته یسألونک کانک حفیر عنہا قل انما عملنا عند اللہ ولکن اکثر الناس لا یعلمون - آیه ۱۸۷ سوره احزاب

* فہل یظنّون الا نسفاً من تأتیبہم بغتہ و قد جاءنا بطیحا فآثرہم اذا جاءتہم ذکراہم - آیه ۱۸ سوره محمد صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم

** اقربت الساعة و الشق القمر - سوره قمر آیه ۱

پیامبر» انجام شد. و در جای دیگر قرآن است** که تو چه می دانی چه بسا آن لحظه «ظهور» نزدیک باشد. افرادی که ایمان ندارند و به گفته خدا دلشان آرامش نگرفته در کار او عجله می کنند «با نظر و فکر ناقص خود قبل از این که ببینند خدا چه گفته، نظری می دهند» و کسانی که ایمان دارند «خود را آماده کرده و از اینکه کاری برخلاف ظهور امام زمان انجام دهند» می ترسند و می دانند که «آمدن ناگهانی اش» حق است بدرستی کسانی که در امر آن لحظه و ساعت «ظهور حضرت ولی عصر» شک دارند در واقع در گمراهی دوری هستند.

مفضل گوید به حضرت عرض کردم معنای شک کنندگان چیست؟ فرمودند: این که بگویند چه موقع متولد شده است؟ چه کسی او را دیده «ملاقات با او را منکر شوند» او کجاست؟ چه هنگام ظهور خواهد کرد؟ همه این ها عجله و شک در حکم و قدرت خداوند است. آنها کسانی هستند که در دنیا و آخرت دچار ضرر و خسران شده و برای کافران بدعاقبتی است. مفضل عرض کرد: ای مولای من آیا وقتی برای آمدن ایشان مشخص نمی کنید؟ فرمودند: ای مفضل برای آمدنشان وقتی مشخص نکن زیرا هر کسی برای آمدن مهدی ما «صلوات الله علیه» وقتی تعیین کند به درستی خود را در علم خدا شریک دانسته و چنین ادعا کرده که خدا بر علم و سرّ خودش او را آگاه کرده است**).

* و ما یدریک لعل الساعة قریب. يستعجل بها الذین لایؤمنون بها و الذین آمنوا مشفقون منها و یعلمون أنها الحق الا ان الذین یمارون فی الساعة لفی ضلال بعید آیه ۱۸ سوره شوری
** المحجّه صفحه ۲۰۴ و ۲۰۵

۲- روایاتی که خلقت روحی ایشان و بقیّه معصومین علیهم السلام را قبل از خلقت همه مخلوقات بیان می‌دارند.

این نوع از روایات که خلقت روحی معصومین علیهم السلام را اولین موجودات آفریده شده معرفی می‌نماید، ائمه اطهار علیهم السلام به این خاطر فرموده‌اند که تفاوت و عظمت خلقت خودشان را نسبت به بقیّه موجودات از جمله ما انسانها بیان کنند تا بدانیم که قابل مقایسه با آنها نیستیم.

خلقت روح آنها با ما از یک نوع نیست ولی چون بندگان کامل خداوند هستند، وقتی او برایشان این طور صلاح دانست که در قالبهای بدنی مثل ما و در میان ما زندگی کنند، اطاعت نمودند. مقداری از این روایات را ما در قسمت عناوین ۱۴ گانه معصومین در قرآن ذکر کردیم.* و صدها روایت دیگر شبیه به این روایات وجود دارد که به عنوان نمونه دو مورد آن را می‌آوریم:

۱- از ابو حمزه ثمالی نقل شده که گفت از امام زین العابدین علیه السلام شنیدم که می‌فرمود به درستی خداوند «حضرت» محمد صلی الله علیه و آله و «حضرت» علی علیه السلام و یازده فرزندش را به وسیله قدرت با عظمتش خلق فرمود پس آنها به صورت ارواح در سایه با عظمت نور الهی به عبادت او مشغول بودند و این قبل از خلقت همه

* از صفحه ۲۶ تا ۳۱ همین کتاب

مخلوقات بود او را تسبیح و تقدیس می نمودند آنها همان ائمه فرزندان رسول گرامی اسلام بودند.^{۳۳}

۲- زیارت جامعه کبیره یکی از زیارتهای کاملی است که از ناحیه حضرت امام هادی علیه السلام تعلیم داده شده تا علاوه بر زیارت برای کسب معرفت نسبت به ائمه اطهار علیهم السلام خوانده شود. این زیارت حاوی معارف بلندی است که هر یک از شیعیان باید فکرش را برای یافتن عقیده صحیح با مضامین آن آشنا و منطبق نماید تا جزو عارفین به حق امام زمان خود باشد. در فرازی از این زیارت می خوانیم: **خدای تعالی در ابتدای خلقت موجودات «اول» شما را به صورت انواری آفرید و شما به عبادت او مشغول بودید تا این که به ما منت گذاشت و شما را در قالبهای بدنی مثل بدنهای ما قرارداد تا به وسیله شما عظمت و بزرگی خداوند به مخلوقات نشان داده شود.**^{۳۴}

۳۳- بحار الانوار جلد ۵۷ صفحه ۲۰۲ حدیث ۱۴۶

۳۴- زیارت جامعه کبیره - مفاتیح الجنان

۳- روایاتی که ایشان را از فرزندان پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله معرفی می نماید

روایاتی که حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) را از فرزندان پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله معرفی می کند نیز زیاد است - معرفی ایشان به این صورت که از اهل بیت آخرین پیامبر و خودش آخرین حجّت الهی و همان موعود همه انبیاست به این خاطر است که شک و شبهه ای درباره فردی که مورد آرزوی بشریت بوده و هست پیش نیاید. چون کاری که بعهده حضرتش می باشد بسیار مهم است و تکمیل کننده رسالت پیامبران الهی است و همانطور که همه انبیاء درباره ایشان مطالبی بیان داشته و مردم را امیدوار به ظهورشان کرده و موفقیت دین در برهه ای از زمان را بشارت داده اند، پیامبر گرامی اسلام هم از ابتدای تبلیغ رسالتشان تا آخرین پیامهای زندگی مبارکشان به مناسبتهای مختلف درباره ایشان مطالبی از جمله اینکه حضرت از فرزندانشان می باشند فرمودند. مثلاً در حدیث جابر بن عبدالله انصاری بعد از نام بردن هر یک از فرزندان خود، ایشان را معرفی نمودند و یا در غدیر خم که اعلام سراسری و رسمی ولایت امیرالمومنین علیه السلام بود در چهار قسمت از این خطابه مهم بعد از این که فرمودند ایشان از فرزندان من است، مطالب مهم دیگری هم درباره وجود مقدسش بیان کردند که به خاطر اهمیت مطالب این چهار قسمت را از این خطبه در این جا می آوریم.

۱- (ای مردم همه حقایق قرآن که از طرف خداوند نازل شده در وجود من است و پس از من در وجود «حضرت» علی و سپس در نسل او ادامه دارد تا قائم ما «حضرت» مهدی «صلوات الله علیه» که او کسی است که «با حکومت دین بر

جهان» حقّ خدا را پایدار کرده و همه حقوق از دست رفته را برگرداند، او از ماست. (۳۵)

۲- («ای مردم» من همان صراط مستقیم الهی هستم که خداوند شما را دستور به پیرویش نموده و بعد از من «حضرت» علی علیه السلام است و بعد از او فرزندان من از صُلب او معیار و ملاک صراط مستقیم هستند. آن‌ها امامهائی هستند که مردم را به راه حقّ و درست هدایت می‌کنند. (۳۶).

۳- (ای مردم براستی من پیامبرم و «حضرت» علی وصی من است. بدانید که خاتم امامان از ما است که قائم مهدی صلوات الله علیه می‌باشد. بدانید که او غلبه دهنده راه درست حقّ بر ناحق است. بدانید که او انتقام گیرنده از کسانی است که مردم را از رسیدن به حقایق محروم کرده‌اند.

بدانید که او فتح‌کننده پایگاههای عنکبوتی شرک و فساد است. بدانید که او از بین برنده ریشه‌های نفسانیت و شیطنیت که در مقابل توحید است، می‌باشد.

بدانید که او ولی هر خون بناحق ریخته شده اولیاء خداست. بدانید که او یاری دهنده دین خداست. بدانید که او متصل به دریای حقایق الهی است. بدانید که او عالم به همه افراد است بطوریکه فاضل و جاهل را شناخته و هرکس را به اندازه ارزشش اهمیت می‌دهد.

بدانید که او انتخاب شده خداوند از میان مخلوقاتش است.

بدانید که او عالم به همه علومی که انبیا و اوصیا داشته‌اند و مطلع از همه آنهاست.

بدانید که او خبر دهنده از ناحیه خدا و بیدارکننده مردم نسبت به حقایق ایمانی است.

بدانید که او کسی است که هیچگونه نقصی نداشته و کامل است.

بدانید که او فرمانده کل بر مخلوقات خداست.

بدانید که او آنچنان با عظمت است که انبیاء گذشته ظهور و آمدنش را بشارت داده‌اند.

بدانید که او بمعنای کامل بقیه‌الله است یعنی آخرین حجّت خدا و کسی است که هر چه حقّ و هدایت است فقط از ناحیه او باید گرفت.

بدانید که هیچکس توان مقابله و شکست او را ندارد و او سرپرست از ناحیه خدا بر اهل زمین و حکم و نظر او حکم و نظر خدا و امین کامل پروردگار در همه امور سرّ و آشکار است^(۳۷)

۴- (من مأمور شده‌ام که از شما برای «حضرت» علی علیه السلام بیعت بگیرم و بر شماست که قبول کنید از من آن چه را از ناحیه خداوند بزرگ درباره علی امیرالمومنین علیه السلام و ائمه بعد از او برایتان آوردم. آنها کسانی هستند که از من و از علی هستند. آنها امام‌هائی هستند که قائم آنها تا روز قیامت «حضرت» مهدی «صلوات الله علیه» است که براساس حقایق دینی و عدالت قضاوت می‌نماید^(۳۸).)

۳۷- خطبه غدیر

۳۸- خطبه غدیر

۴- روایاتی که هر کدام از ائمه ایشان را به فاصله تعداد امامی که با خود دارند معرفی کرده‌اند

روایات زیادی نیز هست که معصومین علیهم‌السلام بخاطر اینکه حق را برای مردم توضیح بیشتری بدهند تا بعدها آنها در امر غیبت و تشخیص شخصیت ایشان به اشتباه نیفتند در پاسخ این سؤال که مهدی یا قائم کدامیک از شما هستید، تعداد امامی را که با آن امام فاصله داشته‌اند را می‌فرموده‌اند و یا اسم همه را تا ایشان می‌فرموده‌اند. از همه این روایات مشهورتر حدیث جابر بن عبدالله انصاری است که پیامبر در پاسخ سؤال او از معنای اولوالامر فرمودند: (آنها خلفای من و امامهای مسلمین بعد از من هستند. ای جابر اول آنها علی بن ابیطالب است سپس حسن سپس حسین سپس علی بن الحسین سپس محمد بن علی که در تورات معروف به باقر است و تو او را ای جابر درک خواهی کرد و سلام مرا به او برسان، سپس صادق جعفر بن محمد سپس موسی بن جعفر سپس علی بن موسی سپس محمد بن علی سپس علی بن محمد سپس حسن بن علی سپس همام من م - ح - م - د. کنیه‌اش حجة الله در زمین و بقية... در بندگان فرزند حسن بن علی است که خدای تعالی ذکر او را بلند خواهد کرد و بردست او شرق و غرب فتح خواهد شد اوست که از شیعیان و دوستانش غیبتی خواهد کرد که هیچکس بر امر ولایت و امامت او استوار نخواهد ماند مگر کسی که قلبش را خدا در امتحان خود موفق کرده باشد^(۳۹))

روزی امیرالمومنین علیه‌السلام در جواب این سؤال اصبع بن نباته که چرا در فکر فرو

۳۹- تفسیر برهان جلد ۱ صفحه ۳۸۱ حدیث ۱

رفته اید؟ فرمودند: (درباره یازدهمین از فرزندانم که همان مهدی «صلوات الله علیه» است فکر می‌کنم. ۴۰)

امام حسین علیه السلام در یکی از فرمایشاتشان درباره حضرت ولی عصر ارواحنا فداه چنین فرمودند: (ما دوازده مهدی هستیم اول آنها امیرالمومنین علی بن ابیطالب و آخرشان نهمین از فرزندان من که همان امام قائم به حق می‌باشد ۴۱).

امام موسی بن جعفر علیه السلام در جواب سائلی که پرسیده بود آیا شما آن امام قائم به حق هستید؟ فرمودند (من قائم به حق هستم ولی آن کسی که زمین را از وجود دشمنان خدای بزرگ پاک خواهد کرد و آن را از عدل پر خواهد کرد وقتی از ظلم پر شده باشد پنجمین از فرزندان من است ۴۲).

امام جواد علیه السلام به عبدالعظیم حسنی که در دل این سؤال را داشت که آیا قائم اهل بیت همان مهدی است؟ فرمودند: (به درستی قائم ما همان مهدی است که واجب است در زمان غیبتش منتظرش بود و در زمان ظهورش مطیعش بود و او همان سومین از فرزندان من است ۴۳).

۴۰- کمال الدین جلد ۱ صفحه ۳۸۱ حدیث ۱

۴۱- کمال الدین جلد ۱ صفحه ۳۱۷ حدیث ۳

۴۲- کمال الدین جلد ۲ صفحه ۳۶۱ حدیث ۵

۴۳- کمال الدین جلد ۲ صفحه ۳۷۷ حدیث ۱

۵- روایاتی که ولادتشان را مخفی و وجودشان را از نظرها غائب یعنی ناشناس معرفی می نماید

در ابتدا تذکر این نکته لازم است که معنای غیبت درباره حضرت ولی عصر ارواحنا فداه فقط نامرئی بودن ایشان نیست و نباید چنین پنداشت که حضرت در تمام مدت غیبت تا زمان ظهورشان وجودی نامرئی دارند، بلکه از خیلی روایات برمی آید که ایشان در میان کوچه و بازار رفت و آمد می نمایند و در مجالس مردم و مؤمنین شرکت می کنند و بطور کلی از میان مردم خارج نیستند* ولی چون قرار بر این است که آن حضرت تا زمان ظهور در میان عموم مردم شناخته نشوند، به طور ناشناس «غائب» رفت و آمد دارند، بخصوص که از طرف مقابل، عموم مردم هم شوق آنچنانی و آمادگی کامل برای ظهور ایشان را ندارند. به همین خاطر ایشان در میان مردم هستند ولی همه ایشان را ندیده و یا اگر ببینند نمی شناسند مگر کسانی که شوق دیدار حضرت را در دل دارند و ملاقات با آن وجود مقدس برایشان اهمیت دارد و بسیار دیده شده که حضرت نسبت به افرادی که بیادشان بوده و خواستار دیدارشان بوده اند توفیق ملاقات را داده اند. در دعای ندبه نیز به ما چنین یاد داده اند که بعد از تقویت عشق و علاقه دیدار و توجه

* بنفسی انت من مغیب لم یخل منا - دعای ندبه

کامل به ساحت مقدسشان پرسیم: (آیا ای فرزند رسول خدا راهی برای ملاقات شما هست؟ آیا امروز «من که چنین به خاطر شوق به شما دعای ندبه خواندم» به وعده ملاقاتی با شما متصل می‌شود؟*) منظور این است که مضامین بعضی روایات از جمله همین جملات دعای ندبه دلیل بر این است که وجود مقدس حضرت همیشه نامرئی نیست و اگر قرار بود ایشان در تمام مدت زمان غیبت دیده نشوند، اولاً شوق ملاقاتشان را با این جملات در ما ایجاد نمی‌کردند و ثانیاً هزاران مورد از ملاقاتها که توسط صادق‌ترین علما و مراجع و اولیاء تأیید شده، انجام نمی‌شد.

در زمان مظلوم واقع شدن ائمه اطهار علیهم‌السلام در مقابل خلفای جور که به خاطر بی‌توجهی مردم به مقام شامخ امامت، آنها تنها مانده و کاری شد که دست ظالمین از نظر ظاهری بر آنها چیره گشت نیز ائمه در میان عده‌ای از مردم به خاطر شدت بی‌معرفتی‌شان نسبت به ایشان، گاهی به صورت غائب «ناشناس» زندگی می‌کردند. مثلاً ابوبصیر می‌گوید: (در خدمت امام باقر علیه‌السلام به مسجد پیامبر وارد شدیم در حالی که مردم به مسجد وارد یا خارج می‌شدند حضرت به من فرمودند از مردم پرس آیا مرا می‌بینند؟ و من به هرکس برخورد کردم از او پرسیدم آیا ابا جعفر را دیدی می‌گفت نه در حالی که ایشان همان‌جا ایستاده بودند تا این که

* هل الیک یا بن احمد سبیل فتلقى هل يتصل یومنا منک بعدة فنحظی - دعای ندبه

ابوهارون مکفوف « که از نظر ظاهری نابینا بود ولی شوق دیدار حضرت را همیشه در دل داشت » وارد شد حضرت فرمودند از او پرس من گفتم آیا اباجعفر را دیدی؟ « یانه » او گفت مگر حضرت اینجا نایستاده‌اند؟ گفتم از کجا فهمیدی؟ گفت چطور ندانم در حالی که او نوری درخشان است « و من که علاقة دیدارش را دارم چشم دلم این نور حقیقی را می‌بیند »*.

بنابراین روایاتی که ائمه اطهار علیهم‌السلام در این زمینه فرموده‌اند و به عنوان نمونه در زیر به دو مورد اشاره می‌شود، به معنای این است که مردم چون چشم واقعی‌شان را برای دیدار امام زمانشان بسته‌اند، معصومین علیهم‌السلام وجود مبارکشان را غائب «ناشناس» معرفی فرموده‌اند نه این که همیشه وجود مبارکشان نامرئی است.

امام مجتبی علیه‌السلام در حدیث مفصلی در جواب مردم معترض به ایشان بعد از صلح با معاویه «با این که خودشان امام را تنها گذاشته بودند و باعث این کار شدند» در بخشی از سخنانشان درباره حضرت مهدی صلوات‌الله علیه فرمودند: (پس بدرستی خداوند بزرگ ولادتش را پنهان خواهد کرد و «با این بی‌توجهی‌ها که شما نسبت به امامتان انجام می‌دهید» وجودش را غائب خواهد کرد. ^{۴۴}) امام کاظم علیه‌السلام در پاسخ کسی که پرسیده بود آیا از شما ائمه کسی هست که غائب می‌شود، فرمودند: (بلی وجود مبارکش از دیده‌ها پنهان می‌شود ولی یادش از دل‌های مؤمنین فراموش نمی‌شود. ^{۴۵})

۴۴- کمال‌الدین جلد ۱ صفحه ۳۱۵ و ۳۱۶

* مکیال المکارم جلد ۱ صفحه ۵۰۰
۴۵- کمال‌الدین جلد ۲ صفحه ۳۶۸ حدیث ۶

۶- روایاتی که بردن نامشان را در زمان غیبت حرام می‌داند

مردم در زمانهای مختلف زندگی ظاهری ائمه نسبت به آنها کمال بی‌معرفتی را انجام دادند بطوری که منجر به بروز حادثه تلخ غیبت امام مهدی صلوات الله علیه گردید. در بسیاری از روایات دستوراتی فرموده‌اند که اگر به وسیله یک منتظر واقعی اجرا شود زمینه کسب معرفت را نسبت به ساحت مقدسش فراهم می‌آورد از جمله این که در زمان غیبت بردن نام خاص آن حضرت در مجامع عمومی جز موارد معدودی که خود صلاح دانسته‌اند، حرام است. تا شاید مشتاقان به وسیله توجه به القابی مثل بقیه الله، مهدی، قائم، صاحب الزمان، حجّت و از این قبیل متوجه معانی پربار آن شوند که به واقع مقداری از معرفت امام را بوسیله این القاب و عناوین بزرگ می‌شود کسب کرد. به عنوان نمونه یک روایت را ذکر می‌کنیم.

از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند کسی که به همه ائمه معترف باشد ولی به مهدی (صلوات الله علیه) کافر شود مانند کسی است که به همه انبیاء معترف باشد ولی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله را منکر شود. به ایشان عرض شد ای فرزند رسول خدا آن مهدی کدام یک از فرزندان شما است؟ حضرت فرمودند پنجمین فرزند از نسل هفتمین امام که وجودش از نظرهای شما پنهان خواهد شد و

حلال نیست برایتان که نامش را «در مجامع عمومی» ببرید. (۴۶)

۷- روایاتی که می‌فرماید همه سنن انبیاء درباره ایشان انجام خواهد شد و هر کدام از آن سنت‌ها را فرموده‌اند

یکی دیگر از اهداف ائمه اطهار علیهم‌السلام در معرفی حضرت ولی عصر ارواحنا فداه این بوده که با تشبیه ایشان به انبیاء گذشته مردم را برای رهایی از وضعی که در زمان غیبت دچارش می‌شوند، راهنمایی کنند و آنها را چشم به راه و آماده برای پذیرش ایشان کرده و از این راه مردم را تشویق به استقبال از ظهور نمایند به عنوان نمونه به نقل چند روایت در این باره می‌پردازیم:

امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: (به درستی که آنچه از سنت‌های انبیاء گذشته در مورد غیبت‌هایشان به وقوع پیوسته، مو به مو درباره قائم ما اهل بیت رخ خواهد داد. (۴۷)

امام صادق علیه‌السلام در حدیث دیگری برای اینکه بعضی تبلیغ نکنند که در زمان غیبت اصلاً نمی‌شود خدمتشان رسید و با این فکر شوم امام را به فراموشی سپارند و ایشان را موجودی دور از اجتماع معرفی نکنند، شباهت ایشان را به حضرت یوسف درباره کاری که با برادران خود کرد متذکر می‌شوند که آنها با این که فرزندان

۴۶- کمال‌الدین جلد ۲ صفحه ۳۳۳ حدیث ۱

۴۷- کمال‌الدین جلد ۲ صفحه ۳۴۵

پیامبر بودند و یوسف برادرشان بود، او را ملاقات نمودند ولی نشناختند و مردم نباید منکر شوند که حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) که در بازارهایشان راه می‌رود و بر فرشهایشان گام می‌گذارد را ببینند و وقتی خدا اذن دهد او را بشناسند.^{۴۸}

امام باقر علیه السلام هم برای اینکه روحیه انتظار واقعی و دغدغه همیشگی نسبت به ظهور حضرت را ایجاد کنند تا مردم بی محبت به امام زمان چنین نگویند که معلوم نیست چه وقتی ظهور انجام شود و یا نگویند ظهور حضرت حالا حالاها کار دارد، می‌فرمایند:

(شباهت این حضرت به یوسف این است که همانطور که خداوند کار او را یک شبه درست کرد «خواب دیدن پادشاه مصر و تعبیر یوسف و خلاصی اش از زندان» امر فرج و ظهور حضرتش را هم یک شبه درست خواهد کرد.^{۴۹})

صاحب کتاب مکیال المکارم جهات مختلف شباهت ایشان به انبیاء و ائمه گذشته را به ترتیب از حضرت آدم تا حضرت سید الشهداء علیه السلام با استفاده از روایاتی که در این زمینه است دسته‌بندی و مرتب نموده است و طالبین به مطالعه بیشتر این عنوان می‌توانند به این کتاب مراجعه نمایند*.

۴۸- اصول کافی جلد ۲ صفحه ۱۳۴ حدیث ۴

۴۹- کمال الدین جلد ۱ ص ۳۲۹ حدیث ۱۲

* مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم جلد ۱ صفحه ۱۶۷ تا ۲۳۳

۸- روایاتی که می‌فرماید به وسیله ایشان بلا از اهل زمین رفع و دفع و برکات نازل می‌شود

تعدادی از روایات، معصومین علیهم‌السلام را وسیلهٔ امان برای عالمیان از جمله زمین و وسیلهٔ دفع بلا و سختی معرفی می‌نماید.

امام صادق علیه‌السلام در تفسیر آیهٔ امن یجیب المضطر اذا دعاه و یکشف السوء* می‌فرمایند (این آیه دربارهٔ قائم اهل بیت نازل شده که به خدا قسم او همان مضطری است که هرگاه در مقام دو رکعت نماز بخواند و دعا فرماید، خداوند دعایش را مستجاب کرده و بلا و سختی را برطرف نموده، ظهورش را می‌رساند. ۵۰)

امام عسکری علیه‌السلام نیز دربارهٔ حجت الهی می‌فرمایند (به وسیلهٔ او بلا از اهل زمین دفع شده و به خاطر او نعمتها از ناحیهٔ خداوند بر اهل زمین فرود می‌آید و به یمن وجود مبارکش زمین برکاتش را بیرون می‌دهد ۵۱) در زیارت جامعه کبیره هم خطاب به معصومین علیهم‌السلام شبیه همین مضامین را می‌گوئیم***.

حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) خود می‌فرمایند: (به وسیلهٔ من بلا از اهل و شیعیانم رفع می‌شود. ۵۲) در بعضی از روایات چنین مثال می‌زنند:

همان‌گونه که نجوم آسمان وسیلهٔ امنیت برای اهل آسمان است، حجج الهی نیز برای اهل زمین این چنین هستند و در بعضی روایات آمده که اگر حجت و امام از

۵۰- تفسیر القمی جلد ۲ صفحه ۱۲۹

* آیه ۶۲ سوره مبارکه نمل

۵۱- کمال الدین صفحه ۳۸۴

** بکم فتح الله و بکم یختم و بکم ینزل الغیث و بکم یمسک السماء ان تقع علی الارض الا باذنه و بکم ینفس الهم و یکشف الضر

۵۲- کلمه الامام المهدي صفحه ۵۴۳

طرف خداوند در روی زمین نباشد، زمین اهلش را ذر خود فرو می برد. ۵۳
این گونه روایاتی که در این قسمت ذکر شد بخصوص در این زمان که غیبت
امام عصر ارواحنا فداه می باشد نشان دهنده و ثابت کننده ۳ مطلب مهم است:

۱- هدف خداوند از ایجاد و خلق این مجموعه هستی «در
محدوده زندگی ما، کره زمین» برای این است که مردم به وسیله
راهنمایان الهی هر زمان به رشد و کمال و نعمات خداوند برسند و
اگر قرار نبود مردم هیچ گاه به راهی که حجج الهی به مردم نشان
داده و می دهند، بروند و گمراه باشند، لازم نبود این مجموعه
آفریده شود و سرپا بماند.

۲- چون زندگی مردم دنیا پیچیده شده در سختی و بلاست و
رفع آن فقط با حکومت جهانی حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه)
انجام می شود و ایجاد این حکومت از وعده های الهی است که
تاکنون انجام نشده، ایجاد عدالت جهانی و ظهور آخرین حجّت
خداوند برای بهره مند شدن بندگان خدا از نعمتهای معنوی و
مادی، حتمی است.

۳- اگر حجّت الهی زنده و در میان مردم کره زمین نبود
خدای تعالی این مجموعه را که تاکنون در آن عدالت برپا نشده، سر
پا نگه نمی داشت پس امام زمان قطعاً زنده هستند و در همین کره
زمین زندگی می کنند.

۵۳- بعنوان نمونه در بحارالانوار جلد ۲۳ صفحه ۲۱ حدیث ۲۰

۹- روایاتی که خبر از ابتلاء و آزمایش مردم به وسیله ایشان از طریق غیبت طولانی و ظهور حتمی و ناگهانی می دهند

نظر معصومین علیهم السلام در مورد وجود مقدس حضرت مهدی (صلوات الله علیه) این است که ایشان باعث نجات مؤمنین ثابت قدم و هلاکت سست عنصران و منافقان است و غیبت و ظهور ایشان در واقع وسیله رشد و تقویت برای مؤمنین و تضعیف و کنار زدن منافقین و کفار است و به تعبیری دیگر ایشان وسیله یک امتحان بزرگ الهی درباره بندگان خدا هستند.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله درباره این که در غیبت ایشان عده‌ای به خاطر نبودن ظاهری ایشان در میان مردم گمراه می شوند، می فرمایند (بوسیله ایشان غیبت و سرگردانی رخ خواهد داد که عده‌ای «سست عنصر» گمراه شده و بعد از آن همانند ظاهر شدن شهاب‌های آسمانی که یک باره و ناگهانی در آسمان ظاهر می شوند، ظهور خواهد نمود. ۵۴)

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام هم در روایتی همین مطلب را می فرمایند که (در غیبت ایشان عده‌ای منافق و سست عنصر گمراه شده ولی اهل تقوا و مؤمنین ثابت قدم راه هدایت را می یابند. ۵۵)

امام صادق علیه السلام نیز در روایتی مطالبی به این معنا می فرمایند: ظهور نخواهد شد مگر وقتی غربال شوید، ظهور نخواهد شد تا کاملاً بررسی شوید، ظهور نخواهد شد

مگر وقتی خوب و بدتان از یکدیگر جدا شوید، ظهور نخواهد شد مگر پس از ناامیدی «سست عنصران» ظهور نخواهد شد مگر وقتی که اهل ولایت با ثابت ماندنشان به سعادت «ولایت نورانی و حقیقی» و آن کس که اهل نفاق است به شقاوت «و بدبختی تیرگی و گمراهی» برسد. ۵۶

این دسته از روایات نشان دهنده ۲ مطلب مهم است:

- ۱- غیبت امام عصر علیه السلام بعد از بی توجهی‌هایی که مردم به تحریک شیاطین نسبت به ساحت مقدس ائمه داشتند بجا و با وجود اختیار انسان راهی است در مقابل مکر و ترفند شیطان.*
- ۲- همانطور که در ابتدای کتاب گفته شد معصومین علیهم السلام از ابتدا وسیله آزمایش و ابتلای مخلوقات برای به رشد رساندنشان بوده‌اند یعنی آنها باب المبتلی به الناس هستند و خدای تعالی به وسیله این غیبت امام عصر علیه السلام را وسیله رشد کسانی که در ایمانشان صادقند و دور کردن ظاهر بینان و سست عنصران قرار داده است.

۵۶- اصول کافی جلد ۲ صفحه ۱۹۶ حدیث ۶
* - در این باره در آینده بیشتر توضیح داده خواهد شد.

۱۰- روایاتی که القاب تعیین شده ایشان را معنی می‌کند

همانطور که قبلاً گفتیم معصومین علیهم‌السلام به خاطر دادن عظمت فوق‌العاده به وجود مقدّس حضرت مهدی صلوات‌الله علیه، دستور داده‌اند به جای اسم خاص آن حضرت القابی را بکار بریم تا شاید با توجه به معانی آنها معرفت ما را نسبت به ایشان بالا ببرند و موجب توجه بیشتر ما به عظمتی که از معانی این القاب نیز برمی‌آید بنماید و این همان کاری است که پروردگار متعال در قرآن نسبت به همه معصومین کرده یعنی عناوین و القاب بزرگی را به آنها اختصاص و نسبت داده و کمتر اسم خاص آنها را آورده است. بلی القابی که توسط معصومین به حضرت ولی عصر ارواحنا فداء نسبت داده شده، هر یک معنای خاصی دارد و برای فهماندن اهمّیت و نوع کاری است که قرار است توسط ایشان انجام شود، بعضی از این القاب و عناوین اینها هستند.

بقیه‌الله، نورالله، وجه‌الله، عین‌الله، خلیفه‌الله، باب‌الله، میثاق‌الله، وعدالله، سبیل‌الله، داعی‌الله، حجة‌الله، صاحب‌الزمان، مضطرّ، ثائر، منصور، مهتدی، تقی، نقی، رضی، زکی، مرضی، صابر، شکور، مجتهد و غوث*.

مشهورترین القابی که معانی اش نیز در روایات آمده مهدی، قائم و منتظر است و ما به دو نمونه از این روایات اشاره می‌نمائیم.

* القاب و عناوین حضرت ولی عصر ارواحنا فداء بسیار بیشتر است و ما در این قسمت به تعداد شماره حروف علمی که در زمان ظهور شکافته خواهد شد این ۲۵ تا را انتخاب نمودیم بسیاری دیگر از این القاب در دعای ندبه و زیارت آل‌یاسین و دیگر ادعیه و روایات موجود است.

امام صادق علیه السلام در روایتی مطالبی به این معنا می‌فرمایند: به درستی ایشان مهدی نامگذاری شده است چون وقتی مردم دینشان را از منبع و سرچشمه آن که امام زمان است نگیرند و با وجود انحرافات که در دین وارد کرده‌اند، چنین پندارند که حقیقت دین همانست که آنها دارند، آن حضرت مردم را هدایت به اسلامی که از نظر بعضی مردم جدید است می‌کند و آنها را متوجه انحرافشان می‌نماید و ایشان قائم نامیده شده چون که قیامش مطابق با میزان و حق و برای برپائی عدالت در جامعه دنیائی است. ۵۷

امام جواد علیه السلام در پاسخ فردی که از معنای قائم و منتظر پرسیده بود فرمودند (ایشان را به خاطر این قائم نام‌گذاری نموده‌اند که بعد از این که وجود مبارکش به فراموشی سپرده شود و عده زیادی از معتقدین به امامتش دلشان سست شود قیام می‌نماید سپس سائل پرسید: چرا ایشان منتظر نامیده شده است؟ حضرت فرمودند چون برای ایشان غیبتی است طولانی که افراد خالص و پاک انتظارش را می‌کشند ولی شگاکان منکرش می‌شوند و افراد کافر و پست زیاد نام بردن ایشان را مسخره می‌کنند، در آن زمان غیبت، کسانی که وقتی برای ظهورش تعیین نمایند، تکذیب شوند و افرادی که در آن غیبت از دیدگاه خود نظری درباره‌اش بدهند هلاک شده و تنها تسلیم شدگان در برابر خواست و نظر خداوند و معصومین علیهم السلام نجات می‌یابند. ۵۸)

۵۷- بحار الانوار جلد ۵۱ صفحه ۳۰ حدیث ۷

۵۸- کمال الدین صفحه ۳۷۸ قسمتی از حدیث ۳

۱۱- روایاتی که ایشان را قائم به حق و ظاهرکننده دین بر جهان و کسی که دارای ویژگی خاصی که موعود خدا و انبیاء است، می‌داند

کاری که قرار است به وسیله آن حضرت در کره زمین انجام پذیرد بسیار مهم است. اگر بخواهیم مقدار اهمیت این مسئله را از آیات و روایات دریابیم، کافی است بدانیم علاوه بر معصومین علیهم‌السلام و پیامبران بزرگ الهی که در زمان خود مکرر درباره ایشان سخنها گفته‌اند و خود را جزو منتظرین قرار داده‌اند، خدای تعالی در چند جای قرآن خود را منتظر آمدن و ظهور آن حضرت معرفی می‌کند و این جای بسیار تأمل است و نشان دهنده اهمیت کاری است که در همه دوران زندگی بشریت ویژه امامی است که اکنون ما در دوران غیبت ایشان بسر می‌بریم. معصومین علیهم‌السلام در تفسیر آیاتی که این ویژگی مهم را به حضرت حجة بن الحسن العسکری علیه‌السلام نسبت می‌دهد مطالب زیادی فرموده‌اند از جمله حضرت امام باقر علیه‌السلام در تفسیر آیه:

الذین ان مکنّاهم فی الارض اقاموا الصلوة و اتوا الزکاة*

می‌فرمایند: (این آیه تا آخرش مربوط به آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله است و حضرت مهدی علیه‌السلام و اصحابشان کسانی هستند که خداوند آنها را بر شرق و غرب زمین تمکین خواهد داد و دین خداوند را «به وسیله ایشان» ظاهر خواهد کرد و همانطور که نادانان «در زمان غیبت» باعث از بین رفتن حقایق شده‌اند، ایشان و اصحابش هر چه بدعت و باطل است را از بین خواهند برد تا اثری از ظلم نماند و امر

* آیه ۴۱ سوره مبارکه حج

به معروف و نهی از منکر خواهند کرد^{۵۹}).

همین امام در تفسیر آیه:

قل جاء الحق و زهق الباطل*

می فرمایند: (هنگامی که قائم ما قیام نماید حاکمیت هر چه

باطل است از افکار و زندگی مردم «به برکت راهنمایی‌ها و توان

قدرتی او» از بین می‌رود.^{۶۰})

* آیه ۸۱ سوره مبارکه بنی اسرائیل

۵۹- تفسیر قمی جلد ۲ صفحه ۸۷

۶۰- الروضه صفحه ۲۸۷

۱۲- روایاتی که ایشان را گسترش دهنده عدل و کامل کننده علوم و زنده کننده زمین پس از مردنش معرفی می کند

در بسیاری از روایات و ادعیه و زیارات این مطلب را که ایشان همان فردی است که دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد آن زمانی که پُر از ظلم و جور شده باشد معرفی می کند* . مثلاً حضرت امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه:

اعلموا ان الله يحيي الارض بعد موتها**

در همین مورد مطالبی به این معنا می فرمایند که خدای تعالی به وسیله آن حضرت زمین را پس از این که به وسیله کفار پُر از ستم کفر و گمراهی شده باشد به مسیر عدالت که باعث حیات می شود هدایت می کند. ^{۶۱} یعنی همان طور که وقتی به زمین آب نرسد می میرد، در زمان غیبت که حقایق و آن چه مطابق با میزان و عدل است به اهلش نمی رسد، مردم به خاطر نیاز فطری که به حقایق دارند چون از سرچشمه زلال حق آن ها را دریافت نمی کنند، رو به سوی منابع دروغین و سراب گونه می نهند و باعث ضعفها و مرضهای روحی می شوند، آن حضرت بعد از ظهور، حقایق ناب و بکری که تا آن موقع برای مردم بیان نشده در اختیار مردم می گذارد و آنها را به وسیله آن حقایق که مایه حیات هست، از مرگ و مرض نجات می دهد و حیات واقعی را نصیبشان می نماید.

حقیقت این است که همه علوم می که معصومین علیهم السلام در زمان زندگی ۲۵۰ ساله

* يَمَلُءُ الْاَرْضَ قِسْطًا وَّعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَّجورًا

** آیه ۱۷ سوره مبارکه حدید

۶۱- الروضة کافی جلد ۷ صفحه ۱۷۴

خود با توجه به پذیرش مردم و فرصتی که داشتند، توانستند بیان نمایند در مقایسه با آنچه بعد از ظهور بیان خواهد شد، نسبت ۲ حرف از ۲۷ حرف است یعنی اگر همه علوم که خداوند برای رشد انسانها در نظر گرفته و انسانها می‌توانند آن را فرا گیرند در مثل ۲۷ حرف باشد قبل از ظهور فقط بشریت به ۲ حرف آن دست یافته و بقیه آن علوم در زمان ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا فداه و با راهنمایی‌های حکیمانۀ ایشان شکافته خواهد شد.^{۶۲}

۶۲- بحارالانوار جلد ۵۲ صفحه ۳۳۶ حدیث ۷۳

۱۳- روایاتی که ایشان را منصور بالربوب و کسی که همه گنج‌های مادی و معنوی به وسیله ایشان ظاهر خواهد شد معرفی می‌کند

امر مهم و با عظمتی که قرار است در کره زمین انجام پذیرد، باید بوسیله فردی عملی شود که علاوه بر داشتن علم و قدرت کامل از مدیریت فوق‌العاده نیز برخوردار باشد یعنی بتواند علم و قدرتش را با آنچنان سیاستی عملی کند که هم باعث مقابله و واکنش از طرف کسانی که دارای سلاح‌های مختلف هستند، نشود و هم نیاز به مصلح جهانی که همانند عطش مردم دنیا به آن احساس نیاز می‌کنند را برآورده سازد و چون ممکن است در ابتدا عده‌ای شخص مصلح را شناسند و بخواهند به وسیله ایجاد جنگ و در نهایت از بین رفتن خودشان مانع امر ظهور شوند، برای اینکه آن حضرت مجبور نشود آنها را از بین ببرد، روش و سیاستی پیش می‌گیرد که باعث امر ظهور خواهد شد و توسط حضرتش عملی می‌شود تا افراد کمتری از بین بروند و آن ایجاد وحشت در دل این افراد است. آن حضرت اگر بخواهند همانند کشورگشاهای با قدرت بخصوص که علم و قدرت کامل را هم دارند به انجام این امر پردازند نیاز به ایجاد وحشت ندارند ایجاد ترس و داشتن هیبت فوق‌العاده برای جلوگیری از عمل خرابکارانه و مقابله‌ای است که در نهایت به کشته شدن طرف مقابل می‌انجامد بخصوص که حضرت با غیرمتداول‌ترین سلاح یعنی شمشیر ظهور خواهد فرمود و معلوم است که این سلاح قادر به کشتار جمعی و روشی که در سیاستمداران فعلی جهان مرسوم است، نیست. حضرت با ایجاد ترس در دل کسانی که هنوز شناخت کافی از مصلح جهانی و شخص ایشان

ندارند و ناآگاهانه ممکن است دشمنی کنند کاری می‌کنند که سر جایشان بنشینند تا بعد از فتح جهان، و درست شدن امور نابسامانی که بشر قبل از ظهور به هر زحمتی نتوانسته سامان بخشد، و عرضه حقایق دینی وقتی به طور عملی مهربانی و عظمت حضرتش را ببینند، همگی در مقابلشان سر تعظیم فرود آورند. حضرت امام باقر علیه السلام در این باره ایشان را این چنین معرفی می‌نمایند: (قائم ما بوسیله ترسی که از ایشان در دل دشمنان می‌افتد کمک می‌شود و با نصرت و یاری الهی پیروز می‌گردد و زمین در برابر اراده او خاضع است و گنج‌هایش را در مقابل ایشان ظاهر خواهد کرد و تسلط ایشان بر شرق و غرب گسترده خواهد شد و خدای تعالی حقایق دینش را به وسیله ایشان ظاهر خواهد کرد هر چند مشرکین را خوشایند نباشد و هیچ امر نابسامانی «در ظاهر و باطن زندگی مردم» نباشد مگر آن حضرت آن را «میزان و» درست نماید. ۶۳)

۱۴- روایاتی که می‌فرماید بیعت هیچ کس به عهده ایشان نیست

روایاتی این خصوصیت ویژه را درباره حضرت ولی عصر ارواحنا فداه ذکر می‌نماید که بعد از ظهور در مقابل هیچ کس تقیّه نکرده و بیعت کسی به عهده‌شان نیست و این مطلب را به این خاطر فرموده‌اند که خودشان در زمان‌های زندگی می‌کرده‌اند که باید حکم به ظاهر افراد می‌نموده‌اند و آن چه از باطن مردم و امور غیبی می‌دانسته‌اند را نباید اظهار می‌کردند. چرا که به خاطر حاکمیت جور و ستم تمام جوانب احکام و دستورات اسلام بیان و توضیح داده نشده بود و حجّت بر مردم تمام نبود لذا ائمّه در مقابل نقائصی که مردم در ادای حقّ امام و وظایفشان داشتند، سکوت می‌کردند و در مقابل حکام جور تقیّه می‌کردند و این وضع تا زمان ظهور حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه ادامه دارد و شیعیان نیز باید مواردی که جزو اسرار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام به حساب می‌آید را از نااهلان پوشیده داشته و تقیّه نمایند.^{۶۴} ولی چون همه احکام و حقایق دینی آن چه مطابق با صراط مستقیم واقعی اسلام است، بعد از ظهور بیان می‌شود و جای عذری برای هیچ کس در فراگیری معارف حقّه اسلام باقی نمی‌ماند، و همه باید روح خود را تزکیه و اصلاح نمایند، لذا از ویژگی‌های آن حضرت این است که حکم به باطن نموده و تقیّه نمی‌کنند^{۶۵} و بیعت هیچ کس به عهده‌شان نیست به خصوص این که حاکمیت حکام ستمگر از سطح کره زمین برچیده می‌شود.

۶۴- بحارالانوار جلد ۷۵ صفحه ۴۱۱ حدیث ۶۱

۶۵- همان حدیث

امام حسن مجتبیٰ علیه السلام وقتی با اعتراض مردم نسبت به صلحی که با معاویه کرده بودند روبرو شدند و آنها از روی ناآگاهی به ساحت مقدّس آن امام توهین می نمودند در حالی که خودشان باعث آن صلح شده بودند، فرمودند: (هیچ کدام از ما نیست مگر این که بیعت طاغوتِ زمانش به عهده اش می باشد مگر قائم ما که حضرت عیسی علیه السلام پشت سرشان نماز خواهد خواند. پس به درستی خداوند ولادتش را پنهان نموده و وجود مقدّس حضرتش را غائب خواهد کرد تا هنگامی که ظهور نماید و آن وقت بیعت هیچ کس به عهده اش نیست ^{۶۶})

۶۶- کمال الدین جلد ۱ صفحه ۳۱۶ قسمتی از حدیث ۲

تنبیه و نتیجه گیری

آن چه که در این بخش از آیات و روایات درباره منزلت ائمه اطهار به خصوص حضرت بقیة الله ارواحنا فداه آورده شد به خاطر این بود که اعتقادمان را درباره آنان با آن چه گفته شد میزان نمائیم و توجه بیشتری نسبت به کسی که از قرن ها پیش قلوب بزرگترین اولیاء خدا متوجه او بوده نمائیم و بدانیم خداوند نیز خود را جزو منتظرین او قرار داده و از آن جمله فرموده:

إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ

آن مقدار از مطالبی که انبیاء و معصومین درباره امامی که ما اکنون در زمان غیبتشان بسر می بریم، فرموده اند، درباره هیچ یک از خودشان نفرموده اند. چون کاری که قرار است آن حضرت انجام دهند، کامل کننده زحمات همه آنها است و اگر انجام نشود بعثت آنها و زحماتی که متحمل شده اند به هدر می رود. در واقع بعثت انبیاء و معصومین عليهم السلام اصلاً برای اجرای حکم الهی بر مردم برای به سعادت رسیدنشان بوده و هر یک از آنها سعی می کرده اند مردم را با تعلیمات نورانی الهی آشنا و آنها را عامل به آن نمایند تا این اوامر و نواهی گسترش یابد و جهان شمول گردد و مردم با اختیار خود از تحت فرمان شیطانهای جنی و انسی به در آیند و راه سعادت را که بندگی خدا از طریق هدایت های امام است را در پیش گیرند. امیدواریم آنچه ذکر شد عامل مؤثری در توجه بیشتر ما به ساحت مقدس امام زمان عليه السلام گردد.

بخش دوم

انحراف از توجه به امام زمان علیه السلام

فصل اول عوامل منحرف‌کننده از داشتن اعتقاد صحیح نسبت به امام زمان و

علت فعالیت این عوامل

فصل دوم نمونه فعالیت‌های منحرف‌کننده شیطان از توجه مردم به امام

هر زمان

فصل سوم بی‌توجهی به امام زمان علیه السلام ریشه‌دار نیست، بلکه اثر غبار سیاه

شیطان است.

فصل اوّل

عوامل منحرف‌کننده از داشتن اعتقاد صحیح نسبت به امام‌زمان و علت فعالیت این عوامل

اکنون که حداقل اعتقاد صحیحی که باید یک مسلمان نسبت به امام‌زمانش کسب کند را از آیات و روایات گفتیم و دانستیم که خدای تعالی این مجموعه هستی را اصلاً برای این آفریده که مردم با تربیتی که از طرف حجّت الهی می‌شوند، مورد رضایت خداوند شوند، این سؤال پیش می‌آید که با این که در تقدیر الهی این چنین نبوده که مردم این همه سالهای طولانی از سرچشمه زلال علم اهل بیت علیهم‌السلام به وسیله غیبت امام عصر علیه‌السلام دور بمانند، چرا این دوران بیش از یکهزار و یکصد ساله فترت و غیبت امام برای جهانیان رخ داده است؟

در جواب می‌گوئیم با کمی دقت متوجه می‌شویم که آن چه اتفاق افتاده به خاطر بی‌توجهی مردم نسبت به مهمترین نیاز روحی‌شان که استفاده کامل از

امام علیؑ است بوده است. حادثه تلخ غیبت به این خاطر اتفاق افتاد که انسان موجودی مختار خلق شده و بزرگترین امتحان و درواقع کمالش در این دنیا همین بوده که با اختیار خود به طرف این نمایندگان الهی برود و خود را مطیع و منطبق با خواست آنها نماید.

در حالی که پیدا است که این چنین نکرده است. حال باید دید چه عاملی باعث شده که مردم اختیارشان را در جهت بی‌توجهی به این حجج الهی به کار گیرند و با این کار بیشترین ضرر را متوجه خود نمایند؟ این بی‌توجهی در همه دورانها بوده و به خصوص در این دوران غیبت طولانی امام زمان ارواحنا فدا هم ادامه داشته و دارد. برای پاسخ به این سؤال لازم است مطلب را با مقدمه‌ای شروع نمائیم.

خلقت انسان در کره زمین و شروع زندگیش در این محدوده شبیه تأسیس دانشگاهی است که خداوند برای گسترش تعلیم و تربیت تصمیم به تأسیس آن گرفت. او که منبع و آفریننده همه معلومات و درواقع خودش عین علم است، برای این که جود و کرمی کرده باشد، اراده فرمود که این دانشگاه را ایجاد نماید و به وسیله اساتیدی که هر یک از پیامبران و اوصیاء آنها بودند، آن چه می‌خواست به آفریده‌های خود که همانند دانشجویان این دانشگاه هستند بگوید ولی فردی که از مدتها قبل خلق شده و هرچه را خداوند به او گفته بود ظاهراً عمل کرده بود و امید داشت در این اداره بزرگ الهی بتواند برای خود موقعیتی بدست آورد تا بعداً مخلوقات خدا را از توجه به او منحرف کرده و متوجه خودش نماید تا هرچه خبثات و انحراف در وجودش است را به بقیه سرایت دهد، وقتی متوجه تأسیس این دانشگاه شد، شیطنتی که سالها در وجودش پنهان کرده بود را در موقعیتی بسیار

حساس آشکار کرد یعنی درست در موقعی که مراسم آغازین این دانشگاه شروع شده بود و لازم بود به خاطر تقدس و احترام رئیس دانشگاه، همگی آنها در مقابل وجود هدایت‌گری که هدایت نهائی همه دانشجویان از آغاز تا پایان به وسیله افرادی که از نسل او بودند، انجام می‌گرفت، تعظیم و کرنش نمایند، او که شیطان این مجموعه بود صریحاً مخالفت کرد و خود را به عنوان علم مخالف با خداوند معرفی نمود. در آن موقع هنوز به فکر هیچ‌کس نرسیده بود که بشود مخالفت با مقام با عظمت ریاست الهی را نمود. او می‌دانست که اگر این دانشگاه پا بگیرد، جائی برای اظهار خبثت او باقی نمی‌ماند و باید بدون چون و چرا از دستورات رئیس فرمانبرداری نماید در حالی که او سالها با این که در وجودش انحراف و صفات رذیله کبر و خودخواهی بود، آن را پنهان کرده و با همه سختی که با وجود این صفات بد نمی‌شود خدا را هم پرستید، به خاطر بدست آوردن موقعیتی که نفسانیتش می‌خواست ریا نموده و ظاهرش را حفظ کرده بود.^{۶۷} ولی در این موقعیت که می‌دید خداوند از دلش باخبر بوده و زحمات چند هزار ساله‌اش به هدر رفته و در تأسیس این دانشگاه جدید هم نه تنها موقعیت خوبی ندارد بلکه باید همان تواضعی را که اجباراً در مقابل خدا می‌کرده، در مقابل این مخلوق جدید هم بنماید، برآشفت و بنای مخالفت صریح را گذاشت تا حالا که نتوانسته از قبل در اداره الهی موقعیتی بدست آورد، لااقل در این دانشگاه که همگی باید با اختیار خود کسب علم از اساتید می‌کردند به مخلوقات جدید راه مخالفت علنی را بیاموزد و هم موقعیت خود را برای کسانی که می‌خواهند از اختیارشان این چنین استفاده

کنند که آن چه دلشان می خواهد را انجام دهند، به عنوان پیش کسوت خود خواهان و آزادگان این چنینی تثبیت کرده باشد.

او از یک نکته غافل بود و آن این که آنچه از اطاعت محض و بدون چون و چرا در مقابل اوامر الهی برای او سخت است نه بخاطر فرامین پروردگار است، بلکه به خاطر سرکشی نفس او و وجود صفات رذیله‌ای است که در وجودش خودنمایی می‌کند. و اگر به فکر اصلاح نفس خودش می‌افتاد و آن را اصلاح می‌کرد، اطاعت محض پروردگار برایش شیرین و لذت بخش هم بود. او به جای این که به فکر تهذیب نفس خود باشد، فساد و خبثت خود که به خاطر آن اطاعت الهی برایش مقدور نبود را اصل و درست تلقی کرد و به فکر ناقص خودش براساس همان صفات رذیله وجودی این مخالفت با اوامر الهی را گسترش و عمومیت داد. او با این کار به همه فهماند که می‌شود با دستورات اساتید در کلاسهای درس به طور علنی مخالفت کرد. لذا وقتی دانشجویان سر کلاس اولین نبی و استاد دانشگاه نشستند، وقتی مطالبی می‌شنیدند که از نظر ظاهر برایشان تازگی داشت، به جای این که بر خود هموار نموده و اختیار خود را در مهار خواسته نفسانی به کارگیرند تا حقیقت مطالب را که در فطرتشان بود را با راهنمایی اساتید فراگیرند، همان مخالفت آن شیطان را که در مراسم آغازین دیده بودند و اکنون تحریکشان می‌کرد انجام دادند. چرا که به ظاهر کار راحت تر و بدون دردسری بود.

از آن پس هر کدام از اساتید که از طرف خداوند بر سر کلاس درس آمدند یک عده از دانش جویان به ترتیبی که خود یا دانش جویان قبلی تجربه کرده بودند و راه آسایش و آزادگی نفس خود را آموخته بودند، بنای مخالفت با اساتیدشان را در

پیش گرفتند و عمر شریف آنها را به هر صورتی ضایع نمودند یعنی یا آنها را در موقعیتی که به دست می‌آوردند، از بین بردند و یا وقت کلاس آنها را مشغول کاری کردند که بی‌ارزش بود و خلاصه نگذاشتند آنها بتوانند به صورت عملی کار اساسی انجام دهند. از ابتدای تأسیس و راه‌اندازی این دانشگاه بنای خداوند بر این بود که دانش‌جویان با اختیار خود طالب و خواهان حقایق تدریس شده در دانشگاه باشند تا به کمالی که او برایشان در نظر داشت برسند و خود او می‌دانست که در طول دوران تحصیل دانش‌جویان می‌توانند از این اختیار خود سوء استفاده کرده و درس نخوانند و چون شیطان هم جزو همین موجودات با اختیار بود خداوند می‌دانست که او می‌تواند با فرمانش مخالفت نماید و چون او می‌خواست با این مخالفتش در این جهت پیش کسوت شود و آن عطش خودخواهی و نفسانیتی که سالها در وجودش بود را برطرف نماید، ابتدای زندگی انسان در کره زمین را بهترین موقعیت برای خود دانست و در استفاده کامل از این موقعیت هیچ کوتاهی نکرد.

وقت معلوم

شیطان بعد از مخالفتش با دستور صریح پروردگار مورد غضب قرار گرفته و از درگاهش رانده شد او در مجادله‌ای که بعد از آن با خداوند داشت از او خواست که به خاطر عبادتهائی که این همه سال انجام داده به او تا پایان دوره این دانشگاه «پایان عمر دنیا» مهلت داده شود. خداوند هم در جواب او فرمود به تو تا روزی که موعود همه انبیا و معصومین علیهم‌السلام است و آنها نسبت به وقوع آن علم داشته و خبر آمدنش را می‌دهند، مهلت می‌دهم حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام در تفسیر آیه ۳۸ سوره حجر* می‌فرمایند وقتی که نزد همه برای پایان زندگی شیطان معلوم است روز ظهور قائم ما اهل بیت علیهم‌السلام است ۶۸.

ابتدا یا انتهای وقت معلوم؟

در توضیح درباره وقت معلوم و آن روزی که موعود انبیا و معصومین علیهم‌السلام است باید بگوئیم همان‌طور که می‌دانیم خداوند از زمان آفرینش انسان و بعثت اولین نبی می‌خواست نعمات معنوی و مادی اش را به بندگان عطا نماید و دوست نداشت که افرادی با تحریک شیاطین جنی و انسی با دستورات او مخالفت نمایند و خود را در زندگی به سختی‌های مختلف دچار سازند ولی لازمه داشتن اختیار همین است که این موجود مختار بتواند هم بهترین روش زندگی را برای این که به کمال

* قال رب فانظرنی الی یوم یبعثون - قال فانک من المنظرین - الی یوم الوقت المعلوم
۶۸- کمال‌الدین جلد ۲ صفحه ۳۷۱ حدیث ۵

برسد انتخاب نماید و موانع را از سر راهش بردارد و یا همان کاری که شیطان کرد یعنی با وجود بهترین وسیله برای رفتن بسوی کمال، هوای نفس خود را انتخاب نموده و راه شقاوت را برود. و چون مدّت این دانشگاه عظیم خلقت و نیز حجّت‌هایی که خداوند برای تدریس علم و حکمت به مخلوقات خود تعیین نموده بود محدود بودند، وقتی شیطان از خداوند تا آخر عمر این دانشگاه «دنیا» مهلت خواست، چون خداوند از نفسانیتی که او در وجودش داشت باخبر بود و می‌دانست که اگر تا آن موقع مهلت داشته باشد نفسانیت بقیّه موجودات مختار را نیز تحریک خواهد کرد و نخواهد گذاشت آن چه خداوند از تأسیس و خلقت این دانشگاه دنیا در نظر داشته عملی شود، به او تا روزی که باید این حکم یعنی سراسری شدن عدالت و حکومت دین بر جهان اجرا شود و اصلاً این دانشگاه برای همین تأسیس شده بود، مهلت داد یعنی از آن به بعد چون وجود شیطان و افرادِ مثل او ممکن است مانع اجرای این حکم قطعی و غیرقابل تغییر الهی شود نباید وجود داشته باشند. چون اگر دامنه زندگی مختارانه این موجود «جنّ و انس» آن قدر گسترده شود که مانع عملی شدن هدف اصلی خلقت شود، انزال کتب و ارسال رسل و اصلاً ایجاد این مجموعه بیهوده می‌شود. چون همه این‌ها مقدمه اکمال دین بود و قرار بود بعد از این که اسلام به وسیله پیامبر اکرم کامل شد، توسط ائمه اطهار علیهم‌السلام این دین کامل با پیروی و اطاعت انسانهای مختار بر سراسر عالم حاکم شود و اگر بعد از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله مانعی برای حکومت اولین وصی ایشان یعنی امیرالمومنین علیه‌السلام ایجاد نمی‌شد و مردم می‌گذاشتند یک‌یک معصومین در جایگاه امامتی که خداوند تعیین کرده بود بنشینند، معلوم است که موانع جزئی مثل شیطان و امثال او که

می خواستند مانع اجرای حکم سراسری شدن علم و دانش و عدالت شوند از همان روزها برداشته می شدند ولی افسوس و صد افسوس که نه تنها بشر به فکر انتخاب آن چه خدا برایش تعیین کرده بود نیفتاد بلکه با تحریک شیطان که وجود آنها را مانع ادامه زندگی خود می دانست یکی را پس از دیگری مسموم و مقتول نمود^{۶۹}. و کار به جایی رسید که با از بین رفتن ۱۳ معصوم اگر آخرین حجّت را خداوند از دسترس عموم حفظ و پنهان نکرده بود، او را هم از بین می بردند. از ابتدای خلقت حضرت آدم تقدیر الهی بر این بود که حکم قطعی اش توسط همین معصومین اجرا شود و سجده ملائکه هم بر آدم به خاطر این بود که معصومین علیهم السلام که این کار مهم را قرار است انجام دهند از نسل او پا به عرصه وجود خواهند گذاشت. * لذا مدت زمان زندگی معصومین علیهم السلام از نفر اول آنها تا آخرینشان که به پایان دنیا هم نیانجامد، آن وقت معلومی است که خدا برای زندگی شیطان و فعالیت های او تعیین نمود. حال ابتدای زندگی ائمه پایان عمر او باشد یا انتهای زندگیشان، به انتخاب و اختیار مردم بستگی دارد که آیا بعد از پیامبر به طرف جانشین الهی ایشان بروند و همه موانع از جمله شیطان را کنار نهند و یا با قرار گرفتن تحت تأثیر شیاطین کار را به انتهای مهلت موکول کنند. پس باید گفت مهلت زندگی شیطان مدتی مشروط است که حداقل آن بعد از زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و شروع خلافت و امامت امیرالمومنین علیه السلام و پایانش نهایت زمان پُرشدن پیمانۀ غیبت حضرت ولی عصر ارواحنافداه است ** یعنی آن وقتی که بخواهد عمر دنیا به اتمام برسد ولی هنوز

۶۹- بحار الانوار جلد ۴۳ صفحه ۳۶۴ * حیوة القلوب جلد ۲ باب نهم ص ۱۹۳
 ** در این باره در بخش سوم فصل دوم توضیح بیشتری خواهیم داد.

آن اراده الهی برای ایجاد حکومت دین بر جهان و برقراری قسط و عدل انجام نشده باشد.^{۷۰} وقتی ائمه اطهار علیهم‌السلام دیدند به خاطر تحریک شیاطین و انتخاب بد مردم این حکم در زمان آنها اجرا نشد، در جواب دانش‌جویان خصوصی یعنی اصحاب خاصّی که به خدمتشان آمده و حقایق را دریافت می‌کردند و از عاقبت این وضعی که پیش آمده می‌پرسیدند و می‌خواستند بدانند که حکم قطعی پروردگار مبنی بر سراسری شدن حکومت دین بر دنیاکی انجام می‌شود، به خاطر این که آنها را برای پذیرش آخرین امامشان آماده نمایند و به آنها بفهمانند به خاطر کار بد خود شما مردم است که امامتان حاکم بر شما نیست و غائب خواهد شد، بارها آمدن ایشان را مشروط به توقّع و انتظار و خواست مردم بیان فرمودند^{۷۱} و در بعضی روایات مدّت غیبت و نبودشان را بسیار کم بیان می‌نمودند تا تشنگی مردم را برای استقبال از ایشان بیشتر کنند و اگرگاهی از طولانی شدن غیبت خبر داده‌اند در واقع خبر از آن چه مردم خواهند کرد بوده نه آن چه مورد خواست و تقدیر خداوند بوده است حضرت ولی عصر ارواحنا فداه در همان سالهای اوّل غیبتشان یعنی پس از گذشت کمتر از ۹۰ سال در نامه‌ای به شیخ مفید همان مقدار از غیبت را تأخیر نام‌نهاده و برای بیدار شدن مردم از غفلت نکات تکان‌دهنده‌ای را تذکر دادند. ایشان در قسمتی از نامه جانسوزشان فرمودند: «اگر شیعیان در وفاداری به تعهدی که نسبت به ما دارند همدل بودند، تأخیری در (ظهور) سعادت دیدارمان برایشان صورت نمی‌گرفت»^{۷۲}.

۷۱- کمال‌الدین جلد ۲ صفحه ۳۸۰ حدیث ۲

۷۰- بحارالانوار جلد ۳۶ صفحه ۴۰۹

۷۲- احتجاج طبرسی جلد ۲ صفحه ۶۰۲- چاپ اوّل انتشارات اسوه

کینه دیرینه شیطان از امام زمان علیه السلام

با توضیحاتی که داده شد دانستیم که شیطان از قدیمی ترین دشمنان نمایندگان الهی بوده و هست. دشمنی او نسبت به معصومین علیهم السلام بسیار بیشتر است چرا که قبل از خلقت حضرت آدم هر چه مکر و ترفند آماده کرده بود تا بتواند در موقعیتی مناسب، زمینه‌ای برای ابراز خباثتش به دست آورد، با خلقت حضرت آدم و فرمان خداوند به سجده بر او «چون معصومین از نسل او می خواستند به دنیا بیایند» از بین رفت. کینه و دشمنی او به آنها و بخصوص نسبت به امام زمان علیه السلام وقتی زیادتر شد که خداوند در مقابل خواست او بعد از سرپیچی اش که مهلت ابدی برای زندگی تا آخر عمر دنیا را می خواست، به او تا روزی که به وسیله همین معصومین بخواهد حکم قطعی حکومت دین بر جهان را عملی نماید، مهلت داد و او می دانست که در دوران زندگی همین معصومین عمرش به پایان خواهد رسید لذا از ابتدای بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و بخصوص از آغاز امامت معصومین علیهم السلام چون ممکن بود آن لحظه پایان زندگی او فرارسد، فعالیت او چندین برابر شد*. این دشمنی اکنون که تنها یک نفر از معصومین باقی مانده، فوق العاده است چون دایره مرگ بر زندگی نکبت بارش تنگ تر شده و می داند دیر یا زود طبق آن حکم الهی به زندگی پر از خباثتش پایان داده و راهی جهنم خواهد شد. لذا هر چه در توان دارد برای جلوگیری از توجه مردم به امام زمان و به عقب انداختن آن روز «روز ظهور» به کار گرفته است. او می داند آن روزی که در علم همه انبیاء و معصومین علیهم السلام درباره ایجاد

* در فصل دوم همین بخش در این باره باز هم توضیح خواهیم داد.

حکومت جهانی بوده و آن را وعده داده‌اند در پیش است به خصوص که به وسیلهٔ تنها معصوم باقی مانده این کار حتماً انجام خواهد شد. او می‌داند اکنون مثل زمان زندگی بقیه ائمه نیست که با ترفندی بتواند موقع اجرای این حکم را به عقب‌تر بیندازد. او می‌داند اول کسی که باید در روز ظهور از میان برداشته شود، خود اوست. شیطان دوران سلطنتش را بر افراد ضعیف‌الایمان و سست‌عنصر که از او بتی ساخته و برگرد وجود نحسش می‌چرخند رو به پایان می‌بیند لذا دشمنی‌اش بر علیه امام و نماینده الهی این زمان از همهٔ دورانهای گذشته بیشتر و فعالیتش گسترده‌تر است. هر چه به پیش رود، دایرهٔ زندگی بر او تنگ‌تر می‌شود و چون هر لحظه ممکن است ظهور شود، همیشه در حال فعالیت برای عقب انداختن حتی یک روز دیگر است.

تیرهای آشکار آسمان

او برای ادامهٔ زندگی نکبت بارش همیشه با همکاران و نوچه‌هایش سعی در نفوذ به اطراف آسمانها دارد تا هر چه زودتر از خبر لحظه ظهور که توسط ملائکه حمل و یا بین آنها گفتگو میشود، و آنها برای نحوهٔ تنظیم موقعیت فکری مردم برنامه‌ریزی می‌کنند باخبر شود و با خبردار شدن زودتر از موقعیتی که در پیش است، قبل از اعلام به مردم، فرصت بیشتری برای نوع جدیدی از فعالیتهايش که در همان موقعیت امیدوار است اثر کند، داشته باشد. شهاب سنگهای آسمانی که در شب برای ما قابل رؤیت است تیرهایی است که ملائکه برای اینکه مانع نفوذ او و اعوانش به اطراف آسمانها شوند، به آنها می‌اندازند و خداوند در قرآن به همین موضوع صریحاً اشاره فرموده است. از آن جمله می‌فرماید: به درستی که ما آسمان دنیا را با ستارگان زینت دادیم و «کراتی که بنا به مصالحی از مدار قبلی‌شان خارج و منهدم شده‌اند را به صورت تیرهایی» برای دور کردن شیاطین «از ورودشان به آسمان» قرار دادیم* در جای دیگر می‌فرماید بدرستی ما آسمان

* آیهٔ ۵ سورهٔ ملک: و لقد زینا السماء الدنيا بمصابیح و جعلناها رجوماً للشیاطین

دنیا را با ستارگانی زینت دادیم و محدوده آسمان را از ورود هر شیطان تجاوزکننده حفظ کردیم و با اینکه آنها از هر طرف می خواهند در آن نفوذ کنند، برای اینکه نتوانند اخبار را بشنوند از هر طرف رانده می شوند و هر کدام از آنها که برای استراق سمع به آسمان نفوذ کند شهاب سنگی او را از آنجا دور نماید.*

او این همه فعالیت مداومش را برای منحرف کردن ذهن مردم از تمرکز به وجود مقدس امام زمان علیه السلام و در نهایت تأخیر ظهور انجام می دهد. او تاکنون بارها با همین نوع فعالیتها این کار را کرده است.

در توضیح بیشتر باید بگوئیم چون خواست خداوند بر غیبت امام نبود، وقتی مردم هوای نفس خود را «با تحریکات شیاطین» بر همه چیز ترجیح داده و امام را از امامت ظاهری بر دنیا کنار زدند، با اینکه خدای تعالی مردم را به صورتهایی از این غفلت می خواست برهاند و روشهای بیداری نسبت به امام زمان علیه السلام را نیز تنظیم نمود تا اولیائش اجرا نمایند، شیاطین با بکارگیری انواع و اقسام حيله و ترفند، و یا وسوسه بر علیه نحوه توجه دادن مردم به امام زمان که توسط ملائکه حمل و گفتگو می شده، عده ای را بر علیه آنها و روشهای تنظیم شده تحریک کرد تا مورد بی توجهی قرار گیرند و همه برنامه ها نتواند موفقیتی سریع حاصل نماید. خلاصه این فعالیت شیاطین با وجود بی همتی و بی توجهی مردم باعث شد هر چه خداوند و انبیا و اوصیاء و ملائکه و اولیاء کوشش نمایند، چون تأثیر این کوشش مشروط به انتخاب و اختیار و اراده طرف مقابل که انسانهاست می باشد و آنها هم با تحریک شیاطین هدفشان را در زندگی انتخاب امام زمانشان آن طور که مورد خواست خدا است قرار نداده اند، به هدف نهائی نرسد***.

* آیه ۶ و ۷ سوره صافات: انا زینا السماء الدنيا بزینة الکواکب و حفظاً من کل شیطانٍ مارد لایسمعون الی الملاً الاعلی و یقذفون من کل جانب دحوراً و لهم عذاب و اصاب إلا من خطف الخطفة فاتبعه شهابٌ ثاقب.

** مطالب بالا از روایات متعدد خصوصاً روایاتی که ذیل آیات ۸ و ۹ سوره جن در تفسیر برهان جلد ۴ صفحه ۳۹۱ است برداشت شده است.

فصل دوم

نمونه فعالیت‌های منحرف‌کننده شیطان از توجه مردم به امام هر زمان

دانستیم که تقدیر الهی بر حاکمیت انبیاء و اوصیائش بر مردم بوده تا آنها به وسیله پیروی از بهترین روش زندگی که در همه ابعاد از طرف خداوند می‌گفته‌اند، به سعادت و رشد و کمال برسند. ولی همیشه شیطان توانسته از بُعد اختیار انسان استفاده کرده و او را در جهتی غیر از آن چه به نفعش است بکشانند و معلوم است که پیروی انسان از او و این سرکشی‌اش در برابر نمایندگان الهی در نهایت به ضرر خودش هم تمام شده است.^{۷۳}

یعنی با این روش شیاطین و ضعف انسان‌ها، انبیا و اوصیائشان موفق به اجرای آن چه خدا برای بشر تقدیر کرده بود نشدند.^{۷۴} به این صورت که هرچه آنها مطالب و

۷۴- آیه ۳۰ سوره مبارکه یاسین

۷۳- آیه ۲۳ سوره مبارکه یونس

دستورات سعادت بخش را به بشر می‌گفتند، شیاطین جنّی و انسی در مقابل آن انواع فعالیتها را برای خنثی کردن این تعلیمات به کار می‌گرفتند^{۷۵}. داستان هر یک از انبیاء در قرآن حکایت از همین موضوع دارد و خداوند برای این که مردم را متوجه ساحت مقدّس امام هر زمان بنماید، تا زودتر حکم غیرقابل تغییر الهی یعنی سراسری شدن حکومت دین بر جهان به وسیله انتخاب و اختیار انسان انجام شود، نقصی که مردم در مقابل نمایندگان الهی زمانشان داشتند را برایمان بازگو می‌کند تا درس عبرتی باشد و به این وسیله وظیفه خودمان را در مقابل آنها بشناسیم.

در مورد پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله چون ایشان آخرین فرستاده الهی بودند که باید همه فرامین و دستورات دین خدا را به صورت کامل برای بشریت می‌آوردند و زمینه را برای اجرای حکم الهی آماده می‌نمودند، هر چه به زمان تولّد ایشان نزدیک می‌شد، خداوند دایره فعالیت شیطان را تنگ‌تر می‌کرد به طوری که در روایات است که او قبل از میلاد حضرت عیسی علیه السلام قادر بود به اطراف آسمانهای هفت‌گانه بالا برود و فعالیتهای شیطانی خود را از جمله استراق سمع از اخبار جدیدی که توسط ملائکه حمل می‌شد، انجام دهد ولی بعد از تولّد ایشان محدوده فعالیتش تنگ‌تر گردید بطوری که از آسمان چهارم به بالاتر قادر به نفوذ نبود و بعد از میلاد حضرت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله ورود او را به آسمانهای چهارگانه هم مانع شدند یعنی از آن به بعد فعالیت او محدود به کره زمین گردید*.

۷۵- آیه ۱۱۲ سوره مبارکه انعام با توجه به تفسیر برهان جلد ۱ صفحه ۵۴۹
* مطالب بالا از تفسیر آیه ۱۸ سوره حجر «الا من استرق السمع فاتبعه شهاب مبین» در برهان جلد ۲ صفحه ۳۲۵ حدیث ۱ و بحار الانوار جلد ۱۵ صفحه ۲۵۷ حدیث ۹ «صفحه ۳۲۸ تا ۳۳۱ برداشت و خلاصه نویسی شده است.

خدای تعالی زمینه اجرای حکم قطعی و غیرقابل تغییر خود را با تولد ایشان آماده کرد و برای اینکه از شیطنت او بکاهد او و دیگر اعوانش را در محدوده کره زمین محصور نمود ولی در عین حال آنها از همان وقت جهت استراق سمع برای مطلع شدن از آغاز بعثت ایشان که در واقع شروعی برای انجام امر بزرگ الهی بود به اطراف همین کره رفت و آمد می کردند که البته با آنها مقابله هم می شد^{۷۶}. انبیاء گذشته مکرر بشارت‌هایی مبنی بر آمدن آخرین پیامبر خداوند داده و زمینه را برای ورود ایشان به این دنیا آماده کرده بودند. خدای تعالی هم مقارن تولد ایشان معجزاتی در عرصه گیتی انجام داد تا عظمت ایشان و کاری که توسط این آخرین پیامبرش قرار است انجام پذیرد را به جهانیان بفهماند^{*}. بعد از تولد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و تبلیغات بعد از بعثت ایشان و ناامیدی شیطان در جهت جلوگیری از این فعالیتها چون قرار بود امر مهم ایجاد حکومت سراسری توسط امامان و هادیان الهی که پس از پیامبر می آیند صورت پذیرد، این بار شیطان درصدد مقابله برای جلوگیری از اعلام ولایت امیرالمومنین علیه السلام که از طرف خداوند منصوب به این مقام بودند، برآمد. او برای این کار از قبل زمینه بعضی کارهای خراب کارانه اش را آماده نموده بود یعنی در طول عمر شریف پیامبر افراد منافقی که وجودشان پر از صفات رذیله بود و او امیداور بود توسط این افراد بتواند به هدفش برسد را مأمور اطراف پیامبر کرده بود و آنها از نظر ظاهری خود را آن چنان به ایشان نزدیک کرده بودند که برای

۷۶- بحارالانوار جلد ۶۳ حدیث ۲۰

* بحارالانوار جلد ۱۵ باب ۲- البشائر لمولده و نبوته من الانبیاء و الاوصیاء صلوات الله علیهم
از صفحه ۱۷۴ تا ۲۴۸

عده‌ای ظاهر بین این توهم پیش آمده بود که کسی به پیامبر از آنها نزدیک تر نیست و هر چند ایشان به مناسبت‌های مختلف از حضرت علی علیه السلام تعریف و تمجید می نمودند آنها در مقابل، اعمالی که از حقد و کینه وجودیشان سرچشمه می گرفت انجام می دادند. بالاخره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آخرین سفر حج خود با دستور پروردگار* ولایت امیرالمومنین علیه السلام را رسماً در حضور بیش از یکصد هزار نفر اعلام فرمود** . لحظات حساس اعلام ولایت امیرالمومنین علیه السلام به معنای شنیده شدن صدای پای مرگ برای شیاطین بود. به خصوص ابلیس آن قدر از این اعلام ناراحت بود که در تمام طول عمر طولانی اش به این اندازه مورد تشویش قرار نگرفته بود لذا در روایات است که برای چاره جوئی از چگونگی مبارزه با وضعی که پیش آمده و به این وسیله در چند قدمی مرگ قرار گرفته بود، با فریاد بسیار بلندی همه اعوان و طرفدارانش را جمع کرد و از آنها چاره جوئی خواست و در آن جلسه قرار بر این شد که به هر طریق ممکن اسلام را از مسیر ولایت امیرالمومنین علیه السلام منحرف نمایند و به صورت‌های مختلف سعی در عملی نشدن آن چه پیامبر از نصب حضرت علی علیه السلام به ولایت در نظر داشت، بنمایند تا بلکه از اجرای حکم قطعی پروردگار یعنی آماده شدن دنیا برای حکومت الهی و سراسری و در نهایت مرگ خودشان جلوگیری نمایند. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در خطبه غدیر بعد از همه تأکیداتی که درباره

* آیه ۶۷ سوره مبارکه مائده با تفسیر معصومین علیهم السلام: یا ایها الرسول بلغ ما أنزل الیک من ربک

** قال رسول الله صلی الله علیه و آله: من کنت مولاه فعلی مولاه - مسند احمد بن حنبل جزء اول صفحات ۸۴، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۵۲، ۳۳۰ - جزء چهارم صفحات ۲۸۱، ۳۴۷، ۳۵۰، ۳۵۸، ۳۶۱، ۳۶۶، ۳۷۰ و ۴۱۹.

امیرالمومنین علیه السلام که صراط مستقیم دین است نمودند، اطاعت و قبول ولایتشان را تأکید و یادآوری فرمودند و در مقابل خطر دشمنانی که به خاطر حماقت و نقص ایمانشان ممکن بود مورد اغوای شیاطین قرار بگیرند و مردم را از این صراط و راه راست منحرف کنند را نیز صراحتاً گوشزد فرمودند. حضرت در گوشه‌ای از سخنانشان چنین فرمودند: (ای مردم من همان صراط مستقیمی هستم که به شما فرمان داده شده که از آن اطاعت کنید و پس از من «حضرت» علی علیه السلام است بدانید که دشمنان «حضرت» علی علیه السلام اهل تفرقه و بازگشت به جاهلیت و در واقع برادران و همکاران شیاطین هستند که با وساوس او با یکدیگر در ارتباطند و کارشان فریب دادن افراد است. ۷۷) بعد از رحلت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله شیطان از ضعف ایمان عده‌ای کمال سوء استفاده را نمود و به بهانه جلوگیری از انحراف در دین، مردم را به دورکسانی که از قبل زمینه‌اش را آماده کرده بود کشانید. هوای نفس دشمنان اهل بیت در روزهای آخر عمر شریف پیامبر به وسیله شیاطین آن چنان تحریک شده بود که با وجود فرمان صریحی که به خروج از مدینه و لزوم همراهی با سپاه اسامه بن زید از طرف پیامبر صادر شده بود، تخلف نمودند و برای اجرای نقشه‌ای که سالها منتظر اجرایش بودند، به انتظار فوت ایشان در کنار بسترشان ایستادند. بعد از رحلت پیامبر وقتی عده‌ای از این افراد دورهم جمع شدند و زمینه بیعت را برای خود فراهم آوردند، اولین کسی که به سرعت به خود جنبید و موقعیت را برای منحرف کردن مردم از ولایت امیرالمومنین علیه السلام آماده دید، شیطان «ابلیس» بود لذا هنگامی که او در مسجد بر منبر بالا رفت، به شکل پیرمردی باوقار و

شخصیت به پیش آمده و اولین فرد بیعت کننده با او بود* و بعد از آن به خاطر انحرافی که در مسیر ولایت امیرالمومنین علیه السلام توانسته بود ایجاد نماید، توانست نفس راحتی بکشد.^{۷۸}

از این به بعد مهمترین مأموریت او این بود که مردم را به ادامه همین مقدار انحراف تحریک نماید چرا که می دانست هر چه جلوتر بروند، فاصله آنها از صراط مستقیم دین بیشتر و امکان بازگشتشان کمتر می شود. لذا در طول زندگی ۲۵۰ ساله ائمه اطهار علیهم السلام بسیار سعی نمود که مردم را از این سرچشمه حقایق و علوم دور نماید و به جای آن به هر طریق ممکن نزد افرادی که با فکر خود و از روی نفسانیت و القات شیاطین چیزی را حقیقت پنداشته اند، بفرستد تا درجه جهالت و حماقت و در نتیجه دوریشان از خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام بیشتر شود. به همین خاطر از همان صدر اسلام فرقه های متعددی پیدا شدند که هر یک درباره اعتقاداتی که در قرآن به صورت کلی بیان شده بود و قرار بود تفسیرش را اساتید و مفسرین الهی بیان نمایند تفصیلاتی که از افکار منحرفشان سرچشمه گرفته بود، ابراز می داشتند. این فرقه های مختلف و مذاهب متعدّد وجه مشترکشان این بود که هیچ کدام مطالب و اعتقاداتشان را از طرف خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام که باب علم پیامبر حساب می شدند^{۷۹}، دریافت نمی کردند. آنها آن چنان این مطالب انحرافی شان را با کمک شیاطین در اذهان مردم جا انداختند که کم کم جایی برای این باور که برای پی بردن

* بحارالانوار جلد ۲۸ صفحه ۲۶۱ حدیث ۴۵ به نقل از کتاب سلیم بن قیس و احتجاج طبرسی ۷۸- بحارالانوار جلد ۲۸ صفحه ۲۵۶ حدیث ۴۰ به نقل از فروع کافی جلد ۸ صفحه ۳۴۴. شبیه این حدیث در جلد ۳۷ صفحه ۱۶۴ حدیث ۴۱ و جلد ۶۳ صفحه ۲۵۶ حدیث ۱۲۵ نیز می باشد.
۷۹- سنن ترمزی - کتاب مناقب باب ۲۰

به همه حقایقی که قرآن سر بسته اعلام نموده باید نزد اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام رفت، باقی نماند. شیاطین جنّی و انسی با این کارشان عملاً فضیلت و ارزش فوق العاده معصومین علیهم السلام را منکر شدند*.

ظلمت جهانی

در زمان زندگی ظاهری ائمه اطهار علیهم السلام هر چه می گذشت دوری مردم از آن خاندان و حقایقی که باید مورد اعتقاد و عمل جهانیان قرار می گرفت، بیشتر می شد بطوری که آن اسلامی که در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مدّت کوتاهی توانست در شبه جزیره عربستان فراگیر شود و زمینه فتح شرق و غرب را نیز فراهم آورد، بعد از رحلت ایشان، نه تنها آن طور که معصومین می خواستند نشد «جهانی شدن اسلام و عدم اختلاف حتّی دو نفر درباره خداوند و قرار گرفتن همه در صراط مستقیم دین» بلکه در درون همین دینی که از زمان پیامبر منادی وحدت بود، مردم به بیش از هفتاد فرقه مذهبی تقسیم شدند.

شیطان با ترفندهائی که به کمک همه اعوان و انصار جنّی و انسی اش به کار گرفت چنان اختیار انسانهای جاهل را بدست گرفت که آنچه خدا برای انسانها تقدیر کرده بود، انجام نشد. در حالی که انسان می توانست به آنچه از طرف شیطان به او القا می شود بی اعتنایی کند و بهترین نوع زندگی معنوی که پروردگار برایش خواسته را با

* حضرت ولی عصر ارواحنا فداه به اقامیرزا مهدی اصفهانی فهماندند: طلب المعارف من غیر طریقنا اهل البیت مساوی لانکارنا

پذیرفتن ولایت امیرالمومنین و دیگر معصومین علیهم السلام انتخاب نماید.
او می‌توانست راه ساده رسیدن به حقایق را با رفتن به درب خانه اهل بیت برود
و خود را به ظلمت غیبت و تاریکی جهل نیندازد.
انسان می‌توانست این نور الهی که برای هدایت انسانیت در پیامبر اکرم قرار
گرفته بود و سپس در امیرالمومنین و نسل او تا آخرینشان ادامه دارد را قدر بداند و
خود اقدام به خاموش کردن آن نکند.
شیطان به منحرف کردن مردم از صراط مستقیم اکتفا نکرد بلکه با تحریک
نفسانیت جاه‌طلبان و افرادی که به جای معصومین نشانده بود و تقویت وسوسه
امکان قیام و از بین رفتن قدرتش از طرف آنها، وجود مقدس یک‌یک آنها را
مسموم و مقتول نمود چون وجود آنها هرچند هم در محلی که خداوند خواسته
قرار نگیرند برای او خطرناک بود لذا شیطان قصد نابودکردن و از بین‌کردن ریشه
درخت طیبه رسالت را داشت.

غیبت امام زمان چاره مکر شیطان

او و انصار و اعوان انسی اش هر چه مکر و حيله برای این هدف به فکر
ناقصشان رسید انجام دادند ولی غافل از آن بودند که آن نور الهی هرچند در مقطعی
از نظر ظاهری خاموش شود ولی بالاخره دنیا را روشن خواهد کرد و آنها نمی‌توانند
خورشید ولایت را با ترفندهای سستی که در مثل همانند خاموش کردن نور

خورشید با باد دهان است از بین ببرند^{۸۰}. آری بعد از به شهادت رسیدن حضرت امام حسن عسکری علیه السلام خدای تعالی آخرین حجّتش را از دسترس مردم آن طور که بقیّه ائمه در اختیار مردم بودند دور نگه داشت و با این کار خطری که شیطان و اعوانش را تهدید می کرد، با زمان زندگی ظاهری ائمه فرقی نکرد و حتی به یک معنا بیشتر شد چرا که ائمه قبل از میان مردم زندگی می کردند و او می توانست با تحریکاتی مردم را از درب خانه آنها به طرف اقطاب صوفیه و مسلک های ساختگی و غیراسلامی بکشاند و در نهایت وجود مقدّس آنها را به وسیله دستهای انسی اش از بین ببرد ولی در زمان غیبت، مردم نمی توانند با اراده خود به خدمت امام بروند و امکان به قتل رساندن امام نیست و کار به جایی رسیده که هر لحظه ممکن است حکم قطعی و غیرقابل تغییر پروردگار یعنی ظهور اجرا شود. بخصوص اگر مردم توقع و انتظار آمدنش را در خود ایجاد نمایند یعنی بفهمند که نباید مورد اغوا و تحریکات شیاطین جنّی و انسی قرار گیرند.

۸۰- آیه ۸ سوره مبارکه صف با تفسیر ائمه در برهان جلد ۴ صفحه ۳۲۹

تا ظهور کمتر از یک قدم

پیامبر اکرم و معصومین علیهم السلام هر یک برای این که مردم را برای این جهت یعنی ایجاد فرج و گشایشی که به نفع خودشان است و خدا اصلاً آنها را برای آن زندگی آفریده، آماده نمایند در روایاتی مژده فرج و گشایش در امور زندگیشان را داده‌اند به این صورت که اگر مردم در آن زمان متوجه این بشوند که باید به طرف امام که نماینده خدا است، بروند و به دنبال تحریکات شیاطین جنی و انسی که بر علیه و ضررشان است نروند، خداوند هم همان گشایشی را که قرار بود از زمان بعد از پیامبر اکرم و جانشینی امیرالمومنین علیه السلام عملی شود را شروع نماید*. لذا ائمه اطهار علیهم السلام در بسیاری از روایات برای این که مردم را بیشتر به یاد آن حضرت بیاندازند تا آنها همیشه ایشان را مدنظر داشته باشند، مسئله فرج و ظهور آن حضرت را ناگهانی و بدون مقدمه معرفی کرده‌اند***.

معصومین علیهم السلام در زمان زندگیشان شیعیان و افرادی را که تحت تربیتشان بودند و از تأثیر القآت سوء شیاطین جنی و انسی فاصله داشتند آن چنان آماده فرج و گشایشی که خدا برای مردم همیشه می‌خواسته کرده بودند که بسیار اتفاق می‌افتاد که شیعیانی با حالت نگرانی و دلواپسی خدمت امام می‌آمدند و از زمان فرج و ظهور و گشایشی که باید در امور مردم دنیا انجام شود می‌پرسیدند و گاه حالت بی‌تابانه‌ای داشتند لذا امام علیه السلام از این که مردم چیزی که وقتش نرسیده را

* روایات و توضیح در بخش اول - تهدید به رو آوردن سختی‌ها... صفحه ۱۸ به بعد آمده است
 ** علائم حتمیه‌ای که در روایات گفته شده اگر خداوند بخواهد که انجام شود، مقدمه ظهور نیستند چون مقارن و یا بعد از ظهورند لذا وقتی آنها ظاهر شد در واقع آغاز ظهور است.

بخواهند و در این تقاضا عجله کنند منع می کردند و می فرمودند حالا که امام در غیبت نیست ولی وقتی امام از نزد شما غائب شد صبح و عصر (هر لحظه) منتظر ظهورش باشید^{۸۱}. به همین خاطر در بعضی روایات ناگهانی بودن ظهور را به پدیدار شدن شهاب سنگ هائی که ناگهانی در آسمان دیده می شوند، تشبیه کرده اند. این که امام غائب است به خاطر عملکرد دشمنان اهل بیت و حفظ جان حضرت بقیه الله ارواحنا فداه است و این غیبت نباید باعث فراموش کردن آخرین حجّت الهی شود که این فراموشی به نفع شیاطین جنّی و انسی است لذا معصومین همانند قرآن ظهور حضرت را مشروط به هیچ شرطی نکرده اند و اگر در روایاتی خبر از ملاحم و فتنه های زمان غیبت «آخر الزمان» داده اند، در واقع وعیدهایی بوده که برای ترساندن و بیدار کردن مردم فرموده اند تا به وسیله ترسیدن از وضعی که ممکن است پیش آید به طرف ائمه اطهار بروند و نجات را بخواهند تا آن چه را که از آن می ترسند پیش نیاید. همانند پدر مهربانی که در نصیحت به فرزندش می گوید اگر چنین که می گویم نکنی فلان سختی که نتیجه طبیعی عمل تو است برایت پیش می آید و پیشگوئی هائی معصومین درباره این فتنه ها با وجود اطاعت نکردن مردم از امام از این قبیل و طبیعی بوده نه این که بگوئیم همه آنها باید انجام شود. چه بسا اگر مردم بعد از امام حسن عسکری علیه السلام متوجه امام زمان علیه السلام می شدند و آمادگی کامل داشتند، غیبت پیش نمی آمد و اگر بعد از غیبتی که پیش آمد آن طور که دستور ائمه قبلی بود هر لحظه چشم به راه و آماده و مشتاق ظهور حضرتش می بودند، هیچ

۸۱- نمونه این روایات در کمال الدین جلد ۲ صفحه ۳۸۰ حدیث ۲ و صفحه ۳۳۹ حدیث ۱۷ می باشد

کدام از آن سختی‌ها و فتنه‌هایی که بعضی از آنها بارها انجام شده صورت نمی‌پذیرفت و فرج آن حضرت می‌رسید. پس باید گفت با توجه به انتظار خداوند برای ظهور در صورت آماده بودن واقعی مردم، تنها مانع قدیمی فرج یعنی مانعی که از آغاز امامت حضرت حجة بن الحسن علیه السلام تا کنون پابرجا مانده، آماده نبودن مردم و عدم درخواست قلبی و واقعی عموم شیعیان و بی توجهی به غیبت امام زمانشان بوده است. و اگر همین غبار غفلت از روی محبت قلبی شیعیان امام عصر علیه السلام برداشته شود و یک پارچه و یک دل ظهور حضرتش را از خداوند بخواهند، همانطور که خدا و معصومین علیهم السلام فرموده‌اند، بدون شک این فاصله کمتر از یک قدم از بین می‌رود.

حقیقتی غیر قابل انکار

یکی از دوستان مورد اعتمادم درباره فردی از دل سوختگان حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا فداء نقل می کرد که او از سالها قبل همیشه نسبت به بی توجهی مردم به غیبت امام زمان محزون و ناراحت بود و همانطور که خدا و معصومین علیهم السلام توقع دارند مواظبت در انجام واجبات و ترک محرمات کرده و بسیار برای فرج حضرتش دعا می کرد و خلاصه آنچه فکر می کرد ممکن است از طرف او مانعی برای ظهور باشد را از بین برده بود.

دوستم از قول او نقل می کرد: در یکی از اوقاتی که در سال ۱۳۶۷ برای دعا و به زعم خودم برای پیدا کردن حضرت ولی عصر ارواحنا فداء از مشهد حرکت کرده و به اطراف شهر رفته بودم در یکی از نقاط اطراف شهر، وقتی مشغول دعا و راز و نیاز شده و در حال خاصی قرار گرفته بودم، در حالتی که بعداً شک کردم حضوراً بود و یا در مکاشفه، دیدم حضرت با عده ای به آن محل تشریف آوردند. من که جلو ایستاده بودم دست ایشان را بوسیدم و سؤال کردم آقا چرا تشریف نمی آورید؟ «منظورم ظهور بود» آقا فرمودند (چون مردم مرا نمی خواهند و برای فرج من دعا نمی کنند خداوند به من اذن قیام نمی دهد) من عرض کردم آقا من شنیده ام که در آخر خود شما دست به دعا بر میدارید و آیه امن یجیب المضطر اذا دعا و یکشف السوء را تلاوت می فرمایید تا خداوند اذن قیام شما را صادر می فرماید.

فرمودند: (این مسئله درست است اما اینکه من دعا کنم تا خدا

مرا به مردمی بدهد که مرا نمی خواهند دعای بیهوده ای است و من این دعا را

نمی‌کنم هر وقت که مردم مرا خواستند و برای فرج من دعا کردند من هم دست به دعا بر میدارم تا خدا به دعای من اذن قیام مرا عنایت بفرماید.)

وحشت شیطان از توجه مردم به مهربانی امام‌زمان به خاطر جلوگیری از رسیدن وقت معلوم است.

شیطان و اعوانش که می‌خواستند از ضعف مردم در اعتقادات نهایت استفاده را ببرند و این ناتوانی مردم در فراگیری حقایق ارائه شده از طرف اهل بیت زمینه مناسبی برای تحریکاتشان بود، برای این که تمرکز فکری مردم را که باید به امام‌زمان باشد به غیر او معطوف کنند به چند حيله متوسل شدند.

اول باوجود این که خدای تعالی در قرآن و معصومین در روایات حالت انتظارشان را از زمان اجرای حکم قطعی خداوند یعنی ظهور بیان کرده و آن را ناگهانی اعلام کرده بودند، در همه دوران غیبت کبری، آمدنشان را دور و وجودشان را اسطوره‌ای و ظهور آن حضرت را مشروط به اجرای مقدمات و علائم زیادی دانستند و درباره این مقدمات این چنین القاء کردند که هنوز هیچ‌کدام یا بعضی‌اش انجام نشده به طوری که اکنون می‌بینیم این القاءات مسموم آن‌چنان اثر کرده که عموم مردم دغدغه ظهور آن حضرت را که مورد خواست خدا و ائمه است، ندارند و حتی چنین تبلیغ می‌کنند که حالا حالاها کار دارد و معلوم نیست ظهور بشود.

القاء غلط دیگری که شیاطین درباره آن حضرت به اعتقادات مردم وارد کرده‌اند این است که معنای بعضی روایاتی که درباره ظهور است را تغییر داده‌اند مثلاً از

روایاتی که آن حضرت را فردی معرفی می‌کند که بیعت هیچ کس به عهده‌اش نیست و تقیّه نمی‌کنند و کسانی را که بخواهند بعد از ظهور مانع اجرای حکم قطعی پروردگار یعنی سراسری شدن حکومت دین و عدالت در جهان شوند، از بین می‌برند را عمومیت داده و چنین معنا کرده‌اند که آن حضرت همه افراد گنهکار را از دم تیغ می‌گذرانند. در حالی که از نوع ظهورشان مشخص است که از فرط مهربانی نسبت به مردم مایلند افراد کمتری کشته شوند و حاضر نیستند کوچکترین ظلمی به بندگان خداوند شود. ایشان بهتر از همه می‌دانند که تا وقتی احکام و دستورات حقیقی اسلام به مردم ارائه نشده و تعلیم داده نشود، پرسش و توبیخ از آن کار درستی نیست. از این که در بعضی روایات خود ائمه آن حضرت را آورنده مطالبی که در آن زمان برای مردم جدید است معرفی می‌کنند، معلوم است که آن چه اصل اسلام است و باید مردم بدانند تا آن موقع به خاطر غیبت ایشان به مردم نرسیده و آن حضرت مطالبی می‌آورد که از نظر عده‌ای از مردم نو و جدید است یعنی آن مطالب مطابق آن چه عموم مردم و مسلمین طبق سلیقه خود یا القاء شیاطین تشخیص داده و به آن خو گرفته‌اند، نیست^{۸۲}. در یکی از زیارت‌های آن حضرت به ایشان چنین خطاب می‌کنیم سلام بر حقی که جدید است یعنی آن چه می‌گوید و عمل می‌کند حق است ولی برای عموم تازگی دارد* . در یک کلاس درس اگر معلم مطالب کتاب را خود تدریس نکند و مدّتی سر کلاس نباشد معلوم است که وقتی بیاید از مطالب تدریس نشده امتحان نگرفته و در این جهت بر آن‌ها سخت نمی‌گیرد

۸۲- از جمله در بحار الانوار جلد ۵۲ صفحات ۳۴۹ و ۳۵۴
* کلمة الامام المهدي صفحة ۴۸۶ زیارت چهارم صاحب الامر علیه السلام

تا چه رسد به مهربان‌ترین استاد و معلم انسانیت که خدای تعالی در حدیث لوح دربارهٔ ایشان می‌فرماید سپس دینم را به وسیلهٔ فرزند امام حسن عسکری که **رحمة للعالمین** است تکمیل خواهم کرد^{۸۳}. آن حضرت با این که علم اوّلین و آخرین از جمله تهیّه سلاحهای پیشرفته را دارند ولی حاضر نیستند حتی یک طپانچه در دست بگیرند چرا که برای کشتن فردی که ممکن است مانع ظهور شود افراد دیگر از شنیدن صدای آن اذیت نشوند و فقط به گرفتن شمشیر که غیرمتداول‌ترین سلاح روز است در دست، اکتفا می‌کنند که آن هم برای ایجاد رعب در دل کسانی است که ممکن است در آن زمان تصمیم بگیرند مانع ظهور شوند. چون آن موقع لحظات بسیار مهمی است در آن وقت دیگر مرگ شیطان حتمی است و معلوم است که شدیدترین نوع مقابله و تحریکات را بر علیه آن حضرت به کار خواهد گرفت و کوچکترین لحظه‌ای را برای منحرف کردن مردم از امام زمان علیه السلام از دست نخواهد داد. در روایت است که شیطان حتی در آن لحظات دست از خباثت خودش برنمی‌دارد و سعی می‌کند مردم را به جای توجه به امام زمان به سفیانی که یکی از عوامل خبیث شیطنت آن زمان است متوجه سازد^{۸۴} تا بلکه بتواند در آخرین فرصتی که دارد در آغاز ظهور انحراف ایجاد نماید در حالی که آن حضرت وحشتی در دل معاندین و کسانی که اعوان شیطان به حساب می‌آیند، ایجاد می‌کند که آنها هیچ عملی در این باره نمی‌توانند انجام دهند و معنای منصورٌ بالرعب همین است و این فرق می‌کند با این که بگوئیم حضرت تشریف می‌آورند و همه را از دم تیغ می‌گذرانند. اگر بخواهند همه را از بین ببرند، لزومی ندارد ایجاد ترس و وحشت

۸۳- کمال‌الدین جلد ۱ صفحه ۳۱۰

۸۴- بحارالانوار جلد ۵۳ صفحه ۸

نمایند اگر بنا باشد همه گنهکاران کشته شوند بدون ایجاد وحشت هم می شود با مدرن ترین وسایلی که علمش نزد آن حضرت است بدون هیچ درگیری همه را کشت در حالی که نباید چنین شود اگر بنا باشد همه مردمی که نتوانسته اند حقایق اسلام را خوب فراگیرند و خود را گنهکار می دانند، کشته شوند معلوم نیست کسی باقی بماند تا آن حضرت بر او حکومت نمایند. همان طور که گفته شد در خود کلمه منصور بالربع همین معنا نهفته است که ایشان به خاطر مهربانی و محبتی که به بندگان ضعیف الایمان دارند به خاطر اینکه آنها به دلیل نادانی شان کاری بر علیه حضرت نکنند که ایشان مجبور به کشتن شان شوند، ابتدا به وسیله ایجاد رعب آنها را سزجایشان می نشانند تا وقتی دروس حیات بخش و جذآبشان شروع شد، وقتی خودشان تغذیه روحی شدند دیگر کاری بر علیه حضرتش انجام نخواهند داد در حالی که زنده هم مانده اند.

حضرت ولی عصر ارواحنا فداه فرزند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که در جریان فتح مکه با این که قبلاً به آن حضرت توهین ها نموده و جنگ هایی بوجود آورده بودند که بهترین یاران پیامبر از جمله حضرت حمزه به شهادت رسیده بود، ولی در عین حال وقتی وارد مکه شدند و یکی از اصحابشان فریاد می زد امروز روز انتقام است و خیلی ها همین انتظار را داشتند پیامبر از اعلام چنین مطلبی ناراحت شدند و دستور دادند فریاد بزنند امروز روز رحمت و بخشش است من همه را بخشیدم. نقل کرده اند بعضی از مردم که با آن اعلام قبلی وحشت زده در خانه ها پنهان شده بودند با این اعلام دسته دسته به گرد پیامبر که **رحمة للعالمین** بودند، جمع شدند و می گریستند و مسلمان می شدند. خدای تعالی پیامبر را فردی که بر او سخت است

ناراحتی مسلمین را ببیند و برای هدایت آنها حریص است ذکر می فرماید* چطور ممکن است فرزند ایشان که مثل خودشان رحمة للعالمین است این طور نباشد؟ در مهربانی حضرت ولی عصر ارواحنا فداه همین بس که می فرمایند:

ما در رعایت حال شما کوتاهی نمی کنیم و شما را از یاد نمی بریم^{۸۵}

یعنی همیشه به فکر شما هستیم و شما را مد نظر داریم باید پرسید کدام یک از ما همیشه به یاد آن حضرت هستیم و ایشان را از یاد نبرده ایم؟ آیا سعی کرده ایم کارهایمان را مطابق خواست ایشان انجام دهیم؟ مرحوم علامه مجلسی از ملحقات کتاب انیس العابدین و علامه نوری در نجم الثاقب نقل می کنند سید بن طاووس رحمة الله علیه می فرماید در سحرگاهی در سرداب مقدس این مناجات را از حضرت صاحب الزمان شنیدم که درباره شیعیان این چنین دعا می فرمود:

(خدایا شیعیان ما از شعاع نور ما و بقیه طینت ما خلق شده اند و براستی آنها گناهان زیادی به اتکا بر محبت ما و ولایت ما کرده اند اگر آن گناهان در ارتباط با تو است «حق الله» از آنها درگذر که در این صورت ما را راضی کرده ای و اگر آن معاصی در ارتباط با خودشان «حق الناس» است خودت بین آنها را اصلاح کن و از خمسی که حق ما است به آنها بده تا راضی شوند و آنها را از آتش جهنم نجات بده و آنها را با دشمنان ما در غضب خود جمع مفرما^{۸۶}).

هر چه ما از این طرف کوتاهی می کنیم ایشان با بزرگواری و مهربانی

* آیه ۱۲۸ سوره توبه - لقد جائکم رسول من انفسکم عزیز علیہ ما عنتم حریص علیکم بالمومنین رثوف رحیم

۸۵- کلمه الامام المهدي صفحة ۱۵۳ قسمتی از نامه به شیخ مفید

۸۶- متن عربی در پاورقی هاست.

فوق العاده‌شان برایمان دعا می‌کنند و دعاهايمان را اجابت می‌فرمایند.
 حضرت بقية الله ارواحنا فداء حجّت خداوند بر ماسوی الله و مأمور تشکیل حکومت جهانی در سراسر کره زمین هستند و جامع جمیع علوم می‌که خدا به مخلوقش می‌خواسته بدهد، هستند یعنی شأن و مقام آن حضرت بالاتر از این است که بخواهند گم شده بیابان را هدایت کنند یا مریض بدنی را شفا بدهند و این کارها را افرادی در حد افراد معمولی از انسانها هم معمولاً قادر است انجام دهد ولی از فرط مهربانی و علاقه‌ای که به همه مردم بخصوص شیعیان و محبّین خود دارند، وقتی کسی با حالت اضطرار و بیچارگی آن حضرت را از روی ایمان به وجود مقدسش بخواند، حضرت جوابش را می‌دهند و به او محبت می‌نمایند. صاحب کتاب ملاقات با امام زمان علیه السلام داستان زیر را از کتاب نجم الثاقب حاجی نوری به نقل از زبان شیخ علی رشتی رحمة الله علیه چنین می‌نویسند:

(یک زمانی از زیارت حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام از راه آب فرات به طرف نجف برمی‌گشتم در کشتی کوچکی که بین کربلا و طویرج با مسافر می‌رفت نشستم. مسافرین آن کشتی همه اهل حله بودند و همه مشغول لهو و لعب و مزاح و خنده بودند فقط یک نفر در میان آنها خیلی باوقار و سنگین نشسته بود و با آنها در مزاح و لهو و لعب مشغول نمی‌شد و گاهی آن جمعیت با او در مذهبش سر بسر می‌گذاشتند و به او طعن می‌زدند و او را اذیت می‌کردند و در عین حال در غذا و طعام با او شریک و هم خرج بودند من زیاد تعجب می‌کردم ولی در کشتی نمی‌توانستم از او

چیزی سئوال کنم بالاخره به جایی رسیدیم که عمق آب کم بود و چون کشتی سنگین بود و ممکن بود به گل بنشیند ما را از کشتی پیاده کردند. در کنار نهر فرات راه می‌رفتیم من از آن مرد باوقار پرسیدم چرا شما با آنها اینطورید و آنها شما را اینطور اذیت می‌کنند؟ او گفت اینها اقوام من اند اینها همه سنی‌اند پدرم هم سنی بود ولی مادرم شیعه بود و من خودم هم سنی بودم ولی به برکت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه به مذهب تشیع مشرف شدم گفتم شما چطور شیعه شدید؟ گفت اسم من یاقوت و شغلم روغن فروشی در کنار جسر حله بود چند سال قبل برای خریدن روغن از حله با جمعی به قراء و چادر نشینان اطراف حله رفتم تا آنکه چند منزل از حله دور شدم بالاخره آنچه خواستم خریدم و با جمعی از اهل حله برگشتم در یکی از منازل که استراحت کرده بودم من به خواب رفته بودم وقتی بیدار شدم دیدم رفقا رفته‌اند و من تنها در بیابان مانده‌ام و اتفاقاً راه ما تا حله راه بی‌آب و علفی بود و درندگان زیادی هم داشت و آبادی هم در آن نزدیکی نبود به هر حال من برخاستم و آنچه داشتم بر مرکبم بار کردم و عقب سر آنها رفتم ولی راه را گم کردم و در بیابان متحیر ماندم و کم‌کم از درندگان و تشنگی که ممکن بود به سراغم بیاید فوق‌العاده به وحشت افتادم. به اولیاء خدا که آنروز به آنها معتقد بودم مثل ابابکر و عمر و عثمان و معاویه و غیر هم متوسل شدم و استغاثه کردم ولی خبری

نشد یادم آمد که مادرم به من می گفت که ما امام زمانی داریم که
 زنده است و هر وقت کار بر ما مشکل می شود و یا راه را گم می کنیم
 او به فریادمان می رسد و کتیه اش ابصالح است. من با خدای تعالی
 عهد بستم که اگر او مرا از این گمراهی نجات بدهد به دین مادرم
 که مذهب شیعه است مشرف می گردم بالاخره به آن حضرت
 استغاثه کردم و فریاد می زدم که یا ابصالح ادرکنی ناگهان دیدم
 یک نفر کنار من راه می رود و بر سرش عمامه سبزی مانند
 اینها (اشاره کرد به علفهائی که کنار نهر روئیده بود) است و راه را به
 من نشان می دهد و می گوید به دین مادرت مشرف شو و فرمود
 الآن به قریه ای می رسی که اهل آنجا همه شیعه اند. گفتم: ای آقای
 من با من نمی آیی تا مرا به این قریه برسانی فرمود: نه زیرا در اطراف
 دنیا هزارها نفر به من استغاثه می کنند و من باید به فریادشان برسم و
 آنها را نجات بدهم و فوراً از نظرم غائب شد. چند قدمی که رفتم به
 آن قریه رسیدم با آنکه بقدری مسافت تا آنجا زیاد بود که رفقایم
 روز بعد به آنجا رسیدند وقتی به حله رسیدم رفتم نزد سید فقها
 سید مهدی قزوینی ساکن حله و قضیه ام را برای او نقل کردم و شیعه
 شدم و معارف تشیع را از او یاد گرفتم و سپس از او سؤال کردم که
 من چه کنم یک مرتبه دیگر هم خدمت حضرت ولی عصر ارواحنا
 فداه برسم و آن حضرت را ملاقات کنم فرمود چهل شب جمعه به
 کربلا برو و امام حسین علیه السلام را زیارت کن من اینکار را مشغول

شدم و هر شب جمعه از حله به کربلا می‌رفتم تا آنکه شب جمعه آخر بود تصادفاً دیدم مأمورین برای ورود به شهر کربلا جواز می‌خواهند و آنها این دفعه سخت گرفته‌اند و من هم نه جواز و تذکره داشتم و نه پولی داشتم که آن را تهیه کنم، متحیر بودم مردم صف کشیده بودند و جنبالی بود هر چه کردم از یک راهی مخفیانه وارد شهر شوم ممکن نشد در این موقع از دور حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام را در لباس اهل علم ایرانی که عمامه سفیدی بر سر داشت داخل شهر کربلا دیدم من پشت دروازه بودم، به او استغاثه کردم. از دروازه خارج شد و نزد من تشریف آورد و دست مرا گرفت و داخل دروازه کرد مثل آنکه مرا کسی ندید وقتی داخل شدم و قصد داشتم با او مصاحبت کنم او ناگهان غائب شد و دیگر او را ندیدم*).

ما در زندگی خود را از آن حضرت جدا کرده‌ایم و نه تنها از ایشان آنچه برای شفا و رشد روحمان لازم است نمی‌خواهیم بلکه در امور دنیوی هم تا از همه جا رانده نشویم بیاد ایشان نمی‌افتیم در حالی که ایشان ما را هیچوقت فراموش نمی‌کنند. اگر خودمان را مانند فردی که دستش را از امام‌زمانش جدا کرده و به این خاطر به هر راه غیرصوابی کشیده شده و از راه حق گم شده بدانیم، فریاد الغوث برمی‌آوریم تا بوسیله ظهور یا مداوای خصوصی امراض روحی که از بدترین سرطانه‌های بدنی کشنده‌تر است مداوا شود. ما خود هیچگاه این طبیعی که همیشه

* - ملاقات با امام‌زمان علیه السلام جلد اول سرگذشت پنجاه و سوم صفحه ۱۷۳

منتظر است تا از او دواى روحمان را بخواهيم نخواستۀ مايم. در مهربانى ايشان همين بس كه بيش از يک هزار و يكصد و شصت و چهار سال است حاضرند به صورت ناشناس در ميان مردم زندگى كنند ولى حاضر نيستند بدون آمادگى مردم با كشتن افراد حكومت خود را ايجاد نمايند. چقدر جاى تأسف است كه تبليغات سوء شيطان در افراد ضعيف الايمان آنچنان مؤثر واقع شده كه بعضى از به ظاهر ديندارها و مجلس گردانها وقتى در مقابلشان اسم امام زمان عليه السلام را مى برند و درباره ظهورشان حرف مى زنند، دستشان را شبیه به شمشير به گردنشان مى كشند و مى گویند اگر امام زمان بيايد اول سر من و تو را مى زند برو دعا كن آقا نيايد و با همين تهمتها و ايجاد وحشتها مردم را نسبت به امام زمان عليه السلام كه امروز مهربانترين افراد به هر كس در اين دنيا هستند وحشتزده نموده اند بطورى كه عده اى سست ايمان و بى اطلاع ترجيح مى دهند اصلاً درباره ايشان فكر و صحبت نکنند چون مى ترسند و از نظر روانى ثابت شده كه وقتى انسان از چيزى ترسيد آن را به فراموشى مى سپارد. نويسنده كتاب راهى بسوى نور از قول فردى نقل کرده اند.

(روزي با يکى از افراد كه به صورت ظاهر چهره مقدس ما بانه داشت درباره ظهور امام زمان عليه السلام صحبت مى كرديم از جمله به ايشان گفتم ما بايد مردم را به ياد امام زمان عليه السلام بيندازيم و براى فرج آن حضرت دعا كنيم. او دست خود را روى گلويش نهاد و گفت امام زمان بيايد و سر ما را بزند؟ «العياذ بالله» من خيلى دل شكسته شدم و بغض گلويم را گرفت و با حالت گريه به منزل رفتم و در مظلوميت امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشريف اشك

زیادی ریختم و حتی غذا هم نتوانستم بخورم تا آنکه تقریباً بین خواب و بیداری حضرت ولی عصر ارواحنا فداه را در حالی که محزون بودند دیدم، در همان حال آن حضرت سه مرتبه دربارهٔ جمله‌ای که آن شخص گفته بود که آقا بیاید و سر ما را بزند» فرمود: «تهمت می‌زنند، تهمت می‌زنند، تهمت می‌زنند»^{*}

توجه به ائمه قبلی توجیه بی اعتنائی به امام زمان علیه السلام

به یکی از افرادی که خیلی انتظار داشتم بخاطر موقعیتی که داشت در مجالسش درباره آن حضرت صحبت کند گفتم آیا درباره امام زمان علیه السلام هم حرف می زنی و تبلیغشان را می کنی؟ گفت می خواهی چنین و چنان شود (مطلبی گفت که من نقل نمی کنم) می خواهی به من فلان را بگویند مجلس مجلس اباعبدالله است من هم وقتی درباره امام حسین علیه السلام حرف بزنم مثل اینکه درباره امام زمان حرف زده ام گفتم افرادی که در زمان امام حسین علیه السلام بوده اند در آن لحظات حساس رفتن حضرت به طرف کوفه و کربلا اگر فردی که تبلیغش اثر داشته درباره آن حضرت حرفی نمی زد و به سخنرانی درباره مثلاً امیرالمومنین اکتفا می کرد و علتش را این ذکر می کرد که با تبلیغات بدی که یزید کرده و آن حضرت را خارجی معرفی کرده است اگر من تبلیغ ایشان را بکنم به من فلان می گویند پس من که اهل ولایتم و درباره امیرالمومنین علیه السلام حرف می زنم و در این صورت مثل این است که درباره امام حسین حرف زده ام آیا درست بود؟ تبلیغ درباره معصومین قبلی بسیار بجاست ولی آنچه امروز فوق العاده اهمیت دارد و در این صحرای کربلای امروز دنیا باید تمام تمرکز تبلیغات متوجه این موضوع شود این که مردم نسبت به تأخیر بیش از ۱۱۰۰ ساله ظهور امام زمان علیه السلام بیدار شوند و آن را عادی تلقی نکنند و بدانند در این صحرا دوستداران حضرت که شیعیان هستند در یک طرف و شیاطین جنی و انسی طرف دیگر ایستاده اند و دشمن تمام توان تبلیغاتی خود را بر علیه آنها به کار گرفته و حساسترین نقطه مرکزی این فرماندهی که حجة بن الحسن العسکری است

را نشانه رفته است و متأسفانه در این میان بسیاری از سربازان «شیعیان» اصلاً متوجه این جنگ و جهاد نیستند در حالی که به خاطر غفلت از موضعگیری درست، مورد هدف تیر مسموم آنها نیز قرار گرفته‌اند از آثار مسمومیت تیر شیاطین فراموش کردن امام‌زمان و مشغول شدن به اموری است که مورد رضای آن حضرت نیست یکی از واجباتی که برعهده کسانی است که مستقیماً از نعمات آن حضرت استفاده می‌کنند این که در هر مجلس بیشتر از همه درباره آماده کردن مردم نسبت به ظهور عقب افتاده آن حضرت صحبت کنند. روزی یکی از همین افرادی که تحت تأثیر تبلیغات دشمنان اهل بیت قرار گرفته بود وقتی یکی از روحانیونی که مقید بود در هر مجلس از فضائل و الطاف و ظهور حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا فداه سخن بگوید را دیده بود که درباره امام‌زمان علیه السلام خیلی حرف می‌زند به او اعتراض کرد و گفت ما ائمه دیگر هم داریم اینقدر از امام‌زمان علیه السلام حرف نزن او در جواب گفته بود ما فقط یک امام‌زمان داریم که ائمه قبلی با اینکه زمان زندگی او نرسیده بود بسیار درباره اش صحبت کرده‌اند و از آنموقع سفارش او را به شیعیان زمانش نموده‌اند تا از او غفلت نکنند. ائمه اطهار آنقدر که درباره امام‌زمان ما سفارش نموده‌اند درباره هر یک از خودشان آنقدر نفرموده‌اند و مختصری از آنچه معصومین درباره امام‌زمان فرموده‌اند را مرحوم شیخ صدوق در کتاب کمال‌الدین و اتمام النعمه برگزیده که ما شمه‌ای از آن را در این کتاب آوردیم. ما چطور می‌توانیم ادعا کنیم امام‌حسینی هستیم در حالیکه خود آن حضرت می‌فرماید اگر من زمانش را درک می‌کردم ایام عمرم را خدمتگزارش بودم* اگر مردم نسبت به امام‌زمان خودشان در دوره‌های

* از امام‌صادق نیز همین مطلب نقل شده است که لو ادرکته لخدمته ایام حیوتی، بحارالانوار

گذشته معرفت می داشتند و به وظیفه خودشان در مقابل آنها عمل می کردند، وضع به اینجا کشیده نمی شد اکنون هم شیاطین می خواهند با منحرف کردن مردم از توجه به تأخیر ظهور، آن حکم قطعی و غیرقابل تبدیل و تغییر الهی را هر چه بیشتر به عقب بیندازند و تاکنون هم موفق بوده اند. اگر موقعیتی که در آن هستیم را درک کنیم تصمیم می گیریم که فقط از امام زمان علیه السلام حرف بزنیم حتی اگر روضه سیدالشهداء خوانده می شود باید آنچه مردم آن زمان نسبت به امام زمان خود عمل کردند را بصورت عبرت در پایان روضه گفت که یا صاحب الزمان ما اینطور نیستیم که نسبت به شما بی اعتنا باشیم و شما را دعوت کنیم «ادعای ولایت شما را کنیم» ولی کاری که شما در خیلی از نامه ها و توقیعات از مردم خواسته اید و آن آماده شدن برای ظهور و دعا برای آن که مثل یاری امام حسین علیه السلام در مقابل لشکر یزید است را انجام ندهیم. یکی از ترندهائی که شیطان و اعوان جنی و انسی اش برای جلوگیری از توجه مردم به امام زمان انجام داده و تاحدی هم موفق بوده اند اینکه سعی کرده در هر دوره ای از زندگی ائمه و هم اکنون مردم مذهبی و دیندار را از اینکه کاملاً مطیع و دنباله رو و نگاه کننده به امام آن زمان باشند منحرف کنند و حواس او را به چیز دیگری متمرکز نمایند. برای دیندارها و مذهبی ها مثلاً توجه به فقط قرآن و رعایت آداب ظاهریش روشی بوده که بصورت ظاهر خوب هم بوده ولی به همین وسیله در زمان امیرالمومنین علیه السلام توانست از جهالت عده ای که نسبت به امام زمانشان کم معرفت بودند خوارج را بسازد. در زمان سیدالشهداء علیه السلام بوسیله تبلیغات سوء بر علیه حجّت آن زمان و ایجاد رعب در دل بعضی دیندارها سعی کرد مردم را به بهانه

طرفداران خارجی از دور امام پراکنده نماید در زمان امام باقر و صادق علیهما السلام با تشویق به ترجمه کتب فلاسفه و ایجاد فرقه‌های دینی و مسلک‌های صوفی این عزیزان را تحت الشعاع قرارداد خلاصه در هر زمانی نسبت به هر طبقه از مردم نوعی از ترفند را برای بردن یاد امام آن زمان از اذهان مردم و غفلت از او و ایجاد حالت بی‌توجهی بکار گرفته است.

خلاصه یکی از ترفندهای او برای منحرف کردن مبلغین و مردم از وجود مقدّس امام زمان علیه السلام بهانه صحبت درباره ائمه قبلی است. یکروز دو نفر از دوستانم به هم رسیدند یکی از آنها به دیگری گفت فلانی دیروز اینقدر به کمک تو نیاز داشتم که حساب نداشت خیلی به دنبالت گشتم در فلان مورد مشکل کارم فقط بدست تو باز می‌شد هر چه کردم نتوانستم تو را در هیچ جا بیابم. دوست دیگر خیلی تأسّف خورد و ادعا کرد ای کاش می‌دانستم تو با من کار داری و ای کاش دیروز می‌توانستم برایت کاری انجام دهم من که نفر دوم را می‌شناختم که اهل ادعاست و در موقع عمل بارها دیده بودم به بهانه‌هایی از زیر بار مسئولیت و کمک و گاه وظایفش کنار می‌رفت، این برخورد و گفتگو برایم مثلی شد از وضعیت مردم و برخوردی که نسبت به امام زمان علیه السلام دارند. عده‌ای از مردم در مناسبت‌های عزاداری در دل یا ظاهر اظهار می‌کنند که ای کاش ما آن موقع بودیم و شما را یاری می‌کردیم در حالی که الآن که هستند و امامی با همان عظمت در میان ما هستند و انتظار این را دارند که ما در خود آمادگی کامل را پیدا کنیم تا ظهور نمایند حتی از صحبت درباره‌شان و دعا مضایقه می‌کنند و صحبت و اظهار محبّت به ائمه قبلی را که لازم است انجام شود را بهانه کفایت از اینکه درباره امام این زمان که این همه در ظهورشان تأخیر شده و باید

هر لحظه منتظر و بیادشان بود، می دانند.

خانه‌ای را در نظر بگیرید که مثلاً بچه کوچک آن خانواده چند روز منتظر این است که پدر برایش چیزی که به نظر پدرش لازم نیست، بخرد این انتظار خیلی مهم نیست ولی در همان خانه اگر ببینید پدر و مادر و بزرگترها همه اعلام کرده‌اند که منتظر وقوع کاری یا چیزی هستند و این انتظارشان را بارها اعلام کرده‌اند شما اگر در همسایگی این خانواده باشید این انتظار یقیناً برایتان قابل توجه می‌شود. خدای تعالی با همه عظمتش علاوه بر نزول آیات متعددی که بصورت وعده ظهور امام زمان علیه السلام است در چند جای قرآن خود را در ردیف منتظرین ظهورشان معرفی می‌فرماید تا ما را متوجه اهمیت ایشان و کاری که قرار است انجام دهند نماید و خود حضرت هم بیش از یکهزار سال پیش در نامه‌ای به شیخ مفید آمادگی‌شان را برای آمدن این چنین بیان نموده‌اند که اگر شیعیان در یاریشان همدل می‌شدند و انتظارشان را داشتند و کارهایی که خوشایند حضرتش نیست انجام نمی‌دادند حتی لحظه‌ای سعادت دیدارمان از ایشان به عقب نمی‌افتاد. آیا وقت این نیست که انتظار خداوند و انبیا و معصومین و فرمایشات خود حضرت ما را از غفلت از آن حضرت برهاند؟ چطور ما توقع داریم وقتی از معصومین چیزی می‌خواهیم و حاجتی داریم آنها سریع به ما جواب دهند ولی در مقابل این یقین که خدا و انبیا و معصومین و خود حضرت می‌خواهند که جزو منتظرین و مبلغین آن حضرت باشیم باید پرسید آیا به این انتظار و توقع چقدر پاسخ داده‌ایم؟

دریغ از یاری زبانی

حتی بعضی افراد در مقابل کسانی که تبلیغ آن حضرت را می‌کنند از روی بی‌محبتی می‌گویند حالا حالاها حضرت نمی‌آید و یا چون می‌خواهند برای عموم مردم ظهور حضرت را دور وانمود نمایند در تشبیه، وقت آزادی زندانی بیشتر از ابد و باز پرداخت بدهی غیرقابل وصول را تا انقلاب مهدی علیه السلام معرفی می‌کنند. آیا ما می‌توانیم ادعا کنیم که با خدا و انبیا و معصومین درباره فرج امام زمان علیه السلام هم دل و هم زبان هستیم؟ آیا آن چه آنها فرموده‌اند که امر فرجشان یک شبه اصلاح می‌شود و یا فرموده‌اند صبح و عصر منتظر آمدنش باشید و یا فرموده‌اند همانند شهاب آسمانی که ناگهانی در آسمان پدیدار می‌شوند ناگهانی در میان مردم ظهور خواهد فرمود، آیا عقیده ما هم هست؟ آیا از این که همان حرف ائمه قبلی را بگوئیم دریغ نداریم؟ یا حتی از یاری زبانی هم مضایقه می‌کنیم؟ تا چه رسد به یاری عملی ائمه اطهار علیهم السلام در زمان زندگیشان بسیار درباره حضرت ولی عصر ارواحنا فداه صحبت می‌کرده‌اند. اکنون ما علاوه بر این که در زمان زندگی این امام عزیز هستیم، با اعلام آمادگی که خدا و خود حضرت بیان نموده‌اند بسیار لازم است که بخصوص روحانیون در توجه دادن مردم به ساحت مقدس ایشان بیش از پیش بکوشند و همان‌طور که از ما خواسته‌اند روحانی و دانشجو و معلم و کسبه و همه و همه یکپارچه در دوری از معاصی و خواستن فرجشان از خدا همدل شویم و غفلت از یادشان را ترک کنیم.

فصل سوم

بی توجهی به امام زمان علیه السلام ریشه دار نیست اثر غبار سیاه شیطان است

اگر درست بیندیشیم متوجه می شویم حتی هیچ کدام از انسانهای روشنفکر و عدالت خواه در جهان ادامه فساد و گسترش آن را نمی خواهند تا چه رسد به مسلمین که انتظار مصلح و از بین برنده فساد و بی عدالتی جزو عقائدشان است، حقیقت این است که هر کدام از ما وقتی به یاد آن حضرت می افتیم لذت می بریم حتی اگر کسی برایمان خواب ببیند که مثلاً در خدمت حضرت بوده ایم به حال می آئیم یعنی دلمان با امام زمان است و اگر غفلتی داریم و وظیفه خود را در مقابل آن حضرت در این زمان انجام نمی دهیم، به واقع بخاطر القات شیاطین که شدیداً با فرج و ظهور آن حضرت مخالفند، می باشد. این القات باعث شده تا از مهمترین نیازی که هر یک از مردم بخصوص شیعیان درباره مصلح دارند غافل شوند و حتی

عده‌ای با این که محبت مکتونه‌ای از همه معصومین بخصوص امام‌زمان علیه‌السلام دارند اگر در جایی فردی خیلی از امام‌زمان حرف بزند ممکن است برایشان سوال انگیز باشد و توجیه نباشند که باید زیاد درباره امام‌زمان علیه‌السلام حرف بزنند. باید گفت این اثر القاء و وسوسه شیطان است که چون مردم برای مقابله با این وسوسه و القاء ضعیف هیچ فکری نکرده‌اند، آن چنان در آنها اثر کرده که در خیلی از افراد صفاتی که در وجود خبیث او وجود دارد در روح آنها رخنه کرده و در آن موارد به رنگ او درآمده‌اند. یکی از دوستان می‌گفت روزی که از محل کوره گچ رد شده بودم و غبار سفیدی که از لوله دودکش آن به طور مداوم در هنگام روشن بودن کوره به بیرون می‌آمد و کپه‌های اطرافی که از شدت وجود آن غبار به رنگ سفید درآمده بود را دیده بودم، روایتی را که درباره شیطان و نمونه فعالیت‌های او در محیط کوره زمین قبلاً دیده بودم را به یاد آوردم. و روز بعد در حالت مکاشفه شیطان را دیدم که همانند همین کوره برای القای وسوسه‌های نابجا و غیرمیزان و مخالف با امر پروردگار، از کوره وجودیش دائماً غبار سیاه رنگی را در محیط کوره زمین پخش می‌کرد بطوری که تمام فضای آن را این غبار گرفته بود و بیشتر مردم بدون توجه به بدی و ضرر آن این غبار را استنشاق می‌کردند بطوری که وارد عروقشان شده بود و بدنهایشان کم‌کم به همان رنگ سیاه درآمده بود^{۸۷}. آن‌ها با این غبار مأنوس شده بودند و به این خاطر اعمالشان به سنج اعمال و کارهای شیطان درآمده بود ولی عده‌ای هم بودند که با آگاهی که از دستورات خداوند در قرآن نسبت به بدی وسوسه‌های او داشتند به آرامی ولی با دقت و ظرافتی که با تعلیم معصومین علیهم‌السلام

۸۷- تفسیر برهان جلد ۱ صفحه ۷۷

فراگرفته بودند، به طرف این دود فوت می کردند و مثل دودِ همان کوره که به وسیله باد به طرف مقابل کج می شد، از آنها دور می شد و در وجود آنها وارد نمی شد.* یکی دیگر از دوستانم می گفت در جلسه اتحادیه تاکسیرانان شهر حضور داشتم در آن جلسه یکی از دوستانم امام زمان علیه السلام پیشنهاد کرد که شیشه عقب همه تاکسی ها به نام مقدّس آن حضرت مزین شود و نوشته شود «السلام علیک یا صاحب الزمان» در ابتدا همه پسندیدند ولی در آخر جلسه فردی بلند شد و گفت اگر ما این کار را بکنیم به ما حرف می زنند و آن قدر وسوسه کرد که چند نفر با او همراه شدند و آن چه تصمیم گرفته بودند را تغییر دادند.

یکی از دوستان خوب امام زمان علیه السلام چند سال قبل تابلوئی را درباره ظهور آن حضرت با زحمت زیاد کشید و در محلی که دوستان آن حضرت جلساتی داشتند مدتها نصب کرد. کم کم عده ای از آنها به این فکر افتادند که این تابلو را به صورت پوستر درآورند و حتی بزرگ کنند و در محلی از شهر که محل تردد عموم است نصب نمایند در آن تابلو حالتی که باید مردم نسبت به ایشان پیدا کنند یعنی توجه زیاد و تضرع و تقاضای ظهور از خداوند به تصویر کشیده شده بود***. آنها این کار را شروع کردند اول قرار شد به وسیله فردی که برنامه ریز کامپیوتر باشد این طرح وارد کامپیوتر شود و بعداً مراحل بعدی آن انجام شود و این کار برای کسی که به کامپیوتر وارد باشد کار چندانی ندارد ولی در طول کار به قدری مشکلاتی از قبیل محو شدن تصویر ضبط شده اولیه و قفل شدن کامپیوتر و ناتوانی شان از چاپ جمله «ای

* راه مقابله با وساوس ضعیف شیطان را در بخش سوم همین کتاب از قرآن و روایات خواهیم گفت.
** عکس روی جلد همین کتاب

فریادرس همه به فریادمان برس» که روی طرح باید نوشته می شد برایشان پیش آمده بود که همین فرد بسیار متبحر کامپیوتر که با من مختصر آشنائی داشت از بس دلش درد داشت نامه ای چند صفحه ای به من نوشت و در قسمتی از آن نوشته بود. (بخدا قسم در طول سابقه کارم هرگز این طور نشده بود که مرکب چاپ درست بود فشار غلطکها و حتی من رفتم درجه رنگ و سرعت چاپ و همه موارد را کنترل کردم هیچ مشکلی در برنامه مشاهده نشد نمی دانم چی شده... هر دوی ما (من و جناب مهدوی) لعنت بر شیطان فرستادیم که می دانستیم جریان چیست.)

البته با پی گیری دوستان این کار انجام شد و این پوستر در سطح وسیعی چاپ شد. بعد از مدتی دوستان دیگری در شهرستانی تصمیم گرفته بودند این پوستر را به صورت تابلوی بزرگی کشیده و بر سر چهارراه پر رفت و آمدی نصب نمایند همه مراحل با مشکلات زیادی که برای آن افراد هم یقینی شده بود که شیطان سنگ اندازی می کند با کندی به پیش رفت و تابلو نصب شد. وقتی من به آن شهرستان رفتم و تابلو را دیدم ملاحظه کردم شمایی که از حضرت ولی عصر ارواحنا فداه کشیده شده به قدری کم رنگ است که فقط از فاصله خیلی نزدیک قابل رؤیت است علتش را از افرادی که این تابلو را درست کرده بودند پرسیدم یکی از همین افراد گفت ما هم همین سؤال را از نقاش پرسیدیم او گفت: فلانی «کسی که قرار بود آن تابلو بالای محل کارش نصب شود و نفوذی روی نقاش داشت» به من گفت همه را پررنگ بکش ولی شمایل حضرت را کم رنگ بکش چرا که حضرت غائبند و دیده نمی شوند. یکی از روحانیون عالیقدر که مقید است همان طور که خدا

و معصومین علیهم السلام می خواهند در منابرش از همه بیشتر درباره امام زمان علیه السلام حرف بزنند معتقد بود در بعضی مجالس که شیطان زمینه فعالیتش را مساعد می بیند، وقتی او شروع به صحبت درباره آن حضرت می کند با ایجاد حواس پرتی های جنبی موجب جلوگیری از ادامه سخنش می شود و می گفت این کار آنقدر در موقعیتهای مختلف انجام شده که شکی ندارم این کارها برای جلوگیری از سخن گفتن من درباره امام زمان علیه السلام است.

یکی دیگر از همین روحانیون محترم می فرمود یک سال من در ایام ماه مبارک رمضان جهت تبلیغ به شهرستانی رفته بودم و با تحقیقی که از قبل داشتم می دانستم که خدای تعالی از میان همه ماهها برای ماه رمضان اهمیت فوق العاده ای قائل شده و حتی آن را ماه میهمانی خودش نامیده و از تمام این ماه شبهای احیاء را نسبت به شبهای دیگرش برتری داده و از مؤمنین خواسته تا در این شبها به درگاه او بروند و از میان این سه شب یک شب را شب قدر که ارزشش از ۱۰۰۰ ماه بیشتر است، قرار داده و در همه این شبها دستور احیاء و بیداری ظاهری و واقعی از خواب غفلت را نسبت به حقایق داده است. بخصوص برای شب بیست و سوم که احتمال بودن شب قدر بیشتر است را فضیلتی افزون بخشیده و برای این که عملاً ما را از غفلت از بزرگترین حقیقت که امام زمان علیه السلام است برهاند یکی از اعمال آن شب را خواندن دعای اللهم کن لولیک الحججه بن الحسن... که دعای فرج است و موجب توجه مردم به ساحت مقدس آن حضرت می شود، قرار داده است. ایشان می گفت من در آن سال از ابتدای ماه رمضان خودم را آماده می کردم که شب بیست و سوم مردم را متوجه این نقطه اوج و قله با عظمت دوران سال برای توجه به امام زمان علیه السلام نمایم و

از ابتدای ماه به آنها می‌گفتم خیلی از اعمال ماه رمضان حاکی از این است که خداوند و معصومین خواسته‌اند که ما در این ماه بیشتر از همیشه درباره وظیفه‌ای که در قبال امام‌زمان داریم بیندیشیم و اعمالی که در این ماه قرار داده شده همه حکایت از این مطلب دارد مثلاً دعای افتتاح* که از ناحیه خود آن حضرت وارد شده و قسمت عمده آن، دعا برای فرج و ظهور و گلایه از وضعیتی که دنیا در زمان غیبت آن حضرت دچارش شده است، دارد و یا خواندن دعای اللهم ادخل علی اهل القبور السرور...» که در ماه مبارک بعد از هر نماز خوانده می‌شود و هیچ کدام از بخشهای این دعا صد در صد عملی نمی‌شود مگر در زمان ظهور و در واقع این دعا باعث توجه مردم به این است که اگر می‌خواهید این دعاها اجابت شود و خواستار و تشنه انجام آن هستید از خداوند فرج آن حضرت را بخواهید و خود را آماده پذیرش ایشان نمائید. در جریان تشرّف یکی از اولیاء خدا به خدمت حضرت بقیّه‌الله ارواحنا فداه در ماه رمضان ۱۴۰۱ از قول ایشان نقل شده که آن حضرت درباره این دعا تقریباً به این مضمون فرمودند:

(جدم رسول اکرم ﷺ که فرموده است این دعا را در ماه رمضان بخوانند برای این بوده که استجابت این دعا صددرصد در زمان ظهور خواهد بود و در حقیقت این دعایی است که برای ظهور و فرج ما خوانده می‌شود زیرا در زمان قبل از ظهور غیرممکن است که به کلی فقر و گرسنگی و کرب و ناراحتی از میان قاطبه مردم برداشته شود هیچ اسیری در عالم نباشد و تمام امور مسلمانان

* این دعا در مفاتیح‌الجنان در قسمت اعمال مشترکه ماه رمضان می‌باشد.

اصلاح شود و بالاخرہ غیر ممکن است کہ قبل از ظہور حال و روحيات ہمة مردم بہ خوبی صفات الہی تبدیل شود و ہمہ متخلق بہ اخلاق پروردگار گردند و ديون ہمہ ادا شود و فقر و فاقہ در عالم جای خود را بہ ثروت و مکتنت دہد. بنابراین اگر این دعا بخواید مستجاب شود باید قبل از آن ظہور با ہر النور حضرت بقیۃ اللہ ارواحنا فداه واقع گردد اینجاست کہ آن حضرت فرمودہ اند بہ شیعیان ما بگوئید این دعا را کہ در حقیقت دعا برای ظہور و فرج ما است را زیاد بخوانند*).

خلاصہ خودم و مردم را آمادہ کردہ بودم کہ شب بیست و سوم در این بارہ غوغا کنم ولی متأسفانہ در آن شب بہ محض این کہ بہ منبر رفتم و بسم اللہ را گفتم یکی از افرادی کہ وجودش پر از سیاہی و سوسہ های شیطان علیہ امام زمان علیہ السلام بود و جلو منبرم نشستہ بود ناگہان برخاست و آن چنان سر و صدائی راہ انداخت کہ مجلس را بہم زد و خلاصہ آن طور کہ برنامہ ریزی کردہ بودم نشد.

عدہ ای از دوستان می گویند وقتی ما در جائی فقط دربارہ امام زمان حرف می زنیم و یا از انجام گناہی جلوگیری می کنیم بہ ما حرفہائی می زنند کہ نمی دانیم چہ جواب دہیم، من بہ آنها گفتمہم در جواب آنها بگوئید اگر بہ خاطر این کہ من اسم امام زمان علیہ السلام را می برم شما این حرف را می گوئید و می خواہید با این حربہ مانع سخن گفتن من دربارہ امام زمان علیہ السلام شوید، معلوم می شود با بردن نام آن حضرت و وجود مقدّسش مخالفید و این مخالفت اظہار دشمنی با ایشان است و اگر بہ خاطر

* ملاقات با امام زمان علیہ السلام جلد ۱ صفحہ ۲۳۲

آنست که این حرفهای خوب و لازم درباره آن حضرت را عده‌ای هم که ممکن است بعضی کارهایشان مورد پسند نباشد می‌گویند این دلیل نمی‌شود که ما حقایق مورد تأکید و تأیید خدا و انبیاء و معصومین علیهم‌السلام را ترک کنیم به دلیل این که آنها هم که به نظر شما خوب نیستند این حرفهای خوب را می‌گویند و گفته‌ام به این‌گونه افراد بگویید در واقع ما باید از شما سؤال کنیم که چرا این همه حرف درباره همه چیز می‌زنید و خیلی از کارهایی که لازم نیست را انجام می‌دهید ولی درباره امام‌زمان علیه‌السلام به اندازه‌ای که لازم است نمی‌گذارید ما حرف بزنیم و خودتان هم چیزی نمی‌گویید. البته اگر خوب دقت کنید و در این نوع از موضعگیری‌هایی که در واقع علیه آن حضرت است بیندیشید و به دنبال سرمنشأ ایجاد این القآت بگردید به کسی که موجه باشد و این حرفها را بزند نمی‌رسید. آن وقت شما هم مثل خیلی از افراد یقین می‌کنید که این شایعات از طریق وسوسه‌های شیاطین و از طریق نفسانیت افراد ضعیف‌الایمان ریشه گرفته است. آنها می‌خواهند با ایجاد این‌گونه شایعات زمینه رعب و وحشت را از بردن حتی نام آن حضرت برلبها در دل عموم که ممکن است اطلاع زیادی نداشته باشند، ایجاد کنند و به این وسیله هر چه بیشتر زمان غیبت را طولانی کنند و تاکنون با همین روش موجب عدم توجه کافی عموم مردم نسبت به ساحت مقدس حضرت شده‌اند. در پایان توجه به این نکته ضروری است که هرچند ادامه زمان غیبت، خود نشان دهنده غلبه کید و وسوسه‌های شیاطین بر عموم مردم در دنیای امروز است. و مواردی که به عنوان نمونه گفته شد نشان دهنده همین مسئله است ولی باید دانست که با همه ضعف این موجود بیچاره این همه فعالیت او دلیل بر نقص تبلیغات خودمان در انجام وظیفه‌ای که نسبت به امام‌زمان علیه‌السلام داریم نیز است. بعد از این در این باره مطالبی خواهیم گفت.

نشانه‌های توجه دنیا به امام‌زمان علیه‌السلام

همان‌طور که گفته شد وساوس شیاطین علیه امام‌زمان ریشه‌دار نیست و امیدواریم با بیداری کامل ما معتقدین به ولایت معصومین علیهم‌السلام و شناخت القات مسموم این خبیث همین مقدار از جولان بی‌ریشه او پایان یافته و دست او و اعوان انسی اش از سرنوشت مردم دنیا کوتاه شود و این کار انشاءالله انجام خواهد شد بخصوص که می‌بینیم مردم دنیا در این سالهای اخیر نسبت به گذشته از نظر فکری رشد بیشتری داشته‌اند و وقتی در راهکارهایی که برای رفع مشکلاتشان تشخیص داده‌اند، شکست می‌خورند، سخنانی که از ناتوانی خودشان و شکایت از موقعیت ضعیفی که در شناخت حقایق دارند حاکی است، ابراز می‌کنند. انقلاب اسلامی که در ایران به پرچمداری نائب آن حضرت و به عنوان زمینه‌سازی برای ظهورش پیروز گردید و در دنیا به عنوان انقلاب معتقدین به دین مطرح شد و در واقع پیروزی دین بر بخشی از مستعمره جهان‌خواران بود، نمونه واضح از فصل توجه مردم به دیانت و امام‌زمان علیه‌السلام است که باعث به هم خوردن معادلات جهانی شد بخصوص از نظر متوجه کردن جهانیان به امکان حاکمیت دین الهی بر سرنوشت انسان و این معنای سخن امیرالمومنین علیه‌السلام است که فرمودند: پس از اینکه دنیا «ما را از منصب الهی مان کنار نهاد و» از ما رو برگردانید «وقتی راه‌های مختلف اداره زندگی را تجربه کند و در همه آنها شکست بخورد، خواهد فهمید که راه صحیح و بدون دردسر، زندگی از طریق راهنمایی‌های ماست و» به ما رو خواهد آورد^{۸۸}....

۸۸- حکمت ۲۰۰ نهج البلاغه فیض الاسلام صفحه ۱۱۸۰

لذا انشاءالله با این سخن و آشکار شدن علائمش امیدواریم کار به جایی نکشد که زمان غیبت آن قدر طولانی شود که بخواهد به نهایتی که خداوند در صورت بی توجهی مردم در نظر گرفته، برسد بلکه با بیداری ما معتقدین به امام زمان علیه السلام در ایران و خنثی کردن القات شیاطین جنی و انسی به همین زودی دروس این فصل عظیم را که با پیروزی انقلاب گشوده شده به وسیله متوجه کردن بیشتر خود و جهانیان به مصلح جهانی، مردم را از غفلت از آن حضرت برهانیم.

یکی از محبتین امام زمان و کسی که دلش از غفلت مردم نسبت به آن حضرت خیلی درد داشت روزی به من گفت روز جمعه‌ای که مثل همیشه تا عصر منتظر ظهور امام زمانم بودم و مقارن غروب آفتاب دعای ندبه را با حال خوبی خوانده بودم و از فراق مولایم نالیده و از بی توجهی هائی که در زمان غیبت به این عزیز می شود، متأثر شده بودم، وقتی بعد از نماز مغرب و عشاء سرم را به سجده گذاشتم در حالت مکاشفه‌ای مثل بی توجهی و فراموشی مردم نسبت به ائمه اطهار علیهم السلام بعد از فوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و روی آوردنشان را در آینده به این عزیزان این طور می دیدم:

دنیا را به شکل خانه‌ای دیدم که فرزندان کم سن و سال عقلی یک روز در فرصتی که بدست آورده بودند «فوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله» تصمیم گرفتند پدر و مادرشان را «امیرالمومنین و فاطمه زهرا سلام الله علیهما» را بیرون کرده و خانه را به صورت خودگردان طبق سلیقه خود اداره نمایند. آنها بعد از این کار و قفل کردن درها «بستن راه امامت معصومین به روی مردم» مشغول بازی شده هر کدام آن طور که خود

می خواست، در هر جای آن خانه که قبلاً توسط پدر و مادر مرتّب هم شده بود «به وسیله بشارتهای انبیاء گذشته و زحمات پیامبر اکرم بخصوص در غدیر خم زمینه آماده شده بود» مشغول به بازی شدند. آنها هر وقت گرسنه می شدند آن طور که خود و به اندازه توان فکریشان بود از مواد غذایی استفاده می کردند «عطش به معنویات را هر طور شیطان به افکارشان القاء می کرد سیراب می کردند» و چون هیچ کدام از روشهای زندگی صحیح را یاد نداشته و غذاهای خام، داروهای سمی و... را مصرف می کردند، بعد از مدّتی که وسایل خانه را هم جابجا نموده بودند «طی چند قرن در هر گوشه دنیا با فکر ناقص خود برای گذران زندگی روشی برگزیدند، به خاطر سرخوردن و بی نتیجه ماندن روشهایشان» از بازی خسته شدند و بالاخره خودشان متوجّه ضعف و مرضشان شدند «پی بردند که این گونه عمل کردن باعث ضعیف شدن اعتقادات و ایجاد امراض روحی شده است» آنها به خاطر ضعفی که داشتند هر یک در گوشه‌ای از خانه افتادند. در آن موقع کسی نبود که برایشان غذا تهیه کرده و آب گوارائی به آنها بدهد «به خاطر غیبت امام از سیراب شدن به وسیله آب گوارای حقایق محروم شده بودند»^{*} اعمالی مثل جابه‌جا کردن وسایل و تهیه غذا با سلیقه شخصی باعث شده بود که غباری از دود و سیاهی و به هم ریختگی فضای خانه را بگیرد «به کارگیری روشهای القاشده از طرف شیطان باعث چیره‌شدن غبار جهل و ظلم و انحرافی که از وجود او سرچشمه می‌گرفت بر همه فضای دنیا شده بود و به این خاطر تقریباً همه از حال سلامت خارج شده و

* قل ارأیتم ان اصبح ماءکم غوراً فمن یأتیکم بماء معین آیه ۳۰ سوره ملک با تفسیر روائی برهان جلد ۴ صفحه ۳۶۶ و ۳۶۷

مستأصل شده بودند» آنها هر عملی را برای مداوای آن وضع خود انجام می دادند ولی چون از راه غیر صحیح اقدام می کردند اثر بدش در آنها بیشتر آشکار می شد. مثلاً برای آرامش یافتن دردهایشان به طرف جائی که خود آن را داروخانه فرض کرده بودند، رفتند و هرچه را که باعث مداوایشان می پنداشتند مصرف کردند «بعد از بروز جنگ ها بخصوص جنگ های جهانی به فکر ایجاد مرکزی برای برقراری صلح و آرامش افتادند» ولی هرچه گذشت، امراض و ضعفشان تسکین پیدا نکرد «برقراری سلامت و صلح عملی نشد» کم کم خود پی به بی اثر بودن روشهایشان می بردند «می دیدند که عدالتی که طالب آن بودند با این وسایل برقرار نمی شود» در این جا عده معدودی از آنها که تحت ستم بقیه هم بودند و از ابتدا با بیرون کردن پدر و مادر موافق نبودند «شیعیان ایران که پس از قرن ها توانسته بودند موفقیتی کسب کنند» بقیه را مورد خطاب قرار داده و گفتند شما هنوز نفهمیده اید که چرا و از چه موقع به این وضع نابسامان دچار شده اید؟ اگر همان اول می فهمیدید که به خاطر پشت کردن به پدر و مادر و دور شدن از روش صحیح زندگی که آنها اعمال می کردند، دچار سردرد و تشنج شده اید و برای رفع آن خودسرانه دارو مصرف نمی کردید و از کرده خود باز می گشتید، همان درد اولتان به وسیله داروی کاملی که پدر و مادر می دادند سریع خوب می شد «اگر بعد از کنار گذاشتن امیرالمومنین از خلافت بلافصل پیامبر و هشدارهای ایشان تا قبل از سال ۷۰ و حداکثر ۱۴۰ از روش ظلمی که نسبت به اهل بیت اعمال شده بود باز می گشتید، به وسیله امام های دیگر نقائصتان جبران می شد» و به دردهای بعدی که به واقع به خاطر تشخیص غلط درمان دچارش شده اید مبتلا نمی گشتید. اگر اکنون فهمیده اید که بعد از هر کار اشتباهی که کرده اید

مفسده‌اش بیشتر از فایده و اثرش بوده و به همین خاطر به این وضع رسیده‌اید، حالا بر سر عقل آئید و دیگر خودسرانه دنبال درمانهای خودتان که به ضررتان شده و می‌شود نباشید و بدانید همه این مشکلات از زمانی شروع شد که شما پدر و مادر را که غمخوارتان بودند، بیرون کردید و تصمیم گرفتید همه امورتان را با فکر ناقص خودتان انجام دهید بیائید تا دیر نشده و همگی مان به بدبختی‌های دیگری دچار نشده‌ایم درب را باز کنیم» با توبه به درگاه خداوند و تضرّع درب معنویت را به روی خود باز کنیم» و خود را آماده نمائیم «از صفات نفسانی و شیطانی که مانع ظهور است به وسیله تهذیب نفس دست برداریم» و پدر و مادرمان را «خدا و انبیا و معصومین خصوصاً حضرت ولی عصر ارواحنا فداه» که با چشمان اشک‌آلود بی‌صبرانه منتظر متوجّه شدن ما هستند را دریابیم و از این که این همه مدّت خودمان را به بدبختی‌های مختلفی که خودشان هنگام بیرون رفتن پیش‌بینی آن را کرده بودند.* انداخته‌ایم، عذرخواهی کنیم و به سوی سعادت که آنها برای ما در نظر گرفته‌اند به وسیله فرا گرفتن تعلیماتشان برویم**.

هر چند در ابتدای صحبت او یکی دو نفر از آنها که جاهل‌تر بودند به حرفهای او می‌خندیدند و نمی‌توانستند باور کنند که میان سردردی که حالا عارض شده «مشکلاتی که در جامعه دنیائی این زمان وجود دارد» با بیرون کردن پدر و مادر که ساعت‌ها پیش بود «از بین رفتن حقّ امامت ائمه که قرن‌ها پیش انجام گرفته»

* کتب ملاحم و فتن حاوی روایاتی در این زمینه است.

** یا ایها الذین آمنوا ادخلوا فی السلم كافة و لاتتبعوا خطوات الشیطان انه لکم عدو مبین
آیه ۲۰۹ سوره مبارکه بقره با تفسیر روایی برهان جلد ۱ صفحه ۲۰۷ و ۲۰۸

ارتباطی هست و هنوز با افکار جاهلانه چنین می‌پنداشتند که این ناراحتی‌ها را شاید بشود به وسیله روشهای جدیدی که تاکنون تجربه نشده مداوا کرد، ولی هرچه صحبت‌های او به پایان نزدیک می‌شد و صدق گفته‌هایش آشکار می‌گشت آرام‌تر می‌شدند تا جایی که یکی یکی آنها به وسیله حرفهای تکان دهنده او از خواب غفلت بیدار شدند و تصمیم گرفتند همه با هم برای مداوای واقعی و دائمی به دنبال پدر و مادر «حضرت بقیه‌الله الاعظم ارواحنا فدا» که پشت درب «غیبتی که ما ایجاد کرده‌ایم» خانه منتظر آگاه شدنشان است بروند و به محض این که به طرف درب رفتند و آن را باز کردند با آغوش گرم و مهربان پدر و چشمهای متورمی که از فرط گریه بر مصائبی که بر آنها از جهالتشان وارد شده، روبرو گشتند.

امیدواریم شیعیان که همان افراد بیدار و آگاه این زمان هستند در موقعیتی که اکنون با وجود رهبران مذهبی خود که منادیان و مبلغان نام مولایشان هستند به دست آورده‌اند، قدر بدانند و علاوه بر آماده‌تر کردن خود با اعتماد به نفس کامل برای بیدار کردن دنیا از غفلتی که باعث ایجاد این همه ظلم و ستم در سرتاسر عالم شده از هیچ کوششی فروگذار ننمایند و بیشتر از این بازیچه دست این خبیثی که به خاطر ادامه زندگی نکبت‌بارش از ضعف مردم دنیا سوء استفاده کرده و همه جای آن را با تحریکات نفسانی و القآت انحرافی به لجن گناه کشیده است، نشوند و با تبلیغ بسیار بیشتر درباره حضرت بقیه‌الله الاعظم و متوجه کردن جهانیان با مصلح آخرالزمان که در واقع همگان منتظرش هستند، زمینه ظهور حضرتش را بیش از پیش فراهم آورند.

انشاءالله

بخش سوم

مهمترین وظایف ما، اکنون چیست؟

- | | |
|---------|--|
| فصل اول | توجه به هشدارهای الهی برای خودسازی و تهذیب نفس |
| فصل دوم | کلید درب بسته غیبت، توبه از غفلت و دعا است. |
| فصل سوم | ارتباط با امام و معرفت او چاره درد غیبت است. |

در این بخش می‌خواهیم ببینیم با وجود این همه تأکید پروردگار و انبیاء و معصومین علیهم‌السلام درباره امام‌زمان علیه‌السلام و مسئله ظهور از یک طرف و وجود این عامل منحرف‌کننده از طرف دیگر وظیفه ما چیست؟ اصلاً او چرا توانسته تاکنون این همه فعالیت‌های خراب‌کارانه داشته باشد؟ آیا معتقد شویم که شیطان بسیار قوی است و به این خاطر توانسته اختیار همگان را در این مدت در دست بگیرد؟

یا حقیقت را به این صورت بگوئیم که برای ظهوری که باید بعد از وفات امام‌عسکری علیه‌السلام شروع می‌شد و تاکنون به عقب افتاده‌علتی جز غفلت مردم و آماده نبودنشان به خاطر صفات رذیله، نیست؟ و شیطان به خاطر همین ضعف توانسته زمینه فعالیتش را مساعد ببیند و کوتاهی هم نکند؟

فصل اوّل

توجه به هشدارهای الهی برای خودسازی

و تهذیب نفس

حقیقت این است که این خبیث به خاطر ادامه حیات خود دائماً زهرآگین‌ترین سموم منحرف‌کننده‌اش را در فضای کره زمین همانند بمبهای مخرب می‌پراکند و متأسفانه بیشتر مردم بدون توجه به خطرناک بودن آنها، خود را در معرض همه انواع قرار داده‌اند و فکری برای پیدا کردن پناهگاه امن و رفتن به طرف آن که از خطراتش حفظ شوند، نکرده‌اند. شیطان از ابتدای خلقت بشر تاکنون در کره زمین فعالترین دشمن نمایندگان الهی بوده و هست. او به عنوان موجودی مختار همیشه به صورتهای مختلفی سعی در تضعیف اراده و اختیار امثال خود برای منحرف کردنشان از صراط مستقیم دین کرده و از هیچ کوششی در این زمینه فروگذار نکرده

است. خدای تعالی در قرآن کریم دهها بار در آیات متعدد درباره این دشمن قسم خورده انسانها هشدار داده و همه راهها و ترفندهای پوشالی و منحرف کننده‌اش را برایمان بیان نموده است تا بتوانیم در این مدت عمر روحمان را در پناهگاه اهل بیت عصمت و طهارت آن قدر تقویت نمائیم که در مقابل هرگونه عامل بازدارنده از راه خدا از جمله شیطان که در مثل همانند فروریختن بمبها و قرارگرفتن مین‌های مخرب سر راه یک سرباز است، واکسینه شده و در این امتحان آفرینش سربلند و رستگار بیرون آئیم.^{۸۹}

فردی مثال خوبی می‌زد او می‌گفت اگر پدر مهربانی در نامه‌های متعددی که به فرزندش می‌نویسد او را از وجود دشمنی که برای او خطرناک است بیم دهد ولی در مقابل همه این هشدارها، آن فرزند حتی احتمال خطر را از طرف دشمنی که پدر دلسوزش او را آگاه نموده، ندهد شما به آن فرزند چه می‌گوئید، واقعاً فکر نمی‌کنم در مقابل دهها بار هشدار پدر به او درباره وجود خطر، حداقل یک بار آن فرزند سؤال نکند که برای مصون و محفوظ ماندن از تهدید او چه باید بکنم؟

آیا در مقابل هشدارهای مکرر پروردگار* در قرآن درباره وجود خطر و معرفی ترفندهای ضعیف او با اینکه بدون پرسش ما خود، راه مقابله با آن تهدیدات را نیز بیان کرده چه قدم اساسی در عمل برداشته‌ایم؟

۸۹- آیه ۲- سوره مبارکه ملک

* خداوند در ۱۱۴ سوره قرآن بیش از ۱۰۰ مرتبه انسان را از وجود وساوس انحرافی او بیم داده است.

نیازهای روحی و جسمی دو زمینه مناسب در انسان برای تخریب از طرف شیاطین

در این جا چون می خواهیم راه مقابله با مهمترین عامل منحرف کننده از توجه به امام زمان علیه السلام یعنی شیطان را بگوئیم، لازم است مختصری درباره زمینه و چگونگی فعالیت های او توضیح دهیم.

زمینه فعالیت های شیاطین برای تأثیر القاءشان در مورد انسان در محدوده خواست های بدنی و روحی است. انسان تا وقتی در این دنیا زندگی می کند نیروئی از ناحیه روح در وجودش برای یافتن حقایق فعالیت می کند که آن را فکر می گویند. فکر با فعالیتش نیازهای فطری روح (اعتقادات، آداب و رسوم و...) و جسم (خوردن و خوابیدن و نیاز جنسی) را تشخیص می دهد و آنچه را تشخیص داده به وسیله اراده اش به عمل می آورد. یعنی هرچه را فکر تشخیص دهد و برای عقیده یا عمل انتخاب نماید، انسان آن را به وسیله اراده و خواست به کار می گیرد. حال اگر در مقابل فکر عقاید و آداب و رسوم غیر صحیح ارائه شود یا انسان از درست ترین آنها مطلع نشود، و فکر در جستجوی نیازهایش امور غلط و خلاف واقع را انتخاب نماید، عملش براساس آن چه تشخیص داده می شود و در زندگی راه را آن طور که خداوند برایش خواسته و توسط معصومین علیهم السلام اعلام فرموده، نمی رود. همه افرادی که در مذاهب و ادیان مختلف هستند و اعتقاداتی جز عقائد ارائه شده از طرف ائمه اطهار علیهم السلام دارند، جزو این گروهند. در مقابل، افرادی که از ابتدای کودکی در مقابل فکر جستجوگرشان اعتقادات و آداب و رسوم حقه ارائه شده و آنها

را فرا گرفته‌اند می‌توانند بوسیله همین اعتقادات صحیح راه نجات و رستگاری را در این دنیا بپیمایند یعنی همین علم به راه و روش سعادت اگر شرط بعدیش هم آماده شود به عمل صالحی که خداوند از انسان خواسته منتهی می‌شود.

صفات رذیله روحی مانع عمل به اعتقادات کسب شده می‌باشد

وجود صفات رذیله در روح انسان علامت و نشانه تأثیر بمبهای شیاطین است که مانع عمل به اعتقادات کسب شده در انسان می‌شود. اگر روح انسان در معرض تخریب بمبهای شیاطین قرار نگیرد* و به صفات رذیله‌ای که در این دنیا هرکس ممکن است به آن دچار شود، آلوده نشود، همین علم به اعتقادات صحیح باعث می‌شود که با قدرت اختیاری که دارد گامهای مؤثر حرکت در صراط مستقیم را براساس آنچه تعلیم دیده، بدون هیچ مانعی بردارد ولی اگر بخاطر قرار نگرفتن در پناهگاههای امنی که از طرف خداوند تعیین شده، به صفات رذیله‌ای که در این صورت ناگزیر غبارش بر روی روح انسان می‌نشیند دچار شود و او را به ضعفها و صفات ناپسندی بکشاند، لازم است برای اینکه آنچه تعلیم دیده به عمل هم آورد، اول اینها را که مانند موانعی بر سر راه حرکت انسان است، بردارد. مثلاً افرادی که به امراض مثل وسواس یا خیانت یا کینه‌توزی و تمامی دچارند و یا بخاطر ضعف روحشان از امور واهی می‌ترسند هر چند نسبت به اعتقادات حقه علم هم داشته

* مثل بمباران کردن هوای دنیا بوسیله شیطان در بخش دوم فصل سوم صفحه ۱۱۹ به بعد توضیح داده شد.

باشند، از این قبیل اند و این صفات بدروحي همانند مانعی برای عمل به آن علمی که خود هم آن را قبول دارند و معترفند، می باشد. یعنی تنها علم داشتن و معتقد بودن به چیزی برای اینکه باعث شود مطابق آن علم، عمل هم بکنیم کافی نیست. چه بسیارند افرادی که همه ما آنها را می شناسیم و آنها نسبت به مثلاً ضرر سیگار عالِمند و واقعاً می دانند که ممکن است سیگار آنها را به سرطان دچار کند، ولی دست از کشیدن آن برنمی دارند. مدتی پیش فردی نزد یکی از اساتید تہذیب نفس آمده بود و به شدت گریه می کرد و با اینکه مشخص بود فرد معتقدی است، می گفت:

«حاج آقا من شبها تا پاسی از شب به خاطر گناہانی که روز می کنم از جمله خیانت، گریه می کنم و توبه می کنم و اعمالم را با آنچه معتقد هستم منطبق می کنم، می بینم این کارها را من قبول ندارم و تصمیم می گیرم فردا دیگر خیانت نکنم، ولی باز این کار را در روز انجام می دهم و این برنامه معمولاً هر شب و هر روز انجام می شود. شما می گوئید چه کنم که از این وضع خلاص شوم.»

چیزی که در این گونه افراد هست و باعث می شود نتواند به اعتقادی که معتقدند عمل کنند، صفات رذیله و ناپسندی است که در روح آنها جا گرفته و مانع اعمال مطابق با علمشان می شود.

تهذیب نفس چاره اصلی برای عمل به علم اعتقادات

در توضیح بیشتر باید بگوئیم همانطور که بدن و جسم مان در زندگی دنیائی اش هرگاه از جهتی ضعیف شود، مورد تأثیر و تهاجم میکربها قرار گرفته و دچار امراضی می شود و لازم است برای ادامه حیات و رشد طبیعی مداوا شود و حتی در مقابل امراض مختلف واکسینه هم گردد، روح هم در برخورد با امور زیورآلات و لہو و لعب دنیا اگر در پناهگاههای تعیین شده الهی قرار نگرفته باشد و در نتیجه مورد تیر زهراگین شیاطین واقع شود، دچار امراضی که خداوند در قرآن* و معصومین در روایات** به آن اشاره فرموده اند می شود و لازم است انسان برای جلوگیری از ریشه دار شدن این امراض و از بین بردنشان قدمی بردارد تا روحش آنقدر تقویت شود که در مقابل هیچکدام از عوامل منحرف کننده نفسانی و شیطانی تحت تأثیر قرار نگیرد تا بتواند آنچه از اعتقادات صحیح را فرا گرفته در عمل هم بصورت کامل بکار گیرد. اسم همین کار تهذیب نفس است که خدای تعالی بارها در قرآن به مناسبتهای مختلف ضرورت آن را بیان فرموده و معصومین نیز به طرق گوناگون همه را تشویق به آن نموده اند.

خدای تعالی علاوه بر اینکه در قرآن علت اصلی بعثت پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم را تزکیه نفوس معرفی می کند، در خیلی از موارد ضرورت و وجوب آن را بیان می نماید مثلاً

* بیش از ۵۰ مورد در قرآن صریحاً به انحرافی که عده ای بخاطر امراض روحی دارند اشاره شده است به ریشه عمیق و مریض در معجم المفهرس قرآن بنگرید.
** بعنوان مثال مرحوم کلینی در اصول کافی جلد ۱ صفحه ۲۳ از امام صادق علیه السلام روایتی را نقل می کند که حضرت ۷۵ صفت جهل را ذکر می فرمایند.

در سوره والشمس و جوب آن را پس از یازده قسم بزرگ مستقلاً مورد تأکید قرار داده است. تأکید خدای تعالی بر ضرورت تزکیه نفس برای ما مسلمین جای تأمل و دقت است تا متوجه شویم و بدانیم که هر چند اعتقادات صحیح هم داشته باشیم، اگر صفات رذیله در وجودمان باشد همانند موانعی بر سر راه اعتقادات قرار می‌گیرند و مانع اعمالی که لازم است براساس آن اعتقادات انجام دهیم، می‌شود.

وقتی روح بعللی دارای ضعف و مرض شد، شیطان هم آنرا زمینه خوبی برای تحریکات خود می‌یابد و القآت مسمومش را به آن وارد می‌کند. در این صورت عمل او تابع امراض و صفات رذیله می‌شود نه علمی که خود هم به آن معترف است در حالی که اگر روح سالم باشد اعمالش تابع آن اعتقادات صحیحی است که از ابتدا فرا گرفته است و بخاطر سلامت و قدرت روح هیچکدام از تحریکات شیاطین جنی و انسی در او اثر نمی‌کند و مانع حرکتش بسوی اجرای فرامین الهی نمی‌شود. لذا باید انسان روحش را از آلودگیها پاک نماید تا بتواند علمش را به عمل هم بیاورد. پس باید معتقد شد آنچه باعث انحراف مسلمین که دارای اعتقادات صحیح هستند شده و دامنه این انحراف به شاهرگ حیاتی زندگی بشریت و آب حیات معنوی روح انسانها یعنی امام زمان علیه السلام هم کشیده شده تنها شیطان نیست و درواقع او به خاطر ضعف فوق العاده انسانها و وجود صفات رذیله و امراض روحی توانسته بر آنها مسلط شود و زهر آگین ترین سمومش را در فضای کره زمین پراکند و این کار را به خاطر ادامه حیات خود دنبال کند. از این رو مهمترین کار شیاطین در این دوران این است که به وسیله ریشه دار کردن صفات رذیله و به ضعف کشاندن روحیات از طریق اشاعه فحشا و منکرات و عداوت و کینه و دل بستگی های دنیوی

و... مردم را از توجه به خودسازی و تهذیب نفس باز دارد. او می‌داند که اگر حداقل همین شیعیانی که اعتقادات صحیحی دارند، مانع عمل به اعتقادات یعنی امراض روحی را از جلوشان بردارند و روح خود را در پناهگاه ائمه اطهار علیهم‌السلام تزکیه کنند که مورد آسیب قرار نگیرند و قوی شوند، می‌توانند براساس اعتقاداتشان عمل نمایند و در مقابل وساوس و کید او که بسیار ضعیف است^{۹۰}، مقاومت نمایند و در آن صورت است که با رو آوردن مردم به شاه‌رگ حیاتی زندگی بشریت یعنی امام مرگ او فرا می‌رسد. حقیقت انسان روح اوست که اگر به صفات رذیله آلوده شود در واقع از انسانیت خارج می‌شود و روحش به صورت آن صفات درمی‌آید حضرت امام سجاد علیه‌السلام در پاسخ به زهری^{۹۱} که هزاران نفر از حجاج را در عرفات دیده بود و از تعدادشان تعجب کرده بود، فرمودند: چه بسیارند ضجه‌کنندگان ولی چه کمند حج‌کنندگان. او منظور امام را متوجه نشد و از ایشان توضیح خواست آن حضرت با دست مبارکشان به صورت او کشیدند. او مسلمینی که به خاطر اعتقادات غیر صحیح یا صفات رذیله ملکوتشان به شکل خوک و میمون درآمده بود را مشاهده نمود. او صحرای عرفات را به استثنای تعداد کمی پر از این حیوانات دید و وقتی از حضرت علتش را پرسید آن حضرت مطالبی به این معنا و مضمون فرمودند که اگر انسان نفسش را «به وسیله تهذیب نفس» مهیا و مطیع اجرای فرامین ما نماید، باعث می‌شود بتواند مناسک حج را انجام دهد در حالی که آماده‌ی ادای تعهداتی که با پروردگار نسبت به ادای حقوق ما بسته، باشد و اگر به خاطر داشتن اعتقادات غیر صحیح یا روح پر از صفات رذیله ظاهراً اعمال را انجام دهد ولی

۹۰- آیه ۶۷ سوره نساء

* - از اصحاب حضرت امام سجاد علیه‌السلام است.

روحش «حقیقش» مطابق با آن اعمال نباشد ملکوتش به همین شکل است^{۹۱}. با توضیحاتی که داده شد معلوم گشت آن چه باعث تأثیر فعالیت‌های شیاطین و مانع عمل صحیح انسان به اعتقاداتی که علم پیدا کرده، می‌شود، صفات رذیله و ضعف‌های روحی است و اگر مسلمینی که زمینه علمی و اعتقادی درستی برای عمل دارند، روح پاک و قلب سلیمی هم داشته باشند، معلوم است که با روح سالم می‌توانند آنچه اعتقاد دارند را در عمل، اختیار نمایند و گوش به القآت انحرافی شیطان ندهند و در این صورت جایی برای اطاعت او باقی نمی‌ماند. پس ادامه حکومت شیاطین تا وقتی است که مردم به خاطر صفات رذیله راه‌های انحرافی آنها را در فحشا و منکرات ادامه دهند و نتوانند حقیقتاً تابع امام‌زمان علیه السلام باشند که نماینده الهی در کره زمین برای براندازی هرگونه انحراف و ظلم و ستم است.

وحشت شیطان از چه کسانی است؟

پس از فوت پیامبر، شیطان از طریق منحرف کردن مردم در انتخاب جانشین ایشان زمینه بهره‌وری همه مردم دنیا را از داشتن اعتقادات صحیح که قدم‌اولیه برای کمال است را از بین برد و کاری کرد که عموم مردم دنیا از دسترسی به عقاید حقه اسلامی محروم شدند و معلوم است که این افراد وقتی وسیله اولیه و مهم اعتقادات صحیح را نداشته باشند، قدم اساسی بعدی را که تزکیه نفس است بر نمی‌دارند. لذا شیطان خیالش از مردمی که دارای عقائد باطله ادیان و مذاهب دیگر هستند راحت است. او توانست نفسانیت سردمداران ادیان دیگر را در هنگام ظهور اسلام تحریک کند و آنها را در همان مدار قبلی نگه دارد بخصوص که تبلیغات صحیحی هم که لازم بود در همان دوران از طرف افرادی که خود را خلیفه پیامبر می‌دانستند، انجام شود، نشد. شیطان می‌دانست آنها بعد از این کار بخصوص که دینشان تحریف هم شده بود نمی‌توانند اعتقادات درست را پیدا کنند تا چه رسد به این که به پاک‌سازی روح پردازند و در مقابل تحریکات او قدرت پیدا کنند. تا منطبق بر صراط مستقیم شود ترس و وحشت فوق‌العاده شیطان از شیعیانی است که دارای عقاید حقه و درست هستند او می‌داند آنها ممکن است دست از نفسانیت خود بردارند و با قدرت یافتن روحشان توسط تزکیه نفس در مقابل او قد علم نمایند و هرگونه تحریکات نفسانی و شیطانی او را واقعی نهند و با آن زمینه درستی که در عقائد دارند، متوجه نمایند و خلیفه حقیقی خداوند شوند که قرن‌هاست با همین ترفندها شیطان او را مورد بی‌مهری قرار داده است. او تا توانسته حتی شیعیانی را که

در هر دوره‌ای خواسته‌اند زیاد تبلیغ امام‌زمان علیه السلام را نموده و یا مردم را به تقید در اخلاقیات و دنباله‌روی از صراط مستقیم دین دعوت کنند، در نظر عوام و افراد کم‌اطلاع، سطحی و کارشان را غیر علمی و بی‌فایده قلمداد نماید تا با دورکردن آن‌ها از این افراد، مانع رفع صفات رذیله و ترک گناه شده و به هدفش مبنی بر ادامه غفلت از امام و در نتیجه طولانی‌تر شدن غیبت و بهره از زندگی نکبت‌بار گذشته، برسد و این عموم شیعیان بوده‌اند که بدون توجه به این ترفند و مکرهای او، به خاطر ضعفی که در روحشان داشته‌اند به جای تنظیم افکار خود و تعقل، در مقابل این تحریکات بی‌اساس اغوا شده‌اند.

پس آنچه تاکنون درباره نمایندۀ خداوند در همه دوره‌ها بخصوص در دوران غیبت کبری عملی شده نه به خاطر قدرت فوق‌العاده شیطان است بلکه به خاطر ضعف روحی و نفسانیت مردمی است که به دستور الهی مبنی بر تزکیه نفس گوش نداده‌اند و با وجود ضعف روحی، خود را به راحتی در معرض وساوس مسموم ابلیس قرار داده‌اند. پس خود مردم به خاطر کوتاهی که در خودسازی داشته و دارند باعث ادامه فعالیت شیاطین و بی‌توجهی به امام‌زمان علیه السلام و در نتیجه طولانی شدن غیبت شده‌اند یعنی این نفسهای مریض اگر سالم شوند محال است با اعتقاداتی که دارند ولایت غیرخدا را در عمل بپذیرند و سر بر آستان جز او بسپارند. در تفسیر آیه ۱۱ سوره رعد* «خداوند سرنوشت قومی را تغییر نمی‌دهد تا این که خودشان را عوض کرده، تغییر دهند» چنین آمده است که تغییری که باید مردم بدهند این است که نفس خود را برای انجام اعمال خوب درست کنند، چون هیچ بدی به آنها

* ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم...

نمی‌رسد مگر زمانی که خودشان به خاطر «امراض روحی» با انجام معاصی که نهی شده‌اند، خود را دچار آن می‌کنند و اگر آن را «نفس» برای انجام اعمال خوب درست‌کنند، سختی‌ها بر آنان پایان می‌پذیرد.^{۹۲}

شیطان روز قیامت در مقابل ادعای دروغین عده‌ای که در جواب خداوند، درباره علت معاصی می‌گویند شیطان ما را فریب داد، می‌گوید من فقط شما را دعوت کردم شما می‌خواستید این دعوت را اجابت نکنید شما امروز مرا ملامت نکنید بلکه نفسهای «مریض» خود را که باعث پیروی شما از من و تقویت دستور من در شما شد را ملامت کنید.^{۹۳}

۹۲- تفسیر برهان جلد ۲ صفحه ۲۸۴ پایان حدیث ۶

۹۳- سوره مبارکه ابراهیم آیه ۲۲

فصل دوم

کلید درب بسته غیبت، توبه از غفلت و دعا است

امیدواریم بیشتر از گذشته به خود آئیم و خدا و انبیاء و ائمه اطهار علیهم السلام به خصوص این امام مهربان و عزیز که بیش از یک هزار و یک صد سال پشت دربِ نفسانیتی که میان ما و ایشان ایجاد شده و ما هم آن درب را بسته نگه داشته‌ایم و مانع ظهور شده‌ایم، دست برداریم و عاجزانه به وسیله رفتن به سوی پاک شدن از گناه و معصیت و توبه به درگاه خداوند بخاطر گناهان و غفلت از امام زمان علیه السلام خود را برای فرج و ظهور موفورالسرورش آماده نمائیم.

صاحب کتاب مکیال المکارم از قول مرحوم آیه الله میرزا محمد باقر اصفهانی رحمه الله علیه نقل می‌کنند که:

(شب‌ی در رؤیای صادق‌ای دیدم حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام به من فرمودند: روی منبرها به مردم بگوئید و به آنها

دستور اکید دهید که به درگاه خداوند توبه کنند و برای فرج حضرت حجّت علیّه و تعجیل در آن دعا نمایند. این دعا مانند نماز میّت نیست که واجب کفائی باشد که وقتی عده‌ای برای ادایش به پا خاستند از بقیّه ساقط شود بلکه همانند نماز یومیّه‌ای است که بر فرد فرد مکلفین واجب است*).

این نمونه‌ای از تأکیدات معصومین است که همانند انتظاری که خدای تعالی در قرآن از ظهور امام زمان دارد باید برایمان تکان دهنده باشد. البته اگر هیچکدام از این نوع توصیه‌ها هم نبود، هر انسان عاقلی و جوب و ضرورت فوق‌العاده‌ی نیاز به مصلح مقتدر برای برقراری صلح و آرامش و عدالت را در جهان احساس می‌کند تا چه رسد به مسلمین و شیعیان که وجوب ظهور احياءکننده فرائض و سنن پروردگار در دنیا که از زمان اجرایش این همه تأخیر شده را باید لمس کنند. چون جزو اعتقاداتشان است واقعاً باید از این همه بی‌توجهی به حضرت و آماده کردن زمینه فعالیت این موجود لعین و رجیم «شیطان»، به درگاه خداوند توبه نمائیم و از این که تاکنون آلت دست تحریکات بی‌اساس و بدون پایه و ارزشش بوده‌ایم، از خداوند بزرگ پوزش طلبیم و ظهور این امام مهربان و عزیز را که غیبت یک هزار و یک صد ساله‌اش برایمان عادی شده را از خدا بخواهیم. باید پرسید چرا طولانی شدن غیبت آن حضرت برایمان نگران کننده نیست؟

آیا اگر پدر یک خانواده ساعاتی را برای برگشتن به خانه دیر کند اهلش به جستجویش بر نمی‌خیزند؟

آیا اگر در هوای گرم تابستان تشنه آب سردی باشیم به دنبالش نمی‌گردیم؟
 آیا اگر به مریضی بدنی دچار شویم به دنبال درمان و پیدا کردن طبیب به هر
 دری نمی‌زنیم؟

ما را چه شده که به اندازه نیاز به یک پدری که به خانه نیامده خود را نیازمند به
 امامان نمی‌بینیم؟

چه ستمی نوشیده‌ایم که احساس نیاز به آب حیات و گوارای غائب نمی‌کنیم؟
 چه آمپول بی‌حسی قوی شیاطین به غیرت ما زده‌اند که با این همه مرضهای
 روحی که در دنیای بی‌امام‌زمان وجود دارد، دلمان به درد نیامده است؟
 و احساس نیاز به درمان دنیا نمی‌کنیم؟

این امام مهربان که به منزله فرمانده این زمان در کره زمین برای ما هستند، منتظر
 احساس نیاز ما به ایشان و درخواست کمکمان هستند. یکی از اموری که شیاطین به
 وسیله آمپول بی‌حسی می‌خواهند به روح ما وارد کنند غفلت از اهمیت دعا و
 توسل است که بخصوص برای فرج و ظهور مقدس حضرت بقیه‌الله الاعظم باید
 انجام دهیم. خدای تعالی در قرآن کریم بارها اهمیت دعا را که باعث استجاب
 خواسته‌هایمان می‌شود^{۹۴} و یا این که اگر از طرف ما دعا نباشد به ما اعتنائی
 نمی‌کند^{۹۵} را بیان نموده است. ائمه اطهار علیهم‌السلام شرایط و چگونگی دعا کردن را به ما
 آموخته‌اند و خود در اموری ادعیه کامل و روح افزائی را برای رشد و سلامت
 روحی مان تعلیم داده‌اند. حضرت ولی عصر ارواحنا فداه در بعضی تشریفات که
 نصیب دوستانشان نموده‌اند، توصیه به دعا برای فرج فرموده‌اند.

۹۵- آیه ۷۷ سوره مبارکه فرقان

۹۴- از آن جمله آیه ۶۰ سوره غافر

ائمہ اطہار علیہم السلام وقتی دیدند موقعیتهائی که ممکن بود با متوجّه شدن مردم ایجاد فرج و گشایشی در امر ولایت معصومین علیهم السلام بشود، با بی توجهی‌هایی که مردم به وسیله القات شیاطین انجام دادند، از دست رفت، راه بسیار مهم و مؤثر و اساسی دعا و تضرّع که می‌تواند گذشته را جبران نماید را به ما توصیه فرمودند و تأکید نمودند که چاره واقعی و نهائی وضعیتی که پیش آمده و خواهد آمد با تضرّع و دعای اساسی میسر است.

دعا، رساننده وقت معلوم است

در توضیح این مطلب باید گفت با توجه به آن چه از ابتدای کتاب گفتیم مشخص شد، آن وقت معلوم و مهلتی که خداوند برای زندگی شیطان تعیین کرده بود می‌توانست از ابتدای زندگی ائمّه اطہار علیهم السلام به وسیله رو آوردن همه مردم به آنها باشد و چون تا زندگی امام حسن عسکری علیه السلام این امر انجام نگرفت طبیعی‌اش این بود که بعد از شهادت ایشان آخرین حجّت خداوند یعنی حضرت ولی عصر ارواحنا فداه زمام جامعه مسلمین را ظاهراً هم به دست گرفته و کاری که از ابتدای زندگی معصومین علیهم السلام قرار بود انجام شود را انجام دهند که گسترش اسلام در سرتاسر عالم و برقراری حکومت جهانی و از بین رفتن همه موانع از جمله شیطان بود. در حالی که همان‌طور که شاهدیم تاکنون به عقب افتاده و انجام نشده است و اکنون که وضع به ایجاد کشیده شده اگر مردم باز هم به مسئله ظهور امام زمان‌شان بی توجهی نمایند و مصرّانه و یکپارچه طالب ظهور نشوند خداوند فرج حضرتش را

تا انتهایی که برای غیبت در نظر گرفته است و ما از زمان آن بی خبریم، ممکن است به عقب اندازد. البته این نهایت هر لحظه ممکن است فرا رسد چون هیچکس جز خداوند از آن خبر ندارد و لازمه داشتن روحیه انتظار برای یک معتقد این است که به همین خاطر همیشه متوقع ظهور باشد و آماده نبودن مردم را دلیل بر انجام نشدن ظهور تلقی نکند ولی ممکن هم هست که این نهایت خدای ناکرده بسیار دورتر باشد. آن چه می خواهیم بگوئیم این است که آنچه معصومین علیهم السلام به عنوان چاره درد غیبت توصیه فرموده اند این است که مردم هر دوره ای اگر با تضرع و دعا که از نیاز روحی شان برخاسته باشد، متوجه خدا شوند و از غفلت و معاصی توبه نموده و فرج حضرتش را از خداوند بخواهند، غیبت قبل از رسیدن به انتهایش پایان خواهد یافت و برای این که ما بهتر متوجه شویم مثال زده و فرموده اند:

خداوند با بشارت هایی که به حضرت ابراهیم داد نهایتی را برای نجات بنی اسرائیل از زیر بار ظلم به وسیله منجی آنها «حضرت موسی» در نظر گرفته بود و آن ۴۰۰ سال بعد بود ولی راه دعا و تضرع را هم به آنها آموخت تا اگر از اعمال زشتی که داشته اند و بی توجهی هائی که به حجج الهی داشته اند به درگاه خداوند توبه نموده و تضرع نمایند، ظهور این مصلح به جلو بیفتد و آنها با این آموزش این کار را کردند و شبها گاه به بیابان ها می رفتند و گریه و زاری می نمودند و مجالس دعا تشکیل دادند و به خاطر همین دعاها و تضرع ها خداوند از ۱۷۰ سال باقی مانده آن انتها صرف نظر کرد و حضرت موسی را برای نجات آنها رسانید، همان طور هم اگر امت پیامبر اسلام از بی توجهی هائی که نسبت به امام زمان شان داشته اند توبه نمایند و به درگاه خداوند تضرع کنند، قبل از رسیدن

انتهای غیبت، ظهور انجام خواهد شد^{۹۶}.

در این جا لازم است درباره چگونگی اعتقاد به انتهائی برای زمان غیبت که در این حدیث آمده توضیح بیشتری داده شود. اعتقاد به بودن مدّتی برای زمان غیبت به این معنا نیست که خداوند غیبت امام را تقدیر کرده و از ابتدا آن را خواسته است بلکه همان طور که قبلاً گفتیم اصلاً قرار بر این بود که یک یک معصومین علیهم السلام از اوّل تا آخرینشان بعد از پیامبر اسلام زمام جامعه را «ظاهراً هم» در دست گرفته تا اسلام از همان سالهای اوّل در سرتاسر عالم فراگیر شود و همه موانع از جمله شیطان از بین برود. ولی چون انسان با القاء شیاطین از اختیار خود به خاطر صفات رذیله سوء استفاده کرد و یک یک ائمّه را مسموم و مقتول نمود و آنها را از قرارگرفتن در جایگاه و رتبه الهی شان محروم کرد، برای این که آخرین حجّت به وسیله همین اختیار جهّال از بین نرود و حکم قطعی پروردگار مبنی بر حکومت جهانی که اصلاً علت عمده خلقت این دانشگاه هستی در کره زمین بخاطر همین بوده، انجام شود، خداوند امام را از دسترسی بقیّه دور نگه داشت اسم همین حالت غیبت است و انتهائی غیبت در این حدیث به معنای این است که با توجه به مختار بودن انسان تا وقتی خطر از بین رفتن امام وجود دارد، خداوند همین غیبت را برای امام می خواهد. البته به شرطی که طول کشیدن این مدّت آن قدر نشود که با اصل تشکیل و ایجاد این دانشگاه کره زمین منافات داشته باشد یعنی به قیامت منتهی شود. پس باید گفت چون خداوند می داند تا چه موقع اگر این غیبت با سوء اختیار مردم ادامه یابد، منافاتی با اصل تشکیل و خلقت انسان در کره زمین ندارد، آن زمانی که ادامه غیبت بخوهد با این

۹۶- بحارالانوار جلد ۵۲ صفحه ۱۳۱ حدیث ۳۴ به نقل از تفسیر العیاشی

اصل منافات داشته باشد حتی اگر هیچ کس هم تقاضای ظهور را نداشته باشد و آماده نباشد، خداوند ظهور امام را می‌رساند و این است معنای انتهای غیبت.

حال که با اشاره حکیمانه معصومین علیهم‌السلام بخصوص با این فرمایش حضرت امام صادق علیه‌السلام دانستیم مهمترین عامل پایان دهنده به دوران تلخ غیبت بیداری از خواب غفلت و احساس نیاز واقعی و دعا و تضرع است چقدر خوب است دوستداران اهل بیت و آنهایی که قدم‌هایی را در راه خدا حرکت کرده‌اند و در واقع خود را از تیررس شیاطین دور نموده و در پناه و امنیت معصومین علیهم‌السلام بسر می‌برند، با احساس نیاز واقعی که به وجود مقدس حضرت ولی عصر ارواحنا فداه می‌نمایند، مجالس دعا تشکیل داده و به درگاه خداوند تضرع نمایند و درمان واقعی همه دردهای دنیای بی‌امان را با فرج حضرتش از خدا بخواهند.

شرایط تأثیر دعا برای فرج امام زمان علیه السلام

دعا درباره ظهور وقتی اثر خودش را می‌گذارد که ما به ۳ مطلب به طور یقینی اعتقاد داشته باشیم:

۱- برای برآمدن حاجت‌مان در مقابل خداوند خود را فقیر و نیازمند کامل بدانیم یعنی غیبت امام زمان علیه السلام و وضعی که مردم دنیا دارند برایمان عادی نباشد. سمپاشی‌های شیاطین و آلوده بودن هوای معنوی جوامع بشری به وسیله بمباران‌های شدید آنها از یک طرف و بی‌توجهی مردم به این خطرات و در نتیجه مسموم و زخمی شدنشان از طرف دیگر، باید ما را به این یقین برساند که همگی مان محتاج مداوای اساسی هستیم تا دردهای معنوی و مادی جامعه دنیائی مداوا شود. شیاطین در این مدت تا توانسته‌اند بنیاد اعتقادی و معنوی جوامع را نشانه گرفته و آن را به امراض و انحرافات دچار کرده‌اند و لازم است به وسیله قدرت لایزال الهی و ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا فداه مداوا و جبران شود.

۲- خداوند را غنی مطلق و قادر کامل برای برآوردن حاجت خود بدانیم و یقین داشته باشیم که خداوند و امام زمان نیازمند ظهور نیستند بلکه از فرط مهربانی و رأفتی که دارند برای پایان بخشیدن به ظلمی که بر خود روا داشته‌ایم، انتظار بیداریمان را می‌کشند تا نعمتهای معنوی و مادی خود را به ما ارزانی دارند و انجام این امر بزرگ در کره زمین برای پروردگار جهانیان که قادر مطلق است بسیار ساده است و به محض اراده نمودن انجام می‌شود.

۳- بعضی از دعاهایمان ممکن است به خاطر مصالحی که نمی‌دانیم آن طور

که خواسته‌ایم به اجابت نرسد ولی دربارهٔ دعا برای ظهور باید یقین کنیم که این خواسته از جمله مواردی است که خدا و انبیا و ائمه و ملائکه خود را در ردیف منتظرین قرار داده و واقعاً خداوند می‌خواهد این حاجت را برایمان برآورده نماید البته به شرطی که این خواسته به صورت یک حرکت همگانی و یک پارچه از ناحیه لاقل عموم شیعیان و معتقدین به وجود مصلح جهانی انجام شود*.

اگر شیعیان که محبت مکنونه‌ای از ائمه اطهار علیهم‌السلام و بخصوص امام عصر ارواحنا فداه دارند به این شروط توجه کنند و یکدیگر را به ایجاد این روحیه توصیه نمایند و سعی کنند مجالسی مستقل تحت عنوان دعا برای توبه از غفلت و تقاضای تعجیل در ظهور امام زمان علیه‌السلام از خداوند در مساجد و منازل خود برگزار نمایند، همان‌طور که امام صادق علیه‌السلام وعده‌اش را داده‌اند حتماً مؤثر خواهد بود چون به همان راهی که خود آن‌ها توصیه نموده، عمل کرده‌اند.

* البته این به آن معنا نیست که اگر عدهٔ کمتری این حرکت را انجام دهند یا هیچکس ظهور را نخواهد، انجام نخواهد شد.

قدم اول و رؤیای صادق

یکی از دوستان اران امام‌زمان علیه السلام که سالها است به این عنوان شناخته شده و حتی خانه مسکونی اش را دو نیمه کرده و نیمی از آن را بنام مهدیه نامگذاری نموده و جلساتی در آن برگزار می‌نماید، با راهنمایی یکی از روحانیون اهل معنی مجالسی تحت همین عنوان برگزار نمود که بسیار خوب بود و به گفته عده‌ای تأثیرات معنوی خوبی هم در مردم گذاشت. یکی از دوستانم که خودش در یکی از این جلسات شرکت کرده بود می‌گفت در ابتدا مردّد بودم که به این جلسه بروم یا نه بالاخره در یکی از این جلسات شرکت کردم و بعد از آن چون به دستور خدا و امام صادق علیه السلام عمل کرده بودم بسیار خوشحال و در نشاط خوبی بودم و اگر خوابی را که در تأیید رفتارم برای رفتن به چنین جلسه‌ای دیدم هم نمی‌دیدم در عقیده‌ام تأثیر نمی‌گذاشت ولی چون مطابق با روایات و مشوّق شیعیان برای تشکیل چنین جلساتی است آن را نقل می‌کنم: شبی بعد از شرکت در جلسه در عالم رؤیا دیدم در راهی در حال حرکت به سوی مقصدی که آن را بسیار دور می‌پنداشتم، هستم. آن راه خاکی و پر از سنگلاخ و پستی و بلندی بود. نمی‌دانم چطور شد که یک مرتبه متوجه راهی که در طرف راست همان جاده پرفراز و نشیب بود، شدم و بدون معطلی پا به آن مسیر نهادم این راه به وسیله چند پله به مقصد می‌رسید. در همان حالی که روی پله آخری بودم صدائی را شنیدم که می‌گفت:

«اگر برای رسیدن به آنچه نزد ماست و شما باید مثلاً ۱۰۰ جزء داشته باشید،

اگر به اندازه ۵ جزء آن را دارا باشید ولی از روی نیاز به آن به درگاه خداوند دعا

کنید، از راهی که ما هدایتتان می‌کنیم به همه آن ۱۰۰ جزء می‌رسید»
 وقتی بیدار شدم متوجه شدم می‌خواسته‌اند به خاطر تردیدی که در رفتن به
 این جلسه داشتم به من بفهمانند که تشکیل چنین جلساتی بسیار مورد تأیید خدا و
 امام‌زمان علیه‌السلام است و اگر مردم چنین جلساتی را برای تقاضای فرج و ظهور تشکیل
 دهند، خود را از سختی‌هایی که مثل سنگلاخ‌های راه زندگی است و به آن عادت
 کرده‌اند نجات داده و راه رسیدن به صلح و آرامش را کوتاه و میان‌بر کرده‌اند.
 این جریان و خواب را وقتی از قول او برای یکی از روحانیون دیگر نقل کردم
 ایشان گفت قول می‌دهم در مسجدی که نماز می‌خوانم این کار را انجام دهم و به
 مردم توصیه کنم همانند جلساتی که در ماه محرم و صفر یا رمضان و ایام فاطمیه
 برای عزاداری می‌گیرند، لااقل در ماه شعبان هم جلساتی تحت عنوان

جلسه دعا برای تعجیل در فرج امام‌زمان علیه‌السلام

بگیرند و مردم را بیشتر از گذشته متوجه امام‌زمان علیه‌السلام بنمایند.

قدم دوم و تأییدی از حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) مطابق با قرآن و روایات

همان طور که گفتیم دعا برای فرج امام زمان علیه السلام وقتی مؤثر است که از روی نیاز واقعی به وجود مقدس حضرت و با شناخت این که دنیا الآن محتاج مصلحی که خداوند از قرن‌ها پیش برایش در نظر گرفته و بشارت آمدنش را داده، باشد. مثل چنین دعائی مثل وقتی است که انسان بدنش واقعاً محتاج غذا است و این احتیاج به صورت اعلام نیاز زبانی هم بروز می‌کند. تا وقتی مردم دنیا نیازهای روحی و راه دست یافتن به حقایق عالم و نحوه بکارگیری روش‌های زندگی دنیوی را به وسیله راهکارهایی که از غیر طریق معصومین علیهم السلام ارائه شده تشخیص دهند، مثل کسی هستند که عطش و نیاز بدنی اش را با چیزهایی که غذا پنداشته، سیر کند و باعث از بین رفتن اشتها و نیاز به غذایی که می‌تواند او را رشد دهد، شود.

بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به خاطر ایجاد موانعی که برای امامت ظاهری معصومین علیهم السلام بر مردم پیش آمد به خصوص بعد از سال ۱۴۰ هجری، شیاطین جنی و انسی موقعیتی یافتند و توانستند مخصوصاً نیازهای روحی انسانها را از اعتقادات و احکام و اخلاقیات با ارائه مطالب ساختگی و بی‌اساس که خصوصیت عمده‌اش مورد تأیید نبودن از ناحیه خاندان با عظمت عصمت و طهارت علیهم السلام و همانند سرابی برای تشنگان حقایق بود، منحرف نمایند. و این دوران دوری از آب حقایق در دوران زندگی ظاهری ائمه کما بیش برای افرادی که معرفت به امام نداشتند، وجود داشت و هرچه زمان می‌گذشت بخصوص بعد از غیبت امام عصر ارواحنا فداه که همانند فروکش کردن آب حیات در چاهی که مدتی از آن آب

نکشند، بود ادامه یافت. خدای تعالی امام علیه السلام را که دارنده همه حقایق مورد نیاز مخلوقات و در واقع آب حیات هستی است را در زمانی که مورد بی‌مهری قرار گرفت به چاهی که مدتی آن را بلااستفاده قرار دهند و آبش فروکش کند، تشبیه نموده است^{۹۷} تا اگر بشریت روزی به سر عقل آید و در راهکارهایی که به خاطر رفتن به مسیرهای انحرافی رفته، شکست بخورد و بداند که باید سر بر آستان افرادی بگذارد که از نظر علم و قدرت و پاکی و مدیریت هیچگونه نقصی ندارند و در واقع بفهمد که آن چه تا آن وقت حقیقت پنداشته و به خوردِ روحش داده، آب حقیقی نبوده، خود را به این چاه تعطیل شده برساند و با مکش‌های قوی یعنی تضرّعی‌های از روی نیاز باعث برگشت آب یعنی ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا فداه برای بهره‌مند شدن دنیا از مزایای آن شود. همانند تشنه سرگردانی که به چنین چاهی در بیابان می‌رسد و برای نجات از مرگ حتمی و رسیدن به زندگی درست و دوباره هر کار که بتواند برای کشیدن آب از چاه انجام می‌دهد. بعضی از معصومین علیهم السلام در تفسیر آیه ۳۰ سوره ملک* به این معنا فرموده‌اند که اگر امام شما «که به منزله آب حیات است» غائب شود چه کسی می‌تواند برایتان امام بیاورد؟^{۹۸} باید فکر کرد و پاسخ داد که چه نیروئی مثل نیاز حقیقی خودمان که نسبت به ظهور امام باید احساس کنیم می‌تواند کارساز باشد و باعث ظهور شود؟ لذا باید احساس نیاز واقعی در همه اقشار مردم ایجاد شود و همه در طلب حضرتش یک پارچه و

۹۷- تفسیر برهان جلد ۳ صفحه ۹۶ حدیث ۷
 * قل أرأیتم ان اصبح ماءکم غوراً فمن یأتیکم بماءٍ معین.
 ۹۸- تفسیر برهان جلد ۴ صفحه ۳۶۷ حدیث ۶

همدل گردند و وضعیتی که دنیا از نظر اعتقادات و اخلاقیات و کجروی‌ها و انحرافات که در این زمینه‌ها دارد باید ما را متقاعد نماید که همانند تشنگانی هستیم که در بیابان غیبت چنانچه به وسیله ظهور حضرت بقیه‌الله الاعظم ارواحنا فداه از این منبع پاک و عظیم حقایق سیراب نشویم، می‌میریم چون زمان این تشنگی برای روحمان بسیار طولانی شده است. آیا هنوز وقت آن نرسیده که این احساس تشنگی و طولانی شدن آن را احساس کنیم.

در دهه اول محرم سال ۱۴۲۰ چون قرار بود در یکی از مجالس عزاداری در مشهد مقدس که در یکی از خیابانهای مرکزی مشهد برگزار می‌شد، سخنرانی نمایم در فکر بودم که چه صحبتی نمایم که علاوه بر عزاداری حضرت سیدالشهدا علیه السلام در جهت خدمتگذاری حضرت ولی عصر ارواحنا فداه مؤثر باشد یعنی بشود این نتیجه را گرفت که باید کار مردم آن زمان برایمان عبرت باشد و در یاری امام این زمان یکپارچه شویم و بدانیم مصیبت عزای امام حسین علیه السلام هنوز تمام نشده بلکه با عزای غیبت امام عصر ارواحنا فداه ادامه یافته و بیشتر شده است. یکی از همین شبها، همسر فردی که من در منزلشان منبر می‌رفتم در رویای صادقه‌ای دیده بودند که در منزلشان روضه است و وقتی ایشان وارد منزل شده و به طرف محوطه‌ای که محل روضه بود رفت، حضرت ولی عصر ارواحنا فداه را دیده بود که در مجلس نشسته‌اند. ایشان گفت منم در جایی نشستم که نزدیکتر از بقیه به حضرت بود... دیدم حضرت رو به من کردند و فرمودند به آقای گنجی بگوئید به دوستان بگویند باید ما را همانند دوست داشتن فرزند نسبت به مادرش وقتی سینه‌اش خشک شده و از روی نیاز و علاقه شدید آن فرزند آنقدر می‌مکد تا سینه مادر به شیر

می آید، دوست داشته باشند و محبتشان به ما اینطور باید باشد و اظهار محبت تنها کافی نیست. وقتی روز بعد این مطلب را برایم نقل کردند من ابتدا متوجه منظور حضرت نشدم و وقتی به خانه آمدم در فکر بودم که چه نتیجه کاملی می شود از این توصیه حضرت گرفت لحظاتی استراحت کردم وقتی بلند شدم متوجه مطلبی شدم و آن این قسمت از دعای ندبه بود که (فقد طال الصدی) یعنی برآستی که تشنگی سخت بسیار طولانی شد و طوری این مطلب در ذهنم آمد که نمی توانستم خود را از آن منصرف کنم و آنوقت مطابقت رؤیای صادقه ای که با بسیاری از روایات و بعضی آیات قرآن درباره حالتی که باید مردم نسبت به امام زمان علیه السلام داشته باشند را بهتر متوجه شدم و این جمله دعای ندبه که متی ننتفع من عذب مائک فقد طال الصدی یعنی ای امام عصر چه موقع وقت آن می رسد که ما از آب گوارای وجود شما در ظهور بهره مند شویم؟ چون بعد از غائب شدن شما بعثت طولانی شدن غیبت تشنگی بر ما سخت شده است، برایم معنای دیگری پیدا کرد و در آن چند شب درباره این موضوع صحبت کردم.

امیدواریم این احساس نیاز در ما به وجود آید و برای سیراب شدن دنیا از شیر علوم اهل بیت قدم کوتاه اعلام آمادگی و تضرع را به درگاه خداوند به صورت یکپارچه و همگانی برداریم.

انشاءالله

فصل سوم

ارتباط با امام و معرفت او چاره درد غیبت است

در پایان کتاب می خواهیم ببینیم اگر مردم دنیا به آنچه خداوند و انبیاء و معصومین علیهم السلام درباره امام زمان علیه السلام فرموده اند بی اعتنائی کنند و آن انتهائی هم که خدا برای غیبت امام (با آن توضیحی که دادیم) در نظر گرفته به این زودی نباشد و این وضع غیبت خدای ناکرده طولانی تر شود، آیا راهی برای رهائی از آن برای خواص و شیعیانی که تا حدی متوجه این حقایق شده اند، وجود دارد تا بوسیله آن از آثار زمان غیبت و گرفتاریهای آن در امان مانند؟

در ابتدا لازم است به این سؤال پاسخ داده شود که اصلاً گرفتاریهای زمان غیبت و آثار این حادثه تلخ چرا دامنگیر مردم شده یعنی علت تأثیرگذاری زمان غیبت بر ظاهر و باطن مردم چیست؟

با کمی دقت متوجه می شویم که علت بروز مشکلات و نقائص در زندگی افراد

و در نهایت در جوامع این است که بشر بوسیله افکار خودش به همه آنچه واقعاً
برایش مورد نیاز است خواسته است برسد. او برای ارضای نیازهای روحی و
بدنی اش بوسیله تجربه و نوآوری های مختلف راههای گوناگون را عمل می کند و
چون از شناخت نیاز واقعی ناتوان است باعث ایجاد ناهنجاریهای فردی و
اجتماعی می شود پس اشتباه در تشخیص نیازهای روحی و جسمی و رفتن به
راههای ناصحیح که با افکار بشری انجام می شود باعث گرفتاریهای مختلف
می شود. ارضا و رشد هر یک از نیازهای روحی و جسمی وجود انسان راه خاصی
دارد که توسط آفریننده انسان برای رسیدن به کمال، تعیین شده است و معلوم است
که اگر این نیازها از غیر این مسیر بخواهد برآورده شود، باعث رشد صحیح و
رضایت خاطر انسان نمی شود. همان طور که مثلاً یک اتومبیل برای روشن ماندن و
حرکت به چیزهایی نیاز دارد که باید بوسیله همانها تغذیه شود تا باعث ادامه
حرکتش شود و اگر به جای آب، روغن و بجای روغن، آب و به جای بنزین مثلاً نفت
یا چیزهای دیگر استفاده شود این اتومبیل دچار نقائصی می شود و از حرکت باز
می ماند. با این توضیح مختصر و مثال ساده می گوئیم هر کدام از دستورالعمل های
اعتقادی و اخلاقی و احکام که از طرف معصومین علیهم السلام بیان شده برای ارضاء و
رشد بخشی از وجود انسان است و در واقع دستورات معصومین علیهم السلام دقیقاً منطبق
با نیازهای موجود در فطرت و بدن انسان است و اگر وجود انسان با القاء و وسوسه
شیاطین برخلاف فطرت عادت نکرده و تغییر نیافته باشد، عمل به این دستورات
راحت و مورد پذیرش و باب طبع انسان است ولی کسانی که خود را تحت تأثیر
بمبهای مخرب شیاطین قرار داده باشند و روحشان به آن مواد تخدیرکننده عادت

کرده باشد، این اصول ارائه شده از طرف اهل بیت برایشان نامأنوس و غیرعادی است و نمی‌توانند خود را با آنها که برای رشد و کمالشان مورد نیاز است، منطبق سازند و به همانچه خود آن را درست پنداشته‌اند دلگرمند.

خدای تعالی در قرآن اعمال کسانی را که به جای جستجو از آب حقایق یعنی معارف بلند خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام که مطابق با فطرت انسانهاست، در پی اموری هستند که باعث فریب شده و روح تشنه انسان را سیراب نمی‌کند، به سرابی تشبیه کرده است که فرد تشنه آب را در بیابان به اشتباه می‌اندازد.^{۹۹}

بعضی از این افراد درجه انحرافشان بیشتر از این شده است یعنی با این که می‌دانند به آب حیات دست نیافته‌اند «نتوانسته‌اند در زندگی با اطاعت کامل از معصومین علیهم‌السلام و استفاده بجا از دستوراتشان به معنویت و رشد برسند» به خاطر عادتی که به امور بی‌اساس و واهی دارند، حاضر نیستند یا نمی‌توانند از آنها دست بکشند درست مثل معتادانی که با اعتراف به بدی مواد مخدر و خوبی سلامت باز هم بطرفش می‌روند و از آن دست نمی‌کشند. پس اشتباه در تشخیص نیازهای انسانی و انحراف در برآورده کردن این نیازها که از جهل انسان ناشی می‌شود، باعث تغییر مسیر انسانیت انسان می‌شود و شیاطین نیز از این جهالت بیشترین استفاده را کرده و او را به انواع راه‌های انحرافی که او را از صراط مستقیم دورتر کند می‌کشانند.

میزان تشخیص معروف و منکر، دستور امام است

در اینجا به ابتدای کلام در این باره برمی‌گردیم که اگر انسان بخواهد خود را از نقائص و مشکلاتی که در زندگی دامن‌گیر افراد و بعد از آن جوامع مختلف در ابعاد سیاسی و اجتماعی و فرهنگی شده، برهاند باید خود را با نحوه ارضای نیازهای انسانی که از طرف معصومین علیهم‌السلام ارائه شده، منطبق نماید و در یک کلمه امام را به این عنوان که حق امر و نهی درباره همه امور را دارد، بشناسد و این همان معنای مفترض الطاعة بودن امام «واجب بودن اطاعت امام» که اولین درجه معرفت امام است می‌باشد. در زمان زندگی حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام چون دنیای آن روز به ایشان پشت کرده بود و یزید می‌خواست جامعه را با ملاک‌های نفسانی و شیطانی خودش منطبق نماید و این باور را که حق امر و نهی درباره نحوه سیراب کردن نیازهای انسان‌ها با امام است را از بین ببرد و خود را به جای امام بنشاند، آن حضرت قیام نمود تا به همه بفهماند میزان برای تشخیص معروف و منکر، امام است و خود حضرت همین مطلب را که برای امر به معروف و نهی از منکر قیام نموده‌اند، در بیان مبارکشان اعلام نمودند^{۱۰۰}. لذا همان‌طور که گفتیم اگر در آن موقع مردم امام حسین علیه‌السلام را انتخاب می‌کردند، فرج و گشایشی که از بعد از پیامبر قرار بود انجام شود، با تأخیر صورت می‌گرفت.

با این توضیحات می‌گوئیم علت تأثیرگذاری آثار زمان غیبت بر ظاهر و باطن زندگی مردم در هر دوره‌ای، بی‌معرفتی مردم نسبت به امام هر زمان بوده است.

حداقل معرفت این است که انسان بداند برای رفع نیازهای روحی و جسمی باید به دستورات آنها عمل نماید تا مانند تغذیه شدن برگ از ساقه، با ریشه درخت مرتبط باشد و از زندگی بهره‌مند شود. عده‌ای به خاطر این که در برآوردن نیازهای روحی و جسمی خود به دستورات ائمه اطهار علیهم‌السلام عمل نکرده‌اند، باعث شده تا مورد هدف تیر شیاطین قرار گیرند و در نتیجه روحشان به صفات رذیله‌ای دچار شود. هر کدام از صفات رذیله در وجود انسان بخصوص برای شیعیان در حکم مانعی برای کسب معرفت به حق امام و مانند قرار گرفتن مانعی در تغذیه برگ از ساقه که موجب مرگ آن نیز می‌شود، است و اگر انسان بتواند موانع بین خود و امام را برطرف نماید چون با شجره طيبة الهی مرتبط می‌شود از نتایج این ارتباط که تغذیه از آب حیات و در نتیجه رشد و در نهایت از بین رفتن گرفتاری‌های دوران غیبت است بهره‌مند می‌شود.

ارتباط با امام زمان علیه السلام و در نتیجه معرفت به حق ایشان چاره نجات از گرفتاری های غیبت است

خدای تعالی در قرآن لزوم ارتباط با امام زمان علیه السلام را در بعضی آیات به صورتهای مختلف و بخصوص در آیه آخر سوره مبارکه آل عمران بیان فرموده است آن جا که می فرماید:

يا ايهاالذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقواالله لعلکم تفلحون

حضرت امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه می فرمایند:

یعنی با امام منتظر خود ، ارتباط برقرار کنید.*

در دوران غیبت کبری امام زمان علیه السلام که به خاطر غفلت مردم دنیا از حقایق و فراموشی از ارتباط با امام عصر باعث بی توجهی به حق این عزیز شده است، چون این قطع ارتباط با ریشه درخت هستی «امام زمان» محروم شدن از حیات واقعی و باروری صحیح را برای مردم در پی داشته، لازم است هر کدام از شیعیان به این دستور قرآن و معصومین عمل کرده و لااقل برای نجات از گرفتاری ها و ناهنجاریهای دنیای بی امام زمان، خود را با این تنه عظیم هستی پیوند دهند.

* تفسیر برهان جلد ۱، صفحه ۳۳۴

قدم اولیّه ارتباط با امام زمان این است که ایشان را در همه جهات زندگی از اعتقادات و اخلاقیات و احکام و آداب و رسوم بر خود امام قرار داده و در همه این موارد مطابق با ایشان که **صراط مستقیم** دین هستند، شویم و سعی کنیم سرسوزنی از دستورات ایشان تخلّف ننمائیم این همان درخواستی است که لااقل روزی ده مرتبه از خداوند می خواهیم که **اهدنا الصراط المستقیم**. اگر چنین کنیم از مراتب بعدی این ارتباط که بهره مند شدن از حقایق و معارف و نیل به درجات کمال انسانی و ارتباط دائمی روحی با حضرت است، نیز بهره مند خواهیم شد.

شیاطین در همه دوره ها سعی کرده اند از ضعف های روحی و اعتقادی مردم سوء استفاده کرده و به وسیله ایجاد و ریشه دار کردن صفات رذیله در انسان ها مانع ارتباط بین برگ «شیعیان» و درخت «امام» که باعث تغذیه و معرفت می شود، شوند^{۱۰۱}. آنها می دانستند که اگر مردم به مقام امام کمترین معرفت را پیدا کنند، یعنی برای برآوردن نیازهای روحی و جسمی مطابق دستور امام عمل کنند، لازمه اش این است که هیچ چیز را بر امام ترجیح ندهند. لذا از مهمترین فعالیت های آنها از بین بردن زمینه ای بوده است که به وسیله آن امکان کسب معرفت امام به این معنی که گفته شد، وجود دارد. این زمینه برای شیعیانی که از اعتقادات صحیح برخوردار دارند همان روح سالمی است که اگر بوسیله ریشه دار شدن صنات رذیله از بین برود، آن اعتقادات عملاً کاربرد کامل خود را از دست می دهند یعنی افرادی از شیعیان که صفات رذیله در روحشان ریشه دار می شود، با وجود علم به اعتقادات و اعتراف به بدی ها نمی توانند یا نمی خواهند خود را صد در صد مطابق

۱۰۱- تفسیر برهان جلد ۲- صفحه ۳۱۰ به بعد

با دستور امام زمان که مصداق صراط مستقیم می باشد قرار دهند مگر اینکه ابتدا این مانع را از روح خود پاک نمایند پس قدم اول برای ایجاد زمینه معرفت امام در انسان پاکسازی روح از صفات رذیله است.

در همه دوره‌های زندگی ائمه آنچه باعث مظلومیت امام و محروم ماندنشان از حق الهی خلافت شد، بی معرفتی مردم بود البته در هر زمانی گروههایی از خواص بوده‌اند که با علم به این مسئله در پی متخلّق شدن به اخلاق کریمه اهل بیت برآمده و صفات حیوانی و شیطانی را از خود دور نموده و به وسیله ارتباط با امام زمینه روحی‌شان را آماده دریافت حقایق از دریای پرارزش معرفت و معنویت امام نموده بودند. خداوند که حق خلافت بر مردم را برای امام تعیین کرده است برای این بوده که او با راهنمایی‌های الهی‌اش ابتدا موانعی مثل هواهای نفسانی و تحریکات شیطانی را از روح انسانها زائل کند و پس از آن زمینه کسب معارف بالاتر و سیراب کردن مردم را از این دریای بیکران حقایق آماده نماید و آنها را رشد دهد و وقتی این حق ظاهراً از آنها گرفته شد، اگر افرادی خود را تحت تربیت امام و آماده و پذیرای حقایق نمایند، خلیفه بودن یا به کنار بودن امام یا ظاهر بودن و غائب بودنشان در رسیدن حقایق به طالبین تفاوتی ندارد^{۱۰۲}. مهم این است که هر یک از مسلمین اگر چه امام در محرومیت از حق الهی‌اش باشد خود را مهذب نموده و در همه جهات اعتقادات، اخلاقیات و احکام، نظر امام را بر خود حاکم سازد و در واقع در مسیر صراط مستقیم دین قرار گیرد تا از تأثیر بمبهای مخرب شیاطین در امان مانده و همانند ارتباط برگ با ریشه درخت، از ثمرات این درخت طیبه بهره‌مند شود. البته اگر امام

۱۰۲- بحارالانوار جلد ۵۲ صفحه ۱۴۲ حدیث ۵۶

در محلی که خداوند خواسته نصب باشد، مرکز فرماندهی این تخریب جهانی را از بین برده و همه دنیا را از فیض درک حقایق و رشد حقیقی و معنویت کامل برخوردار می‌نماید و در آن موقعیت زمینه فعالیت موجودات ضعیفی مثل شیاطین از بین می‌رود ولی اگر وضع به جایی رسید که عموم مردم بخاطر صفات رذیله میدان را برای فعالیت شیاطین خالی کردند و دست از یاری امام برداشتند، لازم است هر فرد خود را نجات دهد و با تهذیب نفس راه معرفت امام را که قرار بوده مردم در ظهور امام کسب کنند، در غیبت ایشان پیماید تا از اثرات آن که ارتباط روحی با امام است، بهره‌مند شود* لذا آنچه بسیار اهمیت دارد و در خیلی از ادعیه و زیارات به ما تعلیم داده‌اند اینکه زمینه معرفت به حق امام را در خود ایجاد نموده و در پی کسب آن باشیم مثلاً حضرت امام هادی علیه السلام در زیارت جامعه کبیره این چنین تعلیم می‌دهند که پس از ذکر عناوین با عظمت و مقام رفیعی برای ائمه در پایان از خداوند بخواهیم که ما را جزو عارفین به آنها و به حقشان قرار دهد^{۱۰۳}.

انسان اگر در جهت معرفت امام گام بر ندارد به خود ظلم کرده و خودش را در تاریکی جهالت و سرگردانی صفات رذیله و نفسانیت در تیررس شیاطین قرار داده است در حالی که اگر بخاطر ارتباط با امام معرفت واقعی به حقش داشته باشد، در تندبادهائی که شیاطین جنی و انسی بر علیه امام زمان علیه السلام ایجاد می‌کنند، کوچک‌ترین شک و شبهه‌ای برایش ایجاد نمی‌شود چون قلبش از پرده‌های رذائل خالی است و نور وجود مقدس امام می‌تواند مستقیم به قلبش بتابد و چنین فردی

* طالبین به مطالعه بیشتر در باره ارتباط روحی با امام زمان علیه السلام به کتاب راهی بسوی نور - بخش سوم - مراجعه نمایند.
۱۰۳- زیارت جامعه کبیره - مفاتیح الجنان

در شناخت حقّ از باطل به شک و تردید نمی افتند.

یکی از این طوفانهای شدید، روزهای بعد از فوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برپا شد و چون بعضی از اصحاب، عارف به امیرالمؤمنین علیه السلام بودند، با این که آن حضرت در جایگاه الهی اش نبود کوچک ترین شبهه ای حتی در قلبشان نسبت به ایشان ایجاد نشد^{۱۰۴} آنچه اکنون در این دنیای غیبت امام زمان علیه السلام جریان دارد دنباله و آثار همان طوفان بعد از پیامبر اکرم است و شیاطین با ایجاد ابرهای شهوت و هوای نفس قصد دارند، مانع تابیدن نور الهی در قلوب همه بخصوص شیعیان شوند و اگر کسی بوسیله توبه و سیرالی الله و تهذیب نفس خود را از این ورطه طوفان نجات دهد، با از بین رفتن صفات رذیله که مانع عمل به اعتقادات است، می تواند اولین مرحله معرفت را که عامل بودن به همه اوامر امام است را کسب نماید و بعد از آن هر چه بیشتر در تهذیب نفس پیشرفت نماید، به درجه بالاتری از معرفت به حق امام دست یابد تا جایی که با ایجاد روحیه بندگی همیشگی در مقابل او که همان عقال و در بند شدن انسان در مقابل خداست، موانع بین او و امام کنار رفته و از مزایائی که قرار است در زمان ظهور به همه مردم برسد، بهره مند می شود^{۱۰۵}.

این راهی است که هرکس می تواند آن را بعد از بیداری از غفلت از امام زمانش بپیماید و با از بین بردن موانع بین خود و امام بوسیله تهذیب نفس خود را در معرض انوار حقایق امام علیه السلام قرار دهد.

امید است مردم مسلمان ایران که معتقدین به عقاید حقّه اهل بیت عصمت و

۱۰۴- بحارالانوار جلد ۲۸ صفحه ۲۳۹ حدیث ۲۶
 ۱۰۵- بحارالانوار جلد ۵۲ صفحه ۱۲۲ حدیث ۴ به نقل از احتجاج

طهارت عليه السلام می باشند با قدردانی از نعمت وجود رهبران مذهبی و دلسوزشان که از منادیان نام آن حضرت در دنیا هستند، این زمینه ایجاد شده را پاس بدارند و از این هدف اولیه انقلاب غافل نشوند که باید هر چه زودتر پرچمش را به صاحبش بسپارند و بدانند همانطور که امام حسن عسکری عليه السلام فرمودند در این غیبت تنها کسانی از انحراف و ضلالت نجات می یابند که «بوسیله تزکیه نفس» خود را بطور واقعی و دائمی در مدار ولایت نگه داشته باشند و بخاطر نیازی که به وجود مقدسش احساس می کنند جزو متضرعین به درگاه خدا برای تعجیل در فرجش باشند ^{۱۰۶}.

هر کدام از شیعیان اگر از غفلت و گناه توبه کرده و تصمیم قاطعانه بر حرکت در این مسیر داشته باشد و از معصومین عليهم السلام بخصوص حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا فداء که در میان ما هستند خالصانه کمک بگیرد هر چند ظهور هم «خدای ناکرده» انجام نشود بوسیله معرفت امام و ارتباط همیشگی با ایشان از فیوضات معنوی و رشد و کمال برخوردار شده، به معارف کامل و نورانی می رسد و در حقیقت از مزایای ظهور در همه جهات بهره مند می گردد ^{۱۰۷}.

حضرت امام صادق عليه السلام در جواب ابی بصیر که پرسیده بود چه موقع فرج آل محمد صلی الله علیه و آله می رسد؟ فرمودند مگر تو جزو افرادی هستی که در محدوده تنگ دنیا مانده اند؟ «بخاطر سرگرم شدن به لهو و لعب از حرکت در مسیر تهذیب نفس که باعث ماندن دائمی در مدار ولایت می شود غافل شده اند» هر کس معرفت به این امر پیدا کند «بداند قبولی امتحانش در دنیا بسته به اینست که خود را از آلوده شدن به

۱۰۶- کمال الدین جلد ۲ صفحه ۳۸۴

۱۰۷- بحار الانوار جلد ۵۲ صفحه ۱۴۲ حدیث ۵۴

صفات رذیله که منتهی به مرگ روحی یعنی جدا شدن از شجره طیبه می شود حفظ کند تا به وسیله ارتباط با حقیقت هستی یعنی امام از وجود مبارک او بهره مند گردد»
به خاطر همین انتظاری که می کشد، «منتظر است تا حقایق عالم فقط از طریق امام که نماینده خداست به او و جهانیان برسد» برای او فرجی حاصل می شود «این نیازش مثل تغذیه برگگی که متصل به درخت و منتظر و محتاج آب است» برطرف می شود.

خداوندا ما را جزو این منتظرین قرار بده آمین

وَالسَّلَامُ عَلٰی مَنْ اتَّبَعَ الْهُدٰی

۱۴ حدیث

از حضرت

بقیہ اللہ الاعظم

عجل اللہ تعالیٰ فرجه الشریف

۱- حضرت ولی عصر ارواحنا فداه در نامه‌ای که در دههٔ اول محرم سال ۱۴۰۴ هجری قمری در صندوق مسجد السیده نرجس علیها السلام لبنان که مراسم عزاداری امام حسین برپا می‌شد و بنام نامی حضرت ابوالفضل العباس مؤمنین را اطعام می‌نمودند، گذاشته بودند این چنین مرقوم فرمودند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 وَقُلْ اَعْمَلُوا فَيَسِّرِ اللَّهُ لَكُمْ وَاَعْمَلُوا فَيَسِّرِ اللَّهُ لَكُمْ
 وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ
 صَدَقَ اللَّهُ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
 أَنَا الْمَهْدِي الْمُنْتَظَرِ
 أَقَمْتُ الصَّلَاةَ فِي مَسْجِدِكُمْ
 وَآكَلْتُ مِمَّا آكَلْتُمْ
 وَدَعَوْتُ لَكُمْ
 فَادْعُوا لِي بِالْفَرَجِ

معنای این نامه این است:

به نام خداوند بخشنده مهربان
 ای پیامبر بگو هر عملی که می‌خواهید انجام دهید ولی بدانید که خدا و رسول
 او و مؤمنون (ائمه اطهار علیهم السلام) هر چه عمل کنید می‌بینند.
 راست فرموده است خداوند بلند مرتبه با عظمت

من مهدی منتظر هستم
 در مسجد شما نماز بپا داشتم
 و از آنچه شما خوردید من هم خوردم
 و برای شما دعا نمودم
 پس شما هم برای فرج من دعا کنید.

۲- امام زمان علیه السلام در قسمتی از نامه خود به شیخ مفید درباره علت بروز حادثه تلخ غیبت و عدم معرفت و شناخت آن حضرت از طرف شیعیان فرمودند:

فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِنْ مَمَانِكِرِهِمْ وَ

لَا نُؤَثِّرُهُ مِنْهُمْ

..... ما را از آنان دور نمی کند مگر اعمالی از آنان که ما را خوشایند نیست و از

ایشان نمی پسندیم.

۳- حضرت ولی عصر ارواحنا فداه در قسمتی از نامه‌ای که در جواب اسحاق بن یعقوب مرقوم فرموده چنین نگاشته بودند.

وَأَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَأَنَّ لِي نَيْفًا بِالشَّمْسِ إِذَا

غَيْبَتْهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابِ

و اما طریقه نفع بردن از من در غیبتم همانند استفاده از روشنایی خورشید است وقتی ابرها باعث جلوگیری از دیده شدن خود آن شوند.

۴- آن حضرت در قسمت دیگری از همین توقیع مرقوم فرموده بودند:

وَأَمَّا الْخَوَادِثُ الْوَأَقِعَهُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ

حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ

و اما در اموری که «در زمان غیبت» برایتان پیش می آید «و به خاطر غیبت نمی دانید تکلیف چیست و چه باید بکنید» به آنان که «آن چنان مرتبط با ما هستند که» همه امورشان نشان دهنده حدیثی از طرف ما است «و تحت تأثیر نفس و شیطان نیستند» مراجعه کنید چون آنان «بخاطر این که از خود بر آن چه ما گفته ایم در نقل مطالب چیزی اضافه نمی کنند» حجت من بر شما و من حجت خدا بر آنان هستم.

۵- آن حضرت در پایان همین توقیع چنین مرقوم فرموده بودند:

وَ أَكْثَرُوا الدَّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ، فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ

برای تعجیل در ظهور خیلی زیاد دعا کنید «چون وقتی همه به این دستور عمل کنند و از روی نیاز در هر جا مجلس دعا برگزار کنند، موجب توجه همگانی به مسئله تأخیر در ظهور شده» و همین «رو آوردن یکپارچه» باعث فرج و ظهور می شود.

۶- حضرت ولی عصر ارواحنا فداه در قسمتی از توقیع به ابوالعباس الکوفی چنین مرقوم داشتند:

إِنْ إِسْتَرَشَدْتَ أُرْشِدْتُ وَإِنْ طَلَبْتَ وَجَدْتُ

اگر «به خاطر بیداری از خواب غفلت» خواستار رشد «ورهایی از مرگ روحی» باشی، از ناحیه ما تربیت یافته، رشد می‌کنی و اگر طالب «و تشنه حقایق» باشی، آن را می‌یابی.

۷- حضرت ولی عصر ارواحنا فداه در قسمتی از نامه مبارک خود به شیخ مفید چنین فرمودند:

فَأَنَا نُحِيطُ عِلْمُنَا بِأَنْبَاءِكُمْ وَ لَا يُعْرَبُ عَنَّا شَيْءٌ مِّنْ أَخْبَارِكُمْ

به درستی که ما احاطه کامل بر امور زندگی شما داریم و هیچ چیزی از اخبار شما از ما پوشیده نیست.

۸- آن حضرت در قسمت دیگری از همین نامه می فرمایند:

فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ بِمَا يُقْرَبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا وَ يَتَجَنَّبُ

مَا يُذْنِبُهُ مِنْ كِرَاهَتِنَا وَ سَخَطِنَا فَإِنَّ أَمْرَنَا بَغْتَةً فَجَاءَتْ.

هر یک از شما باید کارهایی بکند که باعث نزدیک شدن به محبت ما می شود و آن کار او را از ناراحتی و ناخشنودی ما دور می کند چون امر «ظهور» ما بدون اطلاع قبلی و ناگهانی صورت می پذیرد «کسی که آلوده به کار ناشایست است باید قبل از ظهور خود را از آن پاک کند».

۹- حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالى فرجه الشريف وقتی در سن ۴ سالگی بودند و کامل بن ابراهیم مدنی برای گرفتن جوابی به منزل امام عسکری علیه السلام رفته بود، آن حضرت را ملاقات کرد و ایشان بدون پرسش او سئوالی که در دل داشت را پاسخ دادند از آن جمله فرمودند:

قُلُوبُنَا أَوْعِيَةٌ لِمَشِيئَةِ اللَّهِ فَإِذَا شَاءَ اللَّهُ شِئْنَا وَاللَّهُ يَقُولُ «و»

مَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ»

دل ما مرکز و محل خواست پروردگار است. پس هرگاه خداوند چیزی را بخواهد «چون وسیله انجام آن خواست در مخلوقات فقط ما هستیم و بنده او هستیم، این خواست از طریق ما- درباره همه عملی می شود» ما هم همان را می خواهیم و خداوند «در دو جای قرآن در شأن و درباره ما» می فرماید: و آنها «معصومین علیهم السلام چون کاملاً در بند فرمان او هستند»، چیزی را نمی خواهند مگر آن چه را که خداوند بخواهد.

۱۰- حضرت ولی عصر ارواحنا فداه برای این که تفاوت خلقت خود را با ما بیان نمایند و عظمتِ شأنِ منحصر به فردشان را بفرمایند، فرمودند:

نَحْنُ صَانِعُ رَبُّنَا وَالْخَلْقُ بَعْدُ صَانِعُنَا

ما «معصومین علیهم السلام در ابتدا» آفریده شده پروردگاران هستیم و «چون دست خداوند برای هر عملی در مورد بندگانست هستیم، همه» مخلوقات «عوالم هستی» آفریده شده ما هستند.

۱۱- امام زمان علیه السلام در اوایل غیبت کبری وقتی شخصی توفیق ملاقاتشان را یافته و از ایشان دربارهٔ زمان ظهور پرسیده بود در قسمتی از پاسخ چنین فرمودند که «با این بی توجهی‌هایی که مردم دنیا دارند» هنوز نزدیک ظهور نیست بلکه

عَلَامَةُ ظُهُورِ أَمْرِ كَثْرَةُ الْهَرْجِ وَالْمَرْجِ وَالْفِتْنَةِ

«زمانی خواهد آمد که به خاطر ضعف و سوء مدیریت حکام دنیا و متوجه شدن مردم به عدم کفایت سردمداران ستمگر برای به دست‌گیری و انتظام امور، همگی متوجه» علامت ظهور من «که همان» هرج و مرج و فتنه‌هایی که دامن‌گیرشان» است «می‌شوند»

۱۲- شخصی که بسیار مایل بود از خود حضرت ولی عصر ارواحنا فداء مطلبی را بشنود و خدمت عثمان بن سعید عمری «اولین نایب حضرت» اصرار نموده بود آن حضرت بعد از دادن توفیق تشرّف به او فرمودند:

مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَخَّرَ الْعِشَاءَ إِلَى أَنْ تَشْتَبِكَ النُّجُومُ،

مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَخَّرَ الْغَدَاةَ إِلَى أَنْ تَنْقُضِيَ النُّجُومُ.

از رحمت خدا به دور است کسی که آن قدر نماز عشاء را به تأخیر اندازد که ستارگان «از حالت مشخص و واضحی که اوّل شب در آسمان دارند» درهم و نامشخص شوند، از رحمت خدا به دور است کسی که آن قدر نماز صبح را به تأخیر اندازد که «به خاطر روشنائی هوا» ستارگان در آسمان دیده نشوند.

۱۳- در سال ۱۴۱۵ هجری قمری یکی از فقهای بزرگ و مراجع بزرگوار از شخص مورد اعتمادی نقل می‌کردند که حضرت ولی عصر ارواحنا فداه به او در رؤیای صادقه‌ای این چنین فهمانده بودند که:

أَنَا صَابِرٌ عَلَىٰ هَذَا الْأَمْرِ وَلَكِنِ أُنْدُبُونِي أُنْدُبُونِي أُنْدُبُونِي

«چون مردم حق وفاداری را در عهدی که برای ولایت من برعهده داشته‌اند، ادا نکرده و مرا به فراموشی سپرده‌اند» من بر این غیبت باز هم صبر می‌کنم و لکن «بر بی‌توجهی‌هایی که از طرف بخصوص شیعیان» بر من می‌شود «با سوز دل و ناله بلند» گریه کنید گریه کنید گریه کنید.

۱۴- حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالى فرجه الشريف درباره شیعیانی که ریشه دار شدن صفات رذیله در آنها باعث ایجاد جهل و حماقت شده و به خاطر این مانع وظایفشان را در مقابل ایشان انجام نمی دهند، فرمودند:

قَدْ اذَانَا جُهْلَاءُ الشَّيْعَةِ وَ حُمَقَائِهِمْ وَ مَنْ دِينَهُ

جِنَاحُ الْبَعُوضَةِ اَرْجِعُ مِنْهُ

بدرستی جهال و نادانان از شیعه و کسانی که «بجای اطاعت بدون چون و چرا از ما، بخاطر صفات رذیله هر چه نفس و شیطان و سوسه می کند را عمل می کنند و درواقع، بال مگس ارزشش از آن دینی که دارند بیشتر است، ما را اذیت می کنند.

پاورقی ہا

صفحه

۱- عن ابى عبد الله عليه السلام: فى قوله الصراط المستقيم قال هو امير المؤمنين و معرفته ۱۳

۲- قال فبا اغويتنى لا قعدن لهم صراطك المستقيم ۱۴

۳- عم يتسائلون عن النبأ العظيم الذى هم فيه مختلفون - روايت شماره ۱۰- و فى روايه الاصبغ بن نباته ان علياً قال و الله انا النبأ العظيم الذى هم فيه مختلفون كلاسيعلمون حين اقف بين الجنة و النار و اقول هذا لى و هذا لك ۱۴

۴- و من طريق المخالفين مارواه الحافظ محمد بن موسى الشيرازى فى كتابه المستخرج من تفاسير الاثنى عشر و هو من مشايخ اهل السنه فى تفسير قوله تعالى و ربك يخلق ما يشاء و يختار ما كان لهم الخيره يرفعه الى انس بن مالك قال سئلت رسول الله صلى الله عليه و آله عن هذه الاية فقال ان الله خلق آدم من الطين كيف يشاء و يختار و ان الله تعالى اختارنى و اهل بيتى على جميع الخلق فانتجبنا فجعلنى الرسول و جعل على بن ابيطالب الوصى ثم قال: ما كان لهم الخيره يعنى ما جعلت للعباد ان يختاروا ولكنى اختار من اشاء فانا و اهل بيتى صفوته و خيرته من خلقه ۱۴

۵- قال رسول الله صلى الله عليه و آله من مات و لم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية ۱۵

۶- نوزده روز به وفات پيامبر اکرم صلى الله عليه و آله وقتى عمر از ايشان درباره آنچه اميرالمومنين

صفحه

به امر پیامبر اعلام می فرمود سؤال کرد و پیامبر آن حضرت را مورد تأکید دیگری بعد از غدیر خم و مناسبت‌های قبلی قرار دادند، او وقتی از نزد پیامبر بیرون آمد به دیگران گفت: یا اصحاب محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ما اكد النبي في الولاية في غدیر خم ولا في غيره اشد من تأكیده في يومنا هذا یعنی ای اصحاب پیامبر هیچگاه پیامبر نه در غدیر و نه در جای دیگر شدیدتر از امروز علی عَلِيٌّ را مورد تأکید برای ولایت و سرپرستی مسلمین قرار نداده بود..... ۱۷

۷- قالت فاطمة الزهراء عليها السلام: اما والله لو تركوا الحق على اهلہ واتبعوا عترة نبيه لما اختلف في الله اثنان و لورثها سلف عن سلف و خلف عن خلف حتى يقوم قائمنا التاسع من ولد الحسين عَلِيٌّ ۱۷

۸-.... الا وان بليتكم قد عادت كهياتها يوم بعث الله نبيكم صلى الله عليه وآله وسلم و الذي بعثه بالحق لتبطلن بلبله و لتغربلن غربله..... ۲۰

۹- عن ابي حمزه... فقلت يا امير المؤمنين انك قلت: الى السبعين بلا فهل بعد السبعين رخاء؟ قال نعم و ان بعد البلاء رخاء يمحو الله ما يشاء و يثبت و عنده ام الكتاب ۲۰

۱۰- عن ابي حمزة الثمالي قال: قلت لابي جعفر عَلِيٌّ ان علياً عَلِيٌّ كان يقول: الى السبعين بلا و كان يقول بعد البلاء رخاء و قدمضت السبعون و لم تر رخاءً فقال ابو جعفر عَلِيٌّ

صفحة

يا ثابت ان الله تعالى كان وقت هذا الامر في السبعين فلما قُتِلَ الحُسَيْنِ اشْتَدَّ
غضب الله على اهل الارض فاخره الى اربعين و مائه سنة فحدثناكم فاذعتم الحديث
و كسفتهم قناع السر فاخره الله ولم يجعل له بعد ذلك وقتاً عندنا و يمحو الله ما يشاء و
يثبت..... ٢١

١١- انا عرضنا الامانة على السموات و الارض و الجبال فابين ان يحملنها و اشفقن منها و
حملها الانسان انه كان ظلوماً جهولاً با توجه به تفسير برهان جلد ٣
صفحة ٣٤٠ تا ٣٤٢ ٢٦

١٢- فاسألوا اهل الذكر ان كنتم لاتعلمون - با توجه به تفسير برهان جلد ٢
صفحة ٣٦٩ تا ٣٧٢ ٢٧

١٣- لأرطب و لأيابس الأفي كتاب مبین - عن الحسين بن خالد قال سئلت
ابا الحسن عليه السلام ... قال في امام مبین تفسير برهان جلد ١ صفحة ٥٢٨ حديث ٥ .. ٢٧

١٤- ذلك الكتاب لأريب فيه هدى للمتقين - عن ابي عبد الله قال الكتاب على - تفسير
برهان جلد ١ صفحة ٣ حديث ١ ٢٧

١٥- ن و القلم و ما يسطرون عن ابي الحسن موسى بن جعفر عليه السلام قال القلم اسم

صفحه

- امیرالمومنین علیه السلام تفسیر برهان جلد ۴ صفحه ۳۶۸ ۲۷
- ۱۶- یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم - با تفسیر معصومین از جمله در برهان جلد ۱ صفحه ۳۸۱ ۲۸
- ۱۷- الم تَرَ کَیْفَ ضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا کَلِمَةً طَیِّبَةً کَشَجَرَةٍ طَیِّبَةٍ... با تفسیر معصومین از جمله برهان جلد ۲ صفحه ۳۱۰ به بعد ۲۸
- ۱۸- وَلِلّٰهِ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰی فَادْعُوْهُ بِهَا با تفسیر معصومین از جمله: قال ابو عبد الله علیه السلام نحنُ و الله الاسماءُ الحُسْنٰی الذی لَا یَقْبَلُ مِنْ اَحَدٍ اِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا - تفسیر برهان جلد ۲ صفحه ۵۲ ۲۹
- ۱۹- بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِیْدٌ فِی لَوْحٍ مَّحْفُوْظٍ با تفسیر معصومین از جمله بیان امیرالمومنین در باب معرفت نورانی امام در بحار الانوار جلد ۲۶ صفحه ۱ - باب نادر فی معرفتهم بالنورانیه ۲۹
- ۲۰- عن المفضّل بن عُمَرَ قال. قال الصادق جعفر بن محمد علیه السلام: ان الله تبارک و تعالیٰ خلق اربعة عشر نوراً قبل خلق الخلق باربعة عشر الف عام فهی ارواحنا. فقیل له: یا بن رسول الله و من الاربعة عشر؟ فقال: محمد و علی و فاطمة و الحسن و الحسين و

صفحه

الائمة من ولد الحسين آخرهم القائم الذي يقوم بعد غيبته فيقتل الدجال و يطهر الارض
من كل جور و ظلم..... ٢٩

٢١- انما يبئلكم الله به - با تفسیر معصومین از جمله در تفسیر برهان جلد ٢ صفحه ٣٨٢
عن ابی عبداللہ... انما يبئلكم الله به یعنی بعلی... ٢٩

٢٢- در این باره نیز روایات بسیاری است از جمله: قال رسول الله ﷺ: ما تكاملت
النبوّة لِنبيّ في الاظله حتى عرضت عليه ولايتي و ولاية اهل بيتي و مثلوا له فاقروا
بطاعتهم و ولايتهم..... ٣١

٢٣- عن ابی جعفر عليه السلام... فثبتت العزيمة لهؤلاء الخمسة في المهدي و لم يكن لادم عزم على
الاقرار به و هو قوله عزوجل و لقد عهدنا الى آدم من قبل فَنسى و لم نجد له عزمًا ٣١

٢٤- و إذا بتلى ابراهيم ربه بكلمات فاتهم قال اني جاعلك للناس اماماً قال و من ذريتي
قال لاينال عهدى الظالمين با توجه به تفاسير از جمله روايت شماره ١ از تفسیر برهان
جلد ١ صفحه ١٤٧: عن المفضل بن عمر عن الصادق جعفر بن محمد عليه السلام قال سئلته
عن قول الله عزوجل «و اذا بتلى ابراهيم ربه بكلمات» ماهذه الكلمات؟ قال هي
الكلمات التي تلقاها آدم من ربه فتاب عليه و هو انه قال يارب اسئلك بحق محمد و
على و فاطمة و الحسن و الحسين الاتبت على فتاب الله عليه انه هو التواب الرحيم

صفحه

فقلت له يا بن رسول الله فما يعني قوله فاتمهن قال يعني فاتمهن الى القائم عليه السلام ... ٣١

٢٥-... قال سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول ان الله تبارك و تعالى اتخذ ابراهيم عبداً قبل ان يتخذ نبياً و ان الله اتخذ نبياً قبل ان يتخذ رسولاً و ان الله يتخذ رسولاً قبل ان يتخذ خليلاً و ان الله اتخذ خليلاً قبل ان يتخذ اماماً فلما جمع له الاشياء قال انى جاعلك للناس اماماً..... ٣١

٢٦- من جامع البزنطى عن سليمان بن خالد قال سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول: ما من شىء ولا من آدمي ولا انسي ولا اجني ولا ملك في السموات الا ونحن المحجج عليهم و ما خلق الله خلقاً الا و قد عرض ولا يتنا عليه و احتج بنا عليه فهو من بنا و كافر و جاحد حتى السموات و الارض و الجبال الايه..... ٣١

٢٧- كذلك نقص عليك من انباء ما قد سبق و قد آتيناك من لدنا ذكراً - من عرض عنه فانه يحمل يوم القيمة وزراً..... ٣٦

٢٨- قال رسول الله صلى الله عليه و آله: لو اجتمع الناس على حب علي بن ابي طالب لما خلق الله عزوجل النار..... ٣٦

٢٩- عن الفضيل عن ابي جعفر عليه السلام في قول الله تبارك و تعالى «يوم ندعو كل اناس با

صفحة

ماهم» قال يجيبى رسول الله ﷺ فى قومه و على عليهما في قومه و الحسن عليهما في قومه و الحسين في قومه و كل من مات بين ظهرانى قوم جاؤامعه. ٣٧

٣٠- عن المفضل بن عمر عن ابي عبد الله عليه السلام قال: جاء رجل الى امير المؤمنين عليه السلام فشكى اليه طول دولة الجور، فقال له امير المؤمنين عليه السلام: والله (لا يكون) ماتاملون حتى يهلك المبطلون و يضمحل الجاهلون و يامن المتقون و قليل ما يكون حتى لا يكون لاحدكم موضع قدمه، و حتى تكونوا على الناس اهون من الميتة عند صاحبها فبينما انتم كذلك اذ جاء نصر الله و الفتح و هو قول ابي عزوجل في كتابه: حتى اذا استياس الرسل و ظنوا انهم قد كذبوا جاءهم نصرنا. ٣٩

٣١- عن ابي الجارود قال: سمعت ابا جعفر عليه السلام يقول نزل القرآن على اربعة ارباع: ربع فينا و ربع في عدونا و ربع في فرائض و احكام و ربع سنن و امثال و لناكرات القرآن ٤٣

٣٢- عن محمد بن مسلم قال: قال ابو جعفر عليه السلام: يا محمد اذا سمعت الله ذكر احداً من هذه الامة بخير فنحن هم، و اذا سمعت الله ذكر قوماً بسوء بمن مضى فهم عدونا ... ٤٤

٣٣- عن ابي حمزه قال سمعت على بن الحسين عليه السلام يقول: ان الله خلق محمداً و علياً و احداً عشر من ولده من نور عظمته فاقامهم اشباحاً في ضياء نوره يعبدونه قبل خلق الخلق

صفحه

۴۸ یُسَبِّحُونَ اللَّهَ وَيُقَدِّسُونَهُ، وَهُمْ الْأئِمَّةُ مِنْ وَلَدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

۳۴-..... خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَاراً فَجَعَلَكُمْ بِعَرْشِهِ مُحَدِّقِينَ حَتَّى مَنَّ عَلَيْنَا بِكُمْ فَجَعَلَكُمْ فِي بَيْوتِ

۴۸ اِذْنَ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ

۳۵- مَعَاشِرَ النَّاسِ النُّورُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي ثُمَّ مَسْلُوكٌ فِي عَلِيٍّ ثُمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ

۵۰ الْمَهْدِيِّ الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ وَبِكُلِّ حَقٍّ هُوَلْنَا

۳۶- اَنَا الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ الَّذِي أَمْرُكُمْ بِاتِّبَاعِهِ ثُمَّ عَلِيٌّ مِنْ بَعْدِي ثُمَّ وَلَدِي مِنْ صُلْبِهِ أئِمَّةٌ

۵۰ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ

۳۷- مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي نَبِيٌّ وَعَلِيٌّ وَصِيِّي الْأَوْوَانِ خَاتِمُ الْأئِمَّةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ صَلَوَاتُ

اللَّهِ عَلَيْهِ الْأَنْهَ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ - الْأَنْهَ الْمُنْتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ - الْأَنْهَ فَاتِحُ الْحِصُونِ وَ

هَادِمُهَا - الْأَنْهَ قَاتِلُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشَّرْكِ - الْأَنْهَ مَدْرِكُ كُلِّ ثَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ

عَزَّوَجَلَّ - الْأَنْهَ نَاصِرُ دِينِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ - الْأَنْهَ الْغَرَّافُ مِنْ بَحْرِ عَمِيقٍ - الْأَنْهَ يُسَمَّى

كُلَّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَكُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ - الْأَنْهَ خَيْرَةُ اللَّهِ وَمُخْتَارُهُ - الْأَنْهَ وَارِثُ

كُلِّ عِلْمٍ وَالمَحِيطُ بِهِ - الْأَنْهَ المَخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّوَجَلَّ وَالمُنْبِئُ بِأَمْرَائِيَانِهِ - الْأَنْهَ الرَّشِيدُ

السَّيِّدُ - الْأَنْهَ المَقْوُوضُ إِلَيْهِ - الْأَنْهَ قَدْ بَشَّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ بَيْنَ يَدَيْهِ - الْأَنْهَ البَاقِي حُجَّةٌ

وَلا حُجَّةَ بَعْدَهُ وَلا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ وَلا نُورًا إِلَّا عِنْدَهُ - الْأَنْهَ لِأَغَالِبَ لَهُ وَلا مَنصُورَ عَلَيْهِ إِلَّا

صفحة

انه ولي الله في ارضه و حكمه في خلقه و امنيته في سرّه و علانيته - ٥١

٣٨- فأمرت ان آخذ البيعة عليكم و منكم و الصفقة لكم بقبول ما جئت به عن الله عزوجل في علي اميرالمومنين و الائمة من بعده الذينهم منى و منه ائمة قائمهم المهدي الى يوم القيمة الذي يقضي بالحق ٥١

٣٩- جابر بن عبدالله انصاري يقول: لما انزل الله عزوجل على نبيّه محمد صلى الله عليه و آله و سلم يا ايها الذين آمنوا اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولى الامر منكم قلت يا رسول الله عرفنا الله و رسوله فمن اولو الامر الذين قرن الله طاعتهم بطاعتك فقال هم خلفائي يا جابر و ائمة المسلمين من بعدى اولهم علي بن ابيطالب عليه السلام ثم الحسن ثم الحسين ثم علي بن الحسين ثم محمد بن علي المعروف في التوريه بالباقر ستدرکه يا جابر فاذا لقيتّه فاقراه منى السلام ثم الصادق جعفر بن محمد ثم موسى بن جعفر ثم علي بن موسى ثم محمد بن علي ثم علي بن محمد ثم الحسن بن علي ثم سمى م- ح- م- د و كنى حجة الله في ارضه و بقيته في عباده ابن الحسن بن علي ذاك الذي يفتح الله تعالى ذكره على يديه مشارق الارض و مغاربها ذاك الذي يغيب عن شيعته و اوليائه غيبة لا يثبت فيها على القول بامامته الا من امتحن الله قلبه للايمان. ٥٢

٤٠- فكثرت في مولود يكون في ظهري الحادي عشر من ولدي هو المهدي ٥٣

صفحه

۴۱- منّا اثنا عشر مهدياً أولهم اميرالمومنين على بن ابيطالب و آخرهم التاسع من ولدى و
هو الامام القائم بالحق ۵۳

۴۲- انا القائم بالحق ولكن القائم الذي يطهر الارض من أعداء الله عزوجل و يملأها كما
ملئت جوراً و ظلماً هو الخامس من ولدى. ۵۳

۴۳- حضرت امام جواد عليه السلام خطاب به عبدالعظيم حسني: يا اباالقاسم ان القائم منّا
هو المهدى الذي يجب أن ينتظر في غيبته و يُطاع في ظهوره و هو
الثالث من ولدى..... ۵۳

۴۴-... فان الله عزوجل يخفي ولادته و يغيب شخصه... .. ۵۶

۴۵-... نعم يغيب عن ابصار الناس شخصه و لا يغيب عن قلوب المومنين ذكره. ... ۵۶

۴۶- قال جعفر بن محمد الصادق عليه السلام: من اقر بجميع الائمة و حجد المهدى كان كمن اقر
بجميع الانبياء و جحد محمداً صلى الله عليه و آله و سلم نبوته. فقيل له: يا بن رسول
الله فمن المهدى من ولدك؟ قال: الخامس من ولد السابع، يغيب عنكم شخصه و لا يحل
لكم تسميته..... ۵۸

۴۷- قال الصادق عليه السلام: ان سنن الانبياء بما وقع بهم من الغيبات حادثة في القائم منّا اهل

صفحة

البيت حذوا لتعل بالنعل و القذة بالقذة. ٥٨

٤٨- علي بن ابراهيم... عن سدير الصير في قال سمعت ابا عبد الله يقول: ان في صاحب هذا الامر شبيهاً من يوسف عليه السلام قال: قلت له: كاتك تذكر حياؤه او غيبته؟ قال: فقال لي و ما يتكر من ذلك، هذه الامة اشباه الخنازير، ان اخوة يوسف عليه السلام كانوا اسباطاً اولاد الانبياء تاجرُوا يوسف و بايعوه و خاطبوه و هم اخوته و هو اخوهم فلم يعرفوه حتى قال انا يوسف و هذا اخي، فماتت هذه الامة الملعونة ان يفعل الله عز وجل بحجته في وقت من الاوقات كما فعل بيوسف ان يوسف كان اليه ملك مصر و كان بينه و بين والده مسيرة ثمانية عشر يوماً، فلواراد ان يعلمه لقد ر علي ذلك، لقد سار يعقوب و ولده عند البشارة تسعة ايام من بدوهم الى مصر فماتت هذه الامة ان يفعل الله جل و عز بحجته كما فعل بيوسف، ان يمشي في اسواقهم و يطأ بسطهم حتى ياذن الله في ذلك له كما اذن ليوسف قالوا: ائتك لانت يوسف؟ قال انا يوسف. ٥٩

٤٩- عن ابي جعفر عليه السلام قال: ان صاحب هذا الامر شبه من يوسف ابن امة سوداء يصلح

الله عز وجل امره في ليلة واحدة. ٥٩

٥٠- قال الصادق عليه السلام: نزلت في القائم من آل محمد صلى الله عليه و آله هو والله المصطر اذا صلى في

المقام ركعتين و دعا الله فاجابه و يكشف السوء و يجعله

خليفة في الارض. ٦٠

صفحه

- ۵۱-.... به يدفعُ البلاءَ عن اهل الارض و به ينزلُ الغيث و به يخرج بركات الارض. ۶۰
- ۵۲-..... أنا خاتمُ الأوصياء و بی يرفعُ الله البلاءَ عن اهل و شيعتى ۶۰
- ۵۳-..... قال ابو عبدالله عليه السلام لو بقيت الارضُ بغيرِ امامٍ ساعةً لساختُ ۶۱
- ۵۴- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: تكون به غيبةٌ و حيرةٌ تضل فيها الامم ثم يقبلُ كاشهاب الثاقب..... ۶۲
- ۵۵- قال اميرالمومنين عليه السلام: تكون له حيرةٌ و غيبةٌ يضل فيها اقوامٌ و يهتدى فيها آخرون..... ۶۲
- ۵۶- قال ابو عبدالله.... هيهات هيهات لا والله لا يكون ماتمدون اليه اعينكم حتى تُغربلوا لا والله لا يكون ماتمدون اليه اعينكم حتى تُمحصوا، لا والله لا يكون ماتمدون اليه اعينكم حتى تُميزوا، لا والله ما يكون ماتمدون اليه اعينكم الا بعد اياسٍ، لا والله لا يكون ماتمدون اليه اعينكم حتى يشقى من يشقى و يسعد من يسعد ۶۳
- ۵۷- روى محمد بن عجلان عن ابى عبدالله عليه السلام قال اذا قام القائم عليه السلام دعا الناس الى الاسلام جديداً و هداهم الى امر قد دثرو ضل عنه الجمهور و انما سمي القائم مهدياً لانه يهدى الى امرٍ مضلول عنه و سمي القائم لقيامه بالحق ۶۵

صفحة

٥٨- يابن رسول الله لم سمي القائم؟ قال لأنه يقوم بعد موت ذكره وارتداد أكثر القائلين بإمامته فقلت له: ولم سمي المنتظر؟ قال لأن له غيبةً يكثر أيامها ويطول أمدها فينتظرُ خروجه المخلصون و يُنكره المرتابون و يستهزئُ بذكره الجاحدون و يكذبُ فيها الوقتون و يهلك فيها المستعجلون و ينجو فيها المسلمون. ٦٥

٥٩- علي بن ابراهيم قال: في رواية أبي الجارود عن أبي جعفر عليه السلام في قوله الذين إن مكناهم في الأرض أقاموا الصلوة و اتوا الزكاة فهذه الآية لآل محمد عليهم السلام إلى آخر الآية و المهدي و أصحابه يملكهم الله مشارق الأرض و مغاربها و يظهر الدين و يُبيتُ الله به و بأصحابه البدع و الباطل كما أمات السفهاء الحق حتى لا يرى أثر الظلم و يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر. ٦٧

٦٠- عن أبي حمزة عن أبي جعفر عليه السلام في قوله عز وجل و قل جاء الحق و زهق الباطل إن الباطل كان زهوقاً قال: إذا قام القائم عليه السلام ذهب دولة الباطل. ٦٧

٦١- محمد بن يعقوب..... عن أبي ابراهيم عليه السلام في قول الله عز وجل يحيى الأرض بعد موتها قال ليس يحييها بالقطره ولكن يبعث الله عز وجل رجالاً فيحيون العدل فتحيي الأرض لأحياء العدل و لإقامة الحد لله أنفع في الأرض من القطر أربعين صباحاً ٦٨

٦٢- عن إبان عن أبي عبد الله عليه السلام قال: العلم سبعة و عشرون حرفاً فجميع ما جاءت به

صفحة

الرسل حرفان فلم يعرف الناس حتى اليوم غير الحرفين فاذا قام قائمنا اخرج الخمسة و
العشرين حرفاً فبثها في الناس و ضم اليها الحرفين، حتى يثبتها سبعة و
عشرين حرفاً..... ٦٩

٦٣- قال محمد بن علي الباقر عليه السلام: القائم منا منصور بالرعب مويد بالنصر تطوى له
الأرض و تظهر له الكنوز يبلغ سلطانه المشرق و المغرب و يظهر الله عزوجل به دينه
على الدين كله و لوكره المشركون، فلا يبقى في الارض خراب الاقد عمر..... ٧١

٦٤- قال الصادق عليه السلام: من ترك التقية قبل خروج قائمنا فليس منا و قال التقية ديني و
دين آبائي..... ٧٢

٦٥- رفع التقية عند قيام قائمنا فينتقم من اعداء الله..... ٧٢

٦٦- قال المجتبي عليه السلام..... اما علمتم انه مامنا احد الا و يقع في عنقه بيعة لطاغية زمانه الا
القائم الذي يصلي روح الله عيسى بن مريم عليه السلام خلفه. فان الله عزوجل يخفي ولادته
و يغيب شخصه لئلا يكون لاحد في عنقه بيعة اذا خرج..... ٧٣

٦٧- قال اميرالمومنين عليه السلام في ابليس:..... فانه سجد سجدة واحدة اربعة آلاف عام لم
يرد بها غير زخرف الدنيا و التمكين من نظره..... ٧٩

صفحه

۶۸- قال علی بن موسی الرضا علیه السلام.... الى یومِ الوقتِ المعلومِ و هوَ یومُ خروجِ قائمنا اهلَ
البيت..... ۸۲

۶۹- قال حسنُ بنِ علیِ المجتبی:..... ما منّا الا مقتولٌ او مسمومٌ..... ۸۴

۷۰- قال الصادق علیه السلام: لو لم یبقَ مِنَ الدنیا الا یومٌ واحدٌ لطوّلَ اللهُ تعالی ذکره ذلك الیوم
حتى ینخرجَ قائمنا اهل البيت..... ۸۵

۷۱- عن علی بن مهزیار قال کتبتُ الی ابی الحسن صاحبِ العسکر علیه السلام اسأله عن الفرج
فکتبَ الی: اذا غابَ صاحبکم عن دارالظالمین فتوقّعوا الفرج..... ۸۵

۷۲- در تاریخ اوّل شعبان سال ۴۱۲ هجری قمری یعنی پس از گذشت کمتر از ۹۰ سال
از غیبت کبری در قسمتی از نامه به شیخ مفید مرقوم فرمودند:

وَلَوْ اَنَّ اَشِیاعَنَا و فَقَّهَمُ اللهُ لِطَاعَتِهِ عَلٰی اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَّا تَأَخَّرَ
عَنْهُمْ الْيَمَنَ بِلِقَائِنَا و لتعجلت لهم السعادة بمشاهدتنا على حق المعرفة و صدقها
منهم بنا..... ۸۵

۷۳- يا ايها الناس انما بغيكم على انفسكم..... ۸۹

صفحہ

۷۴- یا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ۸۹

۷۵- وكذلك جعلنا لكل نبيٍّ عدوّاً شياطينَ الإنسِ و الجنّ يوحى بعضهم الى بعضهم
زخرف القول غروراً

قال على بن ابراهيم و حدثني ابي عن الحسين بن سعيد عن بعض رجاله عن ابي عبد الله
قال ما بعث الله نبياً الا وفي امته شيطانان من الانس يوذيانه و يضللان الناس بعده
فاما صاحبنا نوح فقيطيقوس و خرام و اما صاحبنا ابراهيم فكمسل و رزام و اما صاحبنا
موسى فالسامري و مرعتيبا و اما صاحبنا عيسى فبولس و مريتون و اما صاحبنا
محمد ﷺ فحبترو و زريق ۹۰

۷۶- عن الحسن بن ظريف عن معمر عن الرضا عليه السلام عن ابيه عليه السلام قال: ان الجن كانوا
يسترقون السمع قبل مبعث النبي صلى الله عليه و آله و سلم فنعت في اوان رسالته
بالرجوم و انقضاض النجوم و بطلان الكهنه و السحر ۹۱

۷۷- معاشر الناس انا الصراط المستقيم الذي امركم باتباعه ثم على من بعدى الا
ان اعداء على هم اهل الشقاق العادون و اخوان الشياطين الذين يوحى بعضهم الى
بعض زخرف القول غروراً ۹۳

٧٨-..... عن جابر عن ابي جعفر عليه السلام: قال لما اخذ رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم بيد علي عليه السلام يوم الغدير، صرخ ابليس في جنوده صرخةً، فلم يبق منهم احدٌ في برّ ولا بحر الا اتاه، فقالوا يا سيدهم و مولاهم! ماذاهاك؟ فما سمعنا لك صرخةً او حش من صرختك هذه. فقال لهم: فَعَلَ هذا النبي فعلاً ان تمّ لم يعص الله ابداً فقالوا: يا سيّد هم انت كنت لادم. فلما قال المنافقون: انه ينطق عن الهوى و قال احدهما لصاحبه: اما ترى عينيه تدوران في رأسه كأنه مجنون، يعنون رسول الله صلى الله عليه وآله صرخ ابليس صرخةً يطرب فجمع اولياءه فقال: اما علمتم اني كنت لادم من قبل؟ قالوا نعم... قال آدم نقض العهد و لم يكفر بالرّب و هؤلاء نقضوا العهد و كفروا بالرسول صلى الله عليه وآله فلما قبض رسول الله و اقام الناس غير عليّ لبس ابليس تاج الملك و نصب منبراً و قعد في الزينه و جمع خيله و رجله ثم قال لهم: اطربوا لا يطاع الله حتى يقوم امام و تلا ابو جعفر عليه السلام: ولقد صدق عليهم ابليس ظنه فاتبعوه الا فريقاً من المؤمنين قال ابو جعفر عليه السلام: كان تأويل هذه الاية لما قبض رسول الله و الظن من ابليس حين قالوا لرسول الله صلى الله عليه وآله وسلم انه ينطق عن الهوى فظنّ لهم ابليس ظناً فصدقوا ظنه..... ٩٤

٧٩- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: انا دار الحكمة و عليّ بابها..... ٩٤

٨٠- يريدون ليطفوا نور الله بأفواههم و الله متمّ نوره و لو كره الكافرون..... ٩٧

صفحه

۸۱- روایت صفحه ۳۳۹ شماره ۱۷- عن محمد بن نعمان قال قال لی ابو عبد اللہ علیه السلام:

اقرب ما يكون العبد الى الله عزوجل وارضى ما يكون عنه اذا افتقدوا حجة الله فلم يظهر لهم وحبب عنهم فلم يعلموا بمكانه و هم في ذلك يعلمون انه لا تبطل حجج الله ولا بيناته فعندها فليتوقعوا الفرج صباحاً و مساءً..... ۹۹

۸۲- روایت صفحه ۳۴۹- قال ابو جعفر علیه السلام.... ثم قال: يقومُ بأمرٍ جديدٍ و سنة جديدة

و قضاءً جديد..... ۱۰۳

۸۳-..... ثم أكمل ذلك بابنه رحمةً للعالمين..... ۱۰۴

۸۴- عن المفضل بن عمر قال قال سیدی الصادق علیه السلام..... قال..... فاذا دنت

الشمس للغروب صرخ صرخ من مغربها: يا معشر الخلائق قد ظهر ربكم بوادي اليايس من ارض فلسطين و هو عثمان بن عنبسة الاموى من ولد يزيد بن معاوية فبايعوه تهتدوا ولا تخالفوا عليه فتضلوا..... ۱۰۴

۸۵- انا غير مهملين لمراعاتكم و لانا سين لذكركم..... ۱۰۶

۸۶- اللهم ان شيعتنا خلقت من شعاع انوارنا و بقيّة طينتنا و قد فعلوا ذنوباً كثيرةً اتكالاً

على حبنا و ولايتنا فان كانت ذنوبهم بينك و بينهم فاصفح عنهم فقد رضىنا و ما كان

صفحه

مِنْهَا فِيمَا بَيْنَهُمْ فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ وَقَاصٍ بِهَا عَنْ حُسَيْنَا وَأَدْخَلَهُمُ الْجَنَّةَ وَزَحَّرْهُمْ عَنِ النَّارِ وَلَا تَجْمَعُ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ أَعْدَائِنَا فِي سَخَطِكَ ١٠٦

۸۷- شیطان در مجادله‌ای که با خداوند بعد از سرپیچی از سجده بر حضرت آدم داشت و رانده شد، از خداوند ثواب اعمالی که تا آن موقع داشت را خواست از جمله این که بتواند القاتش را در محیط کره زمین آن چنان پراکند که همانند جریان یافتن خون در رگها که به همه مویرگهای بدن می‌رسد در روح وارد شود که به همه ابعاد روح رخنه کرده و اعمال انسانها را به شکل خود در آورد..... قَالَ أَجْرِنِي كَجَرِي الدَّمِ فِي الْعُرُوقِ..... ١٢٠

۸۸- لَتَعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الضُّرُوسِ عَلَيَّ وَلِدَهَا وَتَلَاعِقِيبَ ذَلِكَ: وَ تُرِيدَانُ نَمْنًا عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوْا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلُهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلُهُمُ الْوَارِثِينَ ١٢٧

۸۹- الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ١٣٦

۹۰- إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا ١٤٢

۹۱- قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ حَجَّ وَوَالِيَ مَوَالِينَا وَهَجَرَ مَعَادِينَا وَوَطَّنَ نَفْسَهُ عَلَى طَاعَتِنَا ثُمَّ حَضَرَ هَذَا الْمَوْقِفَ مُسْلِمًا إِلَى الْحَجْرِ الْأَسْوَدِ مَا قَلَّدَهُ اللَّهُ مِنْ أَمَانَتِنَا وَ

صفحه

وفياً بما الزمة من عهدنا فذلك هو الحاج والباقون هم من قدرأيتهم ۱۴۳

۹۲-.... واما التغيير فانه لا يسيء اليهم حتى يتولوا ذلك بأنفسهم بخطاياهم وارتكابهم

ما نهي عنه ۱۴۶

۹۳- وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَّكُمْ فَأَخْلَفْتُمْ وَ

مَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي وَلَا تَلُمُوا

أَنْفُسَكُمْ..... ۱۴۶

۹۴- أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ ۱۴۹

۹۵- قُلْ مَا يَدْعُوا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دَعَاؤُكُمْ ۱۴۹

۹۶- عن الفضل بن أبي قره. قال: سمعتُ ابا عبد الله عليه السلام يقول: اوحى الله الى ابراهيم: انه

سيولد لك فقال لسارة. فقالت: «ءالدو أنا عجوز؟» فاوحى الله اليه: انها ستلد و

يعذب اولادها اربعمائه سنة بردها الكلام على. قال عليه السلام: فلما طال على بنى اسرائيل

العذاب، ضجوا و بكوا الى الله اربعين صباحاً، فاوحى الله الى موسى و هرون ان

يخلصهم من فرعون فحط عنهم سبعين و مائه سنة.

قال: و قال ابو عبد الله عليه السلام هكذا انتم لو فعلتم لفرج الله عنا فاما اذ لم تكونوا فان الامر

صفحة

يُنْتَهَى إِلَى مَنْتَهَاهُ ١٥٢

٩٧- در تفسیر آیه ٤٥ سورة حج «وَكَايْنٍ مِّنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا وَبِئْرٍ مَّعْطَلَةٍ وَاقْصِرْ مَشِيدًا» عن ابى جعفر عليه السلام: هو مثل ماجرى لال محمد عليهم السلام قوله و بئر معطله هي التي لا يسقى منها و هو الامام الذي قد غاب فلا يقتبس منه العلم الى وقت ظهوره ١٥٩

٩٨- عن ابى عبدالله عليه السلام: ان غاب امامكم فمن ياتيكم بامام جديد؟ ١٥٩

٩٩- و الذين كفروا اعماهم كسرابٍ بقيعةٍ يحسبه الظلمان ماءً ١٦٥

١٠٠- قال الحسين عليه السلام و انى لم اخرج اشراً و لا بطراً و لا مفسداً و لا ظالماً، و انما خرجت لطلب الاصلاح فى امة جدى صلوات الله عليه و آله اريد ان امر بالمعروف و انهى عن المنكر و اسير بسيرة جدى و ابى على بن ابي طالب ١٦٦

١٠١- از آن جمله حديث ٦-..... سئلت ابا عبدالله عن هذه الايه «اصلها ثابت و فرعها فى السماء» قال اصلها رسول الله و فرعها امير المؤمنين و الحسن و الحسين ثمراها و تسعة من ولد الحسين اغصانها و الشيعة ورقها و الله ان الرجل منهم يموت فتسقط ورقة من تلك الشجرة..... ١٦٩

صفحه

۱۰۲- عن الفضیل بن یسار قال سمعتُ ابا جعفر علیه السلام یقول: من مات و لیس له امام مات میتةً جاهلیةً و من مات و هو عارفٌ لامامه لم یضره تقدّم هذا الامر او تأخر و من مات و هو عارفٌ لامامه کمن هو مع القائم فی فسطاطه ۱۷۰

۱۰۳- أسئلك ان تُدخِلنی فی جملة العارفين بهم و بحقهم ۱۷۱

۱۰۴- قال ابو جعفر علیه السلام: ارتدّ الناس إلا و كانوا سبعة فلم یکن یعرف حقّ امیرالمومنین علیه السلام الا هؤلاء السبعة ۱۷۲

۱۰۵- عن ابی حمزه الثمالی عن ابی خالد الکابلی عن علی بن الحسین علیه السلام قال: تمتدّ الغیبة بولیّ الله الثانی عشر من اوصیاء رسول الله صلی الله علیه و آله و الائمة بعده یا ابا خالد ان اهل زمان غیبتہ القائلون بامامته المنتظرون لِظهوره أفضل اهل کلّ زمان لانّ الله تعالی ذکره اعطاهم من العقول و الافهام و المعرفة ما صارت به الغیبة عندهم بمنزلة المشاهدة ۱۷۲

۱۰۶- قال حسن بن علی العسکری: یا احمد بن اسحاق والله لیغیبنّ غیبةً لا ینجو فیها من الهلکة الا من ثبتته الله عزوجلّ علی القول بامامته و وفقه فیها للدعاء بتعجیل فرجه ۱۷۳

صفحة

١٠٧- عن أبي بصير قال: قلت لابي عبد الله عليه السلام جعلت فداك متى الفرج؟ فقال يا
ابابصير أنت ممن يريد الدنيا؟ من عرف هذا الامر فقد فرج عنه بانتظاره ١٧٣

فہرست

فهرست

صفحه	عنوان
۳	اهدا
۴	تقدیر و تشکر
۵	پیشگفتار

بخش اول

منزلت ائمه اطهار علیهم السلام

۱۳	فصل اول
۱۳	اهمیت اعتقاد صحیح به امامت و خطر انحراف از آن
۱۶	هشدار و حسرت
۱۹	فصل دوم
۱۹	بازگشت به جاهلیت بعد از پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small>
	تهدید به رو آوردن سختی‌ها و دادن امید به فرج در سال ۷۰ و ۱۴۰ برای
۲۰	جلوگیری از تأثیر این جهالت و توجه به امام زمان <small>علیه السلام</small>

صفحه	عنوان
۲۱...۱۴۰	غیبت تدریجی بعثت رسوخِ مثلث شوم شیاطین در دنیا بعد از سال
۲۵	فصل سوم
۲۵	اعتقاد صحیح درباره امام زمان <small>علیه السلام</small> چگونه باید باشد؟
۲۶	عناوین چهارده گانه معصومین <small>علیهم السلام</small> در قرآن
	وعدۀ انبیاء گذشته برای متوجّه کردن جهانیان به مقام امام زمان <small>علیه السلام</small>
۳۲	بوده است
۳۶	وزر و وبال روز قیامت بخاطر اطاعت نکردن از امام زمان <small>علیه السلام</small> است
۳۷	اختصاص ویژگی فوق العاده خداوند در قرآن برای امام زمان <small>علیه السلام</small>
۴۱	فصل چهارم
۴۱	روایات ۱۴ گانه معصومین درباره امام زمان <small>علیه السلام</small>
	۱- روایاتی که آیه یا آیاتی را به وجود مقدّس آن حضرت تفسیر نموده
۴۳	است
	۲- روایاتی که خلقت روحی ایشان و بقیه معصومین <small>علیهم السلام</small> را قبل از خلقت همه
۴۷	مخلوقات بیان می دارند
۴۹	۳- روایاتی که ایشان را از فرزندان پیامبر گرامی اسلام <small>صلی الله علیه و آله</small> معرفی می نماید
	۴- روایاتی که هر کدام از ائمه ایشان را به فاصله تعداد امامی که با خود دارند
۵۲	معرفی کرده اند
	۵- روایاتی که ولادتشان را مخفی و وجودشان را از نظرها غائب یعنی ناشناس

- معرفی می نماید ۵۴
- ۶- روایاتی که بردن نامشان را در زمان غیبت حرام می داند ۵۷
- ۷- روایاتی که می فرماید همه سنن انبیاء درباره ایشان انجام خواهد شد و هر کدام از آن سنت‌ها را فرموده‌اند ۵۸
- ۸- روایاتی که می فرماید به وسیله ایشان بلا از اهل زمین رفع و دفع و برکات نازل می شود ۶۰
- ۹- روایاتی که خبر از ابتلاء و آزمایش مردم به وسیله ایشان از طریق غیبت طولانی و ظهور حتمی و ناگهانی می دهند ۶۲
- ۱۰- روایاتی که القاب تعیین شده ایشان را معنی می کند ۶۴
- ۱۱- روایاتی که ایشان را قائم به حق و ظاهرکننده دین بر جهان و کسی که دارای ویژگی خاصی که موعود خدا و انبیاء است، می داند ۶۶
- ۱۲- روایاتی که ایشان را گسترش دهنده عدل و کامل کننده علوم و زنده کننده زمین پس از مردنش معرفی می کند ۶۸
- ۱۳- روایاتی که ایشان را منصور بالرب و کسی که همه گنج‌های مادی و معنوی به وسیله ایشان ظاهر خواهد شد معرفی می کند ۷۰
- ۱۴- روایاتی که می فرماید بیعت هیچ کس به عهده ایشان نیست ۷۲
- تنبيه و نتیجه گیری ۷۴

بخش دوم

انحراف از توجه به امام زمان علیه السلام

۷۷	فصل اول:
۷۷	عوامل منحرف‌کننده از داشتن اعتقاد صحیح نسبت به امام زمان و علت فعالیت این عوامل ..
۸۲	وقت معلوم
۸۲	ابتدا یا انتهای وقت معلوم؟
۸۶	کینه دیرینه شیطان از امام زمان <small>علیه السلام</small>
۸۷	تیرهای آشکار آسمان
۸۹	فصل دوم:
۸۹	نمونه فعالیت‌های منحرف‌کننده شیطان از توجه مردم به امام هر زمان
۹۵	ظلمت جهانی
۹۶	غیبت امام زمان چاره مکر شیطان
۹۸	تا ظهور کمتر از یک قدم
۱۰۱	حقیقتی غیر قابل انکار
	وحشت شیطان از توجه مردم به مهربانی امام زمان به خاطر جلوگیری از رسیدن
۱۰۲	وقت معلوم است
۱۱۳	توجه به ائمه قبلی توجیه بی‌اعتنائی به امام زمان <small>علیه السلام</small>
۱۱۸	دریغ از یاری زبانی

۱۱۹	فصل سوم:
۱۱۹	بی توجهی به امام زمان <small>علیه السلام</small> ریشه دار نیست اثر غبار سیاه شیطان است
۱۲۷	نشانه های توجه دنیا به امام زمان <small>علیه السلام</small>

بخش سوم

مهمترین وظایف ما اکنون چیست؟

۱۳۵	فصل اول
۱۳۵	توجه به هشدارهای الهی برای خودسازی و تهذیب نفس
۱۳۷	نیازهای روحی و جسمی دو زمینه مناسب در انسان برای تخریب از طرف شیاطین
۱۳۸	صفات رذیله روحی مانع عمل به اعتقادات کسب شده می باشد
۱۴۰	تهذیب نفس چاره اصلی برای عمل به علم اعتقادات
۱۴۴	وحشت شیطان از چه کسانی است؟
۱۴۷	فصل دوم:
۱۴۷	کلید درب بسته غیبت، توبه از غفلت و دعا است
۱۵۰	دعا، رساننده وقت معلوم است

صفحه	عنوان
۱۵۴	شرایط تأثیر دعا برای فرج امام زمان <small>علیه السلام</small>
۱۵۶	قدم اوّل و روّیای صادق
۱۵۸	قدم دوم و تأییدی از حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) مطابق با قرآن و روایات
۱۶۳	فصل سوم:
۱۶۳	ارتباط با امام و معرفت او چاره درد غیبت است
۱۶۶	میزان تشخیص معروف و منکر، دستور امام است
۱۶۸	ارتباط با امام زمان <small>علیه السلام</small> و در نتیجه معرفت به حق ایشان چاره نجات از گرفتاری های غیبت است
۱۷۵	چهارده حدیث از حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا فداه
۱۹۱	پاورقی ها
۲۱۵	فهرست

وَآخِرُ دَعْوَانَا أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِهِ الْمُصْطَفَى
وَاللهِ أَجْمَعِينَ وَلَا سِيَّامَا الْحُجَّةَ الْمُنْتَظَرَةَ
الْإِمَامَ الثَّانِي عَشَرَ عَجَّلَ اللهُ وَجْهَهُ الشَّرِيفَ
وَجَعَلَنَا مِنْ أَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ وَسَيِّدِيهِ
وَمُحِبِّيهِ أَيْمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ
وَبِرَحْمَةِ اللهِ عَبْدًا قَالَ: آمِينَ

از این مؤلف

پاسخ به صد سؤال

در موضوعات:

امام زمان (ع) - تهذیب نفس - عالم ارواح و عالم ذر -
معانی بعض آیات - احضار ارواح